

عیسی مسیح

افشاگر عشق خدا

متن ضد لایه:

بشریت در جستجوی خدای عشق غر می زند. کتاب مقدس می آموزد که او وجود دارد و «این عشق است» (اول یوحنا 4: 8) و او از طریق پسرش خود را مکاشفه کرد. مطالعه منشأ، مقام، رسالت، کار و فداکاری عیسی مسیح ما را به این امر سوق می دهد ما همیشه از ابدیت در قلب خدا عزیز بوده ایم. این را نیز به ما نشان می دهد او برای زندگی هر یک از ما برنامه ای شگفت انگیز دارد، تا ما را از هر شری پاک کند. شر و زندگی ابدی به ما عطا کن تا از بهشتی از برکات بالاتر از همه ما بهره مند شویم انتظارات آن چیزی که «چشم ندیده و گوش نشنیده و در آن وارد نشده است قلب انسان»، توسط او برای کسانی که او را دوست دارند آماده شد (اول قرنتیان 2: 9) هنگامی که خدا در شخصیت واقعی خود از طریق مکاشفه عیسی مسیح دیده می شود داده شده در کتاب مقدس، و این دانش به جهان اعلام شده است، هر انسانی خواهد داشت شرایط برای قدردانی و دوست داشتن او، اگر نه مقاومت در برابر باشکوه، متقاعد کننده، فریبنده و تأثیر فراگیر عشق او

اشعیا نبوت کرد که «زمین از معرفت خداوند پر خواهد شد آب دریا را می پوشاند» عیسی. 11:9 این کتاب به تحقق این کلمات کمک می کند، ارائه آنچه که خدا خواسته است تا به امروز در مورد نویسنده به نویسنده نازل کند تجلی عشق او از طریق عیسی مسیح - از آغاز ابدیت تا روزهای ما خواندن آن مطمئناً افراد صمیمانه را تشویق می کند تا هر بار به آب بیفتند عمیق تر و عمیق تر به اقیانوس بی پایان این مکاشفه شگفت انگیز. «و حیات جاودانی است این: که آنها تو را، تنها تو، به عنوان تنها خدای حقیقی بشناسند. و به عیسی مسیح که تو فرستادی» یوحنا 17:3

پیشگفتار

بسیاری در بیان چندین داستان از دیدن خدای عشق شکست می‌خورند کتاب مقدس، به ویژه عهد عتیق و پیشگویی‌های آخرالزمان. و این برای فقدان یافتن مسیح و کار او در متن. اما وقتی او و او را ببینند کار ارائه شده در این بخش‌ها، آنچه مبهم بود، آشکار و آشکار خواهد شد سپس حقیقت در مورد شخصیت کار خدا. رحمت و عدالت در آن صورت خواهد بود از اعصار گذشته به‌عنوان تعادل کامل در تمام اهدافش دیده می‌شود تا ابدال اعصار، همچنین حکمت حکومت او را نشان می‌دهد و تناسب کامل آن برای ارتقای شادی همه موجودات. اینک پیام این کتاب چشمان شما را به این واقعیت می‌گشاید و شما را به وفاداری به او سوق می‌دهد. آرزوی خالصانه نویسنده است. خدا حفظت کنه که می‌خوانی!

معرفی

مکاشفه ای در مورد منشأ، ماهیت مسیح و کار او برای ما.

عمق مکاشفه عشق خدا در مسیح بسیار فراتر از آن است ظرفیت درک انسان، و مطمئناً موضوع مطالعه خواهد بود از خداوند تا ابدالآباد فدیة شده است. با این حال، حقایقی در مورد مسیح وجود دارد از زمان رسولان پنهان است که اگر امروز درک شود، می‌تواند کمک کند برای برداشتن حجابی که بسیاری را از شناخت خدا آنگونه که هست باز می‌دارد و او را قبول می‌کند برنامه ریزی کنید و نجات پیدا کنید در این مجلد من برخی از آنها را که خداوند را خشنود کرد، افشا می‌کنم خود را از طریق مطالعه کلام او آشکار کنم. نوشته شده است: «چیزهای پنهان برای مردم است یهوه خدای ما؛ اما آنچه نازل شده برای ما و فرزندان ما است همیشه، تا بتوانیم تمام کلمات این شریعت را به جا آوریم.» تثییه. 29:29 «آنچه از اصل، آنچه شنیده ایم، آنچه با چشم خود دیده ایم، چیست ما تأمل می‌کنیم و دست‌هایمان با احترام به کلام زندگی احساس می‌کنیم (و زندگی می‌شود آشکار شد، و ما آن را دیدیم، و بر آن شهادت دهیم، و آن را به تو اعلام کنیم، یعنی حیات

ابدی، که نزد پدر بود و بر ما آشکار شد)، که ما دیده و شنیده ایم
ما دیگران را نیز به شما اعلام می کنیم تا شما نیز ارتباط برقرار کنید
با ما؛ و شراکت ما با پدر و پسر او عیسی مسیح است.» اول یوحنا 3: 1-1
کتاب مقدس به ما توصیه می کند: "بیایید خداوند را بشناسیم". بنابراین، همانطور که
نتیجه این جستجو، «او مانند باران به سوی ما خواهد آمد، مانند باران آخری که آب را آب می کند
زمین." اوسه 3: 6 ما باید مکاشفه مسیح را در هر قسمت از آن بدانیم
کتاب مقدس.
شایان ذکر است که مکاشفه عیسی مسیح در فصول افشا شده است
زیر تنها چیزی نیست که می تواند انسان را به دریافت «باران اخیر» سوق دهد. در
در بیش از هزار صفحه کتاب مقدس مرهم انواع زخم های روح وجود دارد. و پست کنید
که هر یک از ما نیازهای متفاوتی داریم، خداوند هر یک از گوسفندان خود را به سمت آن هدایت خواهد کرد
چراگاه کلام که او برای رشد در فیض، غلبه بر عیوب خاص خود به آن نیاز دارد و
شخصیتی شبیه عیسی را کامل کنید. هدف این کتاب کمک به شماست
سفر به سوی کمال مسیحی و مهمتر از همه، شما را برای انجام همان جستجو برانگیزد
که من در کلمه انجام دادم، که منجر به فصل های آن شد. و ممکن است این جستجو شما را به سمت،
با من و همه کسانی که به آن می پیوندند، خداوند را «مثل باران،
مثل باران آخری که زمین را سیراب می کند.» خب بریم سر موضوع!

فصل 1

عهد ابدی خدا که در مسیح پایه گذاری شد

هدف و وعده او در ایام ابدیت

«قبل از اینکه کوهها متولد شوند یا زمین و جهان را بسازید، حتی از ازل تا ابد، تو خدا هستی» ص 90.2 زمانی بود، در ابدیت گذشته ای که در آن فقط خدا وجود داشت. پیدایش مسیح بعدها اتفاق افتاد، همچنین در ایام ابدیت در کلام آمده است: «و تو ای بیت لحم افراشته، هرچند اندک از میان هزاران یهودا، کسی که در اسرائیل خداوند خواهد بود و منشأ اوست، از تو خواهد آمد از دوران باستان، از روزگار ابدیت.» Miq. 5:2.

وقتی هنوز تنها بودم، در ابدیت، بدون هیچ همراهی، خدا پیش بینی کرده بود آینده. او در مورد خود اعلام می کند: "من خدا هستم ... که پایان را از ابتدا اعلام می کنم. آغاز، و از زمان های قدیم چیزهایی که هنوز محقق نشده اند." عیسی. 10، 46:9 او "چیزهایی را می خواند که انگار قبلا بوده اند." رام 4:17 بنابراین، من می دانستم که پس از موجودات هوشمند و مکان هایی برای اقامت آنها ایجاد کنید - آسمان، جهان و سیارات، دو دستورات موجودات - برخی از فرشتگان و انسانها - بر ضد اراده او قیام می کنند. این است شورش آنها را تحت یک حکم اعدام غیرقابل جبران قرار می دهد. خدا می گوید: «اما چه گناه کردن در برابر من باعث خشونت در روح شما خواهد شد. همه کسانی که از من متنفرند، مرگ را دوست دارند.» Prov. 8:36.

در حکومت او، اراده او قانون خواهد بود. اوامر یا اوامر او خواهد بود بیان قانون، و با شخصیت خود او همسو خواهد شد، و می تواند باشد به عنوان رونویسی از آن در نظر گرفته شده است.

"گناه تخطی از شریعت است" اول یوحنا 3:4. خلاف اراده خداست. او مادی شدن اراده مخلوق در عدم اطاعت از خداوند است. این نیز شهادتی است که مخلوق بر عصیان می دهد و همچنین نشان دادن تمایل به عدم تمایل به اداره شدن توسط او و تعلق به ملکوت او.

اما از آنجا که خداوند خالق همه چیز است، صلاحیت یا حد اوست دولت، کل کائنات یا همه چیز و همه است. بنابراین، هیچ راهی برای خارج شدن موجود از آن وجود ندارد حدود حکومت خدا مزمورنویس گفت: «از روح تو به کجا بروم یا به کجا؟ از چهره تو کجا فرار کنم؟ اگر من به آسمان بالا رفتم، تو آنجایی. اگر بستم را در شئول مرتب کنم، اینک که تو هم آنجایی؛ اگر بال های صبح را بگیرد، اگر در انتهای دریا ساکن شود، حتی در آنجا دست تو مرا هدایت خواهد کرد و دست راست تو مرا حمایت خواهد کرد.» ص 10-7:139 فقط برای مرگ ممکن است موجودی ملکوت خدا را رها کند. نتیجه اجتناب ناپذیر این است که راه طغیان خدا به مرگ منتهی می شود. یا همانطور که نوشته شده است "حقوق" یا

پادشاه "گناه" مرگ است (رومیان، 6:23 زندگی برای یک گناهکار محال است تا ابد

حکومت خالق تنها در غیاب گناه، بدون مرگ پایدار خواهد بود. یا یعنی اگر خضوع و اطاعت ضمنی و اختیاری از سوی مخلوقات او بوده است. موجودات افراد متفکر و باهوش فقط از روی عشق چنین وفاداری نشان می دهند. خدا از ابتدا می دانست که او کیست: "خدا عشق است" (اول یوحنا، 4:8) اما مال شما موجودات باید او را بشناسند. او خود را از طریق آثاری که خلق کرده بود، می شناساند. O پولس رسول بسیار بعداً شهادت داد که «آنچه می توان درباره خدا شناخت... خدا به او بیان کرد. برای چیزهای نامرئی او از خلقت جهان، هر دو او قدرت ابدی به عنوان الوهیت او، با چیزهایی که درک می شود و به وضوح دیده می شود وجود آمدند." رام، 20، 19:1 با این حال، هنوز در میان این تجلی زندگی می کنیم، آدم و حوا و نسل انسان‌هایشان گناه می کنند و حکم اعدام بر آنها می رسد. آنها.

گناه می تواند به دو صورت خود را نشان دهد. اولی، در حضور فوری خداوند، و قبل از ظهور کامل عشق، قدرت و جلال او. دومی در خواهد بود غیبت او - با تجلی جزئی از عشق خدا مواجه شد. که بهتر خواهد بود برای پیگیری توضیح داده شده است.

برخی از فرشتگان در حضور بی درنگ پدر مرتکب گناه شدند. شیطان زمانی لوسیفر بود، حامل نور، فرشته ای که جلال خدا را با بال های خود می پوشاند. که بود

از هر موجود دیگری به او نزدیکتر است: «تو یک کروی مسخ شده بودی محافظت کن و من تو را تثبیت کردم. تو در کوه مقدس خدا، در میان سنگ ها بودی شما سرخ شده بودید تو از روزی که خلق شدی در راه خود کامل بودی، تا زمانی که گناهی در تو پیدا شد.» ایزی، 15، 14:28 از آنجا که شورش می دانست و می دید خود خدا و در برابر تمام محبتش هنوز جلوی چشمان شما ظاهر شده است در برابر نصایح حکیمانه اراده او لجاجت کرد، چیزی جز خدا نبود می تواند خود را آشکار کند تا گناهکار را متقاعد کند که به اطاعت بازگردد

داوطلبانه چنین شورش غیر قابل جبران به نظر می رسد. به همین دلیل، یک بار او و فرشتگان آنها موضع خود را محکم کردند، هیچ کاری برای نجات آنها نمی شد کرد. خیر امکان رستگاری برای فرشتگان سرکش وجود داشت.

نسل بشر در مواجهه با آشکار شدن جزئی از جلال و شخصیت خدا گناه کرد. باغ عدن شگفت انگیز بود، زیرا «عدن» به معنای بهشت است. با این حال اشکال باشکوه آنها نمایانگر جنبه کوچکی از شخصیت خدا بود.

نمایشی جزئی از همان. در مورد گناه نسل بشر، پولس رسول نوشت: «می ترسم همانطور که مار حوا را با حيله گری خود فریب داد، همینطور بگذارید حواس شما نیز به نحوی فاسد شود.» دوم قرنتیان، 3:11

برخلاف فرشتگان، حوا و تمام مردانی که تا امروز توسط او متولد شده اند، چنین نیستند آنها عمیقاً می دانستند که علیه چه کسی قیام می کنند. برای اینها امید به بازیابی وفاداری آنها، خنثی کردن کار فریب و خدا را در شخصیت واقعی او آشکار می کند. در برابر این مکاشفه مردان آنها می توانند انتخاب کنند که به اطاعت از حکومت و قانون او بازگردند و از مرگ بگریزند. انجیل شامل این مکاشفه است و در زیر ارائه خواهد شد.

چگونه و به چه قیمتی می توان به مردان این فرصت را داد؟ O "مزد گناه مرگ است" روم. 6:23 ثبات حکومت خدا به تنهایی با اعمال مجازات برای متخلف حفظ خواهد شد. بنابراین، به منظور انسان می تواند زندگی کند، پس از انجام گناه، کسی باید برای آن بمیرد. مشکلی وجود داشت که باید حل شود: اگر انسان گناه کند و کسی برای او بمیرد. آنگاه انسان رستگار می شود و کسی که خود را فدا می کند گم شده است. یک زندگی برای دیگری داده شده است. یکی اگر از دست دادن تا شخص دیگری نجات یابد. راه حل کاملی نخواهد بود. آیا می توان آن را ذخیره کرد مرد، بدون از دست دادن کسی؟ بله، اما فقط اگر کسی می تواند بمیرد و سپس زنده کردن خدا نمی تواند برای انسان بمیرد، زیرا او جاودانه است: "به پادشاه اعصار، جاودانه، نامرئی، برای تنها خدای حکیم... او که تنها جاودانگی دارد و ساکن است در نور غیر قابل دسترس؛ که هیچ کس او را ندیده و نمی تواند ببیند" (اول تیم. 1:17؛ 6:16).

نیاز به وجود آمدن موجودی وجود داشت - نجات دهنده ای که پس از مرگ برای انسان، می توانست با عدالت خود دوباره زنده شود.

اما این موجود نمی تواند یک مخلوق باشد. هر موجود هوشمندی آفریده شده است «الف تصویر خدا» ژنرال 1:26 اما نه برابری با او دارای صفات شخصیت الهی هستند، نمی توان گفت که موجودات دارای کمال هستند از او. بنابراین، هر چقدر هم که موجودی حاضر بود برای انسان گناهکار بمیرد، از طریق ناآگاهی یا ناآگاهی جزئی شخصیت و خواست خدا. حتی فرشتگان، بالاترین مرتبه موجودات مخلوق، از آن فرار نمی کنند قانون. نوشته شده است: «آیا انسان از خالقش پاکتر است؟ سپس او به بندگان خود اعتماد نمی کند و به فرشتگان خود حماقت می یابد.» ایوب 18، 17؛ 4:17 اگر فرشته ای باشد اگر او برای انسان گناهکار بمیرد، با عدالت خود نمی تواند زنده شود. زیرا او بسیار کمتر از محدوده الزامات قانون خواهد بود. همانطور که مزمورنویس می گوید: «همه کمال را حدی دیدم، اما فرمان تو بسیار گسترده است.» مزمور 119:96 قانون بیان است از شخصیت الهی و همه مخلوقات تابع قانون (حکم بر آن) هستند. در این زمینه، تنها یک موجود می توانست زنده شود: یکی با اوج شخصیت برابر قانون؛ آنقدر بالا که با الزامات قانون خدا در سراسر جهان برابر باشد وسعت آن که او با شورش همذات پنداری نداشت و نداشت هیچ اشتباهی نکرد، حتی از روی نادانی. او می توانست بدون گناه زندگی کند. این است،

پس از مرگ، با عدالت خود زنده شود. و این بدون اینکه باعث تشدید شریعت او شود یا دولت. از آنجایی که شریعت رونوشت شخصیت خداست، تقدس شخصیت این موجود باید با خود خدا برابر باشد.

از این مشاهدات، خداوند راه حلی را دریافت که شرایط را برآورده می کند:

پسری به دنیا بیاورد که خدا نبود (و بنابراین جاودانه نبود تا بتواند

بمیرد)، و دارای قداست شخصیتی برابر با او بود. در اینجا روی زمین، ما آن را مشاهده می کنیم

کودکان ویژگی های شخصیتی را از پدر خود به ارث می برند. و خدا آن را طوری قرار داد که ما بتوانیم

رابطه «پدر و پسر» را درک کنیم تا از طریق چیزهای طبیعی بتوانیم

آثار او را از ابدیت درک کنید. در مورد فرزندآوری خداوند، انتقال

شخصیت کامل خواهد بود، زیرا تمام کارهای او کامل است (تثنیه 32:4) بنابراین پسر یک

اراده پسر کاملاً با اراده او همسو خواهد بود. و

همانطور که اراده او شریعت است، اراده پسر نیز چنین خواهد بود. بنابراین او نیز مانند خدا

پدر او برای موجوداتی که هر دو با هم خلق خواهند کرد، شریعت دهنده خواهد بود.

در این جا یک توضیح لازم است: خداوند محدودیت مردان را ندارد

برای تولید فرزند تو به زن نیاز نداری او گفت: «اینک من خداوند هستم

خداى هر جسم؛ آیا چیزی برای من خیلی سخت خواهد بود؟» جر.

32:27 و مردان و زنان را آفرید؛ او به آنها توانایی تولید مثل را داد

اتحاد هر دو اما آیا او، خالق، مشمول محدودیت هایی می شود که بر خود تحمیل کرده است؟

موجودات؟ نتیجه می گیریم هنرمندی که مجسمه یک زن را مجسمه سازی کرده است

محدود به ساختن مجسمه های زنانه، عدم توانایی در ساختن مجسمه

مردان؟ به عبارت دیگر: آیا خداوند در اندیشه های خود محدود می شد؟

خلاقیت و قدرت او، به طرز تفکر ما؟ او در کلام خود می گوید: «برای من

افکار افکار شما نیستند و راههای شما نیز من نیستند

خداوند می گوید راه ها. زیرا همانطور که آسمانها از زمین بالاتر است، همینطور

راههای من بالاتر از راههای شما و افکار من هستند

بالاتر از افکار. «هست یک. 9، 8:55 علاوه بر این، او از طریق آموزش می دهد

طبیعت، که نسل یک زندگی جدید نه تنها از طریق اتحاد پدر و مادر اتفاق می افتد،

بلکه از تکه ای از بدن «پدر». چندین گونه گیاهی این کار را نمی کنند

آنها برای تولید مثل به اتحاد "مرد و زن" نیاز دارند. بلکه می توانند موارد دیگری تولید کنند

جدید از تکه های خودشان فقط یک شاخه را جدا کنید و در زمین دفن کنید

و او یک گیاه جدید تشکیل می دهد. بنابراین، مشاهده می شود که چندین گیاه می توانند از آنها "فرزندان ایجاد کنند".

از شاخه ها اگر خداوند گیاهانی را آفرید که از این طریق می توانند تولید مثل کنند، معلوم است که

او همچنین در صورت تمایل می تواند از این طریق صاحب فرزند شود.

بازگشت به آغاز، خداوند، در ابدیت گذشته، در حالی که هنوز تنها بود، در نظر گرفت

همه این. واضح بود که امکان رستگاری مردان فراهم می شود،

پس از گناه، اگر پسری به دنیا آورد. این پسر فرستاده خواهد شد تا انسانها را نجات دهد، به جای او مردن از این رو نام مسیح یا مسیح نامیده می شود. "مسیح" از ترجمه از اصطلاح مسیحا برای یونانی، "Kristos" که به معنای "فرستاده" است. علاوه بر این، با به ارث بردن شخصیتی برابر با شخصیت خداوند در حین زندگی با او مردان او را به آنها آشکار می کردند. بنابراین درست است که بگوییم خدا خودش خودش را خواهد داد مردان را در شخص پسرش بشناسد. و هنگامی که مردان وحی از خدا در مسیح، می تواند او را بشناسد، نجات او را انتخاب کند، و تابع او باشد پادشاهی، فرار از مرگ ابدی. و نه تنها مردان سود خواهند برد. همه دستورات موجودات باهوش شخصیت و عشق خدا را بهتر درک می کنند در زندگی یک مخلوق نشان داده شده است. مسیحا، پسر خدا مجسم شده، انسان عیسی مسیح و پیوندهای عشقی که آنها را با خالقشان پیوند می داد در آن مستحکم می اشد همانطور که آنها مطالعه کردند و در مورد این بزرگ و کافی بیشتر آموختند وحی، که ثبات ابدی حکومت او و سعادت کامل او را تضمین می کند همه مخلوقاتش

قرار بود وعده نجات به گناهکاران آینده داده شود. و اساس آن پسر خدا بود که به وجود می آمد و مسیح می شد، مسیح بنابراین، هدف خداوند برای کل عالم مخلوقات و برای ماست بر اساس او و اگرچه مسیح "در ایام ابدیت" سرچشمه گرفت (میک. 2: 5) اما هدف خدا از طریق او بر وجود او مقدم است، این «هدف ابدی است که ساخته است در خداوند ما مسیح عیسی» اف. 11، 10: 3

یک حقیقت نتیجه این است که هدف خدا، چه برای هر کدام مخلوقات او یا جهانی که در آن ساکن هستند، بر اساس مسیح است. از این رو ما می دانیم که مسیح «آغاز خلقت خدا» است. 3: 14 یعنی اصل پروژه خدا برای همه چیز و همه، برخاسته از هدف ابدی او برای نجات و سعادت ابدی همه را از طریق فداکاری و کاری که از طریق او انجام می شود تضمین می کند فرزند پسر. به همین معنا، "همه چیز در او آفریده شد" کول. 1: 14 یعنی همه چیز آنچه آفریده شده بود یا برای وجود طراحی شده بود، مسیح را به عنوان اساس خود داشت. اگر او نبود ایجاد می شود، چیزی خلق نمی شود، زیرا جهان و موجودات بدون تضمین در برابر آن خواهند بود گناه بنابراین، "بدون او هیچ چیز ساخته نشد" یوحنا. 3: 1

خلقت جهان و موجودات صرفاً بر اساس نسل یا وجود مسیح همچنین بر اساس پروژه رسالت او، تجسم او و از فداکاری او برای مردان پولس می گوید: «خدا... همه چیز را به وسیله عیسی مسیح آفرید» اف. 3: 9 در این آیه، رسول از مشارکت شخصی و فیزیکی پسر صحبت نمی کند خداوند در آفرینش زمین و سایر سیارات. زیرا او نام «عیسی» را ارائه می کند مسیح. نام «عیسی» تنها زمانی به او داده شد که تجسم یافت و به این جهان آمد.

در آن هنگام بود که فرشته گفت: مریم، نترس که در نزد خدا لطف یافتی.
و اینک در شکم خود حامله خواهی شد و پسری به دنیا خواهی آورد و نام او را خواهی خواند
عیسی. " لوک 31، 30:1 بنابرین، با بیان اینکه خدا همه چیز را از طریق «عیسی مسیح» خلق کرد،
پولس به ما اطلاع می دهد که زنده بودن خلقت به دلیل وعده آمدن بود
پسر خدا مجسم شده، و از قربانی او.
انسان عیسی مسیح اساس یا سنگ بنای پروژه خلقت است.
به همین دلیل است که او و هیچ دیگری، «سنگ ... که سر گوشه قرار گرفت» است.
(مرقس 12:10) که بر روی آن کلیسا، مجرای تعیین شده برای انتقال
دانش پیام رستگاری روی زمین، باید تقویت شود.
در چارچوب این طرح فوق العاده، از آنچه تاکنون دیده شده است، یک
انحراف، تنزل بی نهایت طرح بزرگ خدا به برنامه مشترک
زندگی روزمره مردان، درک کنید که هر مردی که به عنوان یک مخلوق متولد شود، به عنوان
ما، و نداشتن زندگی از قبل با خدا، به عنوان پسر یگانه، برای اشغال این مکان
مسیح روی زمین پذیرش این امر به معنای قرار دادن مخلوق به جای خالق است. مرد
ناپاک و گناهکار در مقام پسر پاک و کامل و مبارک خدا. تغییر لنگر که برای نجات ما گذاشته شده بود، سنگ واقعی، حذف عظمت
آسمان و قرار دادن "ریگ" در جای خود. این نامی بود که مسیح به پطرس داد
در متی 16:18 از متن اصلی: «من نیز به تو می گویم که تو پطرس (پیل) هستی و بر این صخره کلیسای خود را می سازم و دروازه های
جهنم بر آن چیره نخواهد شد».
مبادله سنگ بزرگ، مسیح عیسی، با یک "سنگ کوچک" به معنای تحقیر عظمت بی نهایت است.
و پاکی پسر خدا که در کنار پدر بر تخت عالم می نشیند تا یک
انسان معمولی، شرکت کننده در رذالت طبیعی که در نژاد سقوط کرده بشر مشترک است.
با بازگشت به اصل موضوع، با درک آنچه تاکنون افشا شده است، می توانیم فریاد بزنیم:
مانند پولس: «متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح که... ما را برگزید
در او قبل از تأسیس جهان» اف. 4، 3:1 او به ما فکر کرد، هدفی داشت
نسبت به ما جاودانه است و ما را در مسیح، در ابدیت، حتی قبل از ایجاد مسیح محبت کرد
فرزند پسر. از آنچه دیدیم می فهمیم که فیض خدا برای نجات ما نیست
فقط دو هزار سال پیش، بر روی صلیب به ما داده شد. اما در خود ابدیت، از طریق
وعده قربانی شدن پسر خدا، که بعداً تبدیل به انسان خواهد شد
عیسی مسیح «خدایا.. ما را نجات داد و ما را با دعوتی مقدس خواند. نه بر اساس
اعمال ما، اما مطابق هدف و فیضی که در مسیح به ما داده شده است
عیسی، قبل از شروع جهان» 2 تیم. 9، 8:1
بنابرین، مشاهده می شود که خداوند وقتی می گوید: «زیرا با عشق جاودانی صادق است
من دوست داشته ام، از این رو با مهربانی تو را کشیده ام.» جر. 31:3 مسیح «پسر عشق او» است (کل.
1:13) کسی که محبت ابدی او بر ما و برای ما آشکار شده و هست

کل کیهان و برای ما، مسیح ضامن وجود خود ماست
فاش کننده شخصیت واقعی عشق خداوند؛ نجات دهنده ما، واسطه ابدی است
از عهد فیض؛ تضمین ابدی تحقق وعده آشتی
با پدر ابدی برای آزادی از گناه، و زندگی ابدی آینده در کنار او. "خداوند
زندگی ابدی به ما داد و این زندگی در پسر اوست." «اول یوحنا 5:2
بهای رستگاری انسان، جان پسر خداست. او می توانست بهتر باشد
بر اساس مکاشفه در مورد چگونگی خلقت مسیح توسط خدا، در ابدیت، ارزیابی شد
که در فصل بعدی خواهیم دید.

فصل 2

مسیح، یگانه زاده خدا و بهای نجات

رنج خدا در ایجاد پسرش.
تمام وعده ها به مخلوقات در مسیح داده شد.

این حقیقتی است که در سراسر کتاب مقدس، اعم از قدیم و جدید، تثبیت شده است. عهد، که مسیح به معنای واقعی کلمه پسر خدا بود. هنگام صحبت با ایوب، خداوند به آن اشاره می کند گفت: «آنگاه که زمین را بنیان نهادم کجا بودی؟... راه کجاست آیا نور زنده است؟ و اما تاریکی، جای آن کجاست. تا بتوانید آنها را به خود بیاورید محدودیت ها، و به طوری که شما مسیرهای خانه خود را بشناسید؟ البته تو این را می دانی، زیرا در آن زمان به دنیا آمدی و تعداد روزهایت زیاد بود!» ایوب 19-21، 38:4 بیدیهی است که متن به ایوب اشاره نمی کند و پدر بشریت، آدم نیز در زمان خدا متولد نشده است زمین را تأسیس کرد. اما مسیح بله، او بود. "او در آغاز با خدا بود" یوحنا 2: 1: بعداً در کتاب امثال، خود مسیح آنجا را فراخواند «حکمت» خدا (اول قرن تیان، 31، 24، 11: اعلام کرد که او در روزهای ابدیت متولد شد: خداوند در آغاز کارش، قبل از قدیمی ترین کارهایش، مرا تصاحب کرد. از آنجا که ابدیت، از ابتدا، قبل از آغاز زمین برقرار شد. قبل از اینکه وجود داشته باشد پرتگاه ها، من به دنیا آمدم و پیش از آن چشمه هایی پر از آب بود. قبل از کوه ها برپا شد، قبل از اینکه تپه ها وجود داشته باشند، من به دنیا آمدم. او هنوز این کار را نکرده بود زمین، نه وسعت، و نه حتی آغاز غبار جهان». Prov. 8:22-26 سپس، پس از تولد، با خدا در خلقت همه چیز مشارکت داشت: «هنگامی که آماده شد آسمان، آنجا بودم...» Prov. 8:27 قبلاً در عهد جدید، مسیح هنگام انجام مأموریت خود بر روی زمین، اعلام کرد به پیلاتس که قبل از آمدن به دنیا به دنیا آمد: «عیسی پاسخ داد: تو می گویی که من پادشاه هستم. برای این به دنیا آمدم و برای این به دنیا آمدم تا به حقیقت شهادت دهم.» جان 18:37 به ترتیب اطلاعات توجه کنید: ابتدا او متولد شد. سپس به دنیا آمد اول، در آنجا در ابدیت گذشته، او به دنیا آمد. سپس، چند سال قبل، او به دنیا آمد، در رحم مریم پولس با تأیید سخنان مسیح، شهادت می دهد که مسیح از طریق پسر خداست تولد تحت اللفظی، که منشأ او را از فرشتگان متمایز می کند، این دومی ایجاد کرد: «توسط

پسری که او را وارث همه چیز قرار داد و به وسیله او جهان را نیز ساخت. که، بودن درخشندگی جلال او و تصویر صریح شخص او... بیش از پیش ساخته شد عالی از فرشتگان که نامی برتر از آنها به ارث برده اند. زیرا کدام یک از فرشتگان گفته است: تو پسر منی، امروز تو را به دنیا آوردم؟ و دوباره: من برای شما خواهم بود پدر، و آیا او پسر من خواهد بود؟» عبری 5:1-1 فقط ویژگی هایی که در اینجا ذکر شده است از یک پسر تحت اللفظی: وارث "نام پدر"؛ "از پدر متولد شده است"؛ بودن "اکسپرس تصویر شخص او." و خود پدر گفت: تو پسر من هستی، امروز تو را زاییده ام. وجود ندارد چگونه به طریق دیگری بفهمیم هنگامی که شواهد کاملی را دیدید و پذیرفتید که مسیح پسر واقعی است، متولد شده از خدا، ما در موقعیتی هستیم که می‌توانیم به جایی که در پایان زندگی بودیم برگردیم فصل قبل ما درک کرده بودیم که در ابدیت گذشته، هدف از خداوند نسبت به مخلوقات و حکومتی که بر آنها حکومت می‌کرد همه بر اساس آن بود مسیح. اما در آن زمان این برنامه فقط در ذهن خدا وجود داشت. مسیح هنوز متولد نشده بود. خدا تنها بود این واقعیت در یوحنا 1:1 به تصویر کشیده شده است. در نسخه اصلی متن یونانی که ترجمه تحت اللفظی آن چنین است: «در آغاز کلمه بود و کلمه در خدا بود و خدا کلمه بود» (یوحنا 1:1). میدونم فرق داره با این در نسخه مدرن شما از کتاب مقدس است. به نظر می‌رسد که نسخه های مدرن تحریف اصلی ترجمه کلمه به کلمه متن یونانی را ببینید:

این کلمه بود و خدا کلمه بود و خدا کلمه بود و خدا کلمه بود و خدا کلمه بود

معنای اصلی این بود: او، خدا، پدر ابدی، «کلمه» بود که در جهان وجود داشت اصل و چون تنها بود، خدا برای خودش صحبت کرد. بعدها، پس از تولد پسر، خدا تصمیم گرفت که مسیح از این پس سخنگوی او باشد. واحد از فکر و هدف بین آنها به حدی کامل بود که به درستی می‌توان گفت که آنچه که کلمه برای فکر است، مسیح برای پدر بود، به همین دلیل است که کتاب مقدس به مسیح اشاره می‌کند به عنوان موجود: "کلمه": "و کلمه جسم شد و در میان ما ساکن شد" (یوحنا 1:14) با درک اینکه مسیح کلمه بود، می‌توانیم به زمان یوحنا برگردیم 1:1 و معنای آن را عمیق تر درک کنید. بیایید دوباره به متن نگاه کنیم اصل: "در ابتدا کلمه بود و کلمه در خدا بود و خدا کلمه بود." اکنون به عبارت وسط آیه توجه کنید: «کلمه در خدا بود». این یکی نداره همان معنای آخری: "و خدا کلمه بود" (یوحنا 1:1) تنها درک ممکن است: کلمه - مسیح - در خدا بود. زمانی که فقط خدا، مسیح وجود داشت من در خدا بودم؛ نه فقط به عنوان یک پروژه در ذهن او، بلکه در او. مثل این؟ "In" به معنای "درون" است. این متن به معنای واقعی کلمه بیان می‌کند که مسیح از آن متولد شد

در درون خدا، یعنی از قطعه ای که از درون بدن او گرفته شده است، به وجود آمده است. عیسی در دعای کاهن اعظم خود این را به وضوح گفت: «زیرا من کلماتی را که من به شما داده‌ام تو به من داد؛ و آنها را پذیرفتند و به راستی دانستند که من از جانب تو آمده‌ام و ایمان آورده‌اند که تو مرا فرستادی.» یوحنا 8:17 تعبیر "من تو را ترک کردم" نمی‌تواند به معنای "تو را ترک کردم". حضور، زیرا این در دنباله، با عبارت «تو مرا فرستادی» بیان می‌شود. توجه کنید برای ترتیب اطلاعات: ابتدا "از تو بیرون آمدم" در گذشته دور. سپس «من آیا فرستادی». او بدن خدا را در ایام ابد ترک کرد؛ اما برای ما ارسال شد حدود دو هزار سال پیش

اگرچه او از جانب خدا آمده است، اما در رحم او شکل نگرفته است زن بچه اش را حمل می‌کند زیرا او این کار را به تنهایی و بدون اتحاد با شوهرش انجام نمی‌دهد. بدون جمع پدر و مادر فرزند انسان را تشکیل نمی‌دهد. اما چون خدا مطلقا بود تنها پسر باید از او زاده شود.

در کتاب پیدایش، روایتی را می‌یابیم که تاکنون بهترین بودن را ثابت کرده است تصویری از روند تولید پسر خدا: «سپس خداوند خداوند یک را رها کرد خواب سنگین بر آدم فرود آمد و او به خواب رفت. و یکی از دنده‌هایش را گرفت و بست در عوض گوشت و از دنده ای که خداوند خداوند از انسان گرفت، یک زن و آن را نزد آدم آورد. و آدم گفت: اکنون این استخوانی از استخوانهای من و گوشت من است گوشت من؛ او را زن می‌نامند، زیرا از مردی گرفته شده است.» ژنرال 23-21:2

حوا از بدن آدم خلق شد. و اگرچه هر دو متمایز بودند، اما حفظ شد، هر کدام فردیت خاص خود را داشتند، آنها در طبیعت مشترک بودند: انسان. ساخته شدند از گوشت و استخوان

به هر حال، نام آدم به معنای "مرد" است. کتاب مقدس، صحبت از منشأ بشریت می‌گوید: «این کتاب نسل آدم است. روزی که خدا خلق کرد انسان او را شبیه خدا ساخت. نر و ماده را آفرید و برکت داد و ندا داد نامشان آدم در روزی که خلق شدند.» ژنرال 2، 1:5 خدا هر دو را نامگذاری کرد، آدم و حوا از «آدم» یا انسان. به این ترتیب به برابری خود اشاره کرد ماهیت فیزیکی، شخصیت و هدف - هر دو انسان بودند، از دستانشان آمده بود خود خالق، صفات شخصیتی را از او به ارث برده و در اهدایش همسو بوده است. آنها با هم در هماهنگی زندگی کردند و از باغ عدن، خانه خود مراقبت کردند.

مثال آدم و حوا راز تولد مسیح را روشن می‌کند روزهای ابدیت خداوند از تکه ای از بدن آدم حوا را آفرید

دنده، واقع در سینه شما. این نشان می‌دهد که چگونه با «تنها زاده» یا تنها اتفاق افتاد پسری که از خدا زاده شده است. همانطور که نوشته شده است، "چیزهای نامرئی" خدا "درک می‌شود و از چیزهای آفریده شده به وضوح دیده می‌شوند" (رومیان 20، 19:1 جان گفت که «

پسر یگانه" در آغوش پدر" یوحنا 18:1 است. آیه نشان می‌دهد که خداوند خود را آفریده است

پسر در حال برداشتن تکه ای از بدن خود، از ارتفاع سینه، درست همانطور که انجام داد
حوا را از آدم تشکیل داد و از او پسر را ساخت. حتی آن را از پاهایش در نیامورد
نه از دستان او، بلکه از سینه‌اش تا او را به مقام برابری با خود ارتقا دهد.
یکسان. چیزی در این حقیقت نهفته است که بسیار چشمگیر است. وقتی خدا
حوا را تشکیل داد، «خواب سنگینی بر آدم فرود آورد» و او به خواب رفت» (پیدایش 2:21) او
او را بیهوش کرد تا درد برداشتن دنده اش را احساس نکند، بلکه فقط درد آن را احساس کند
خوشحالی بعد از دیدن همراهش در مورد خدا اینطور نبود. کسی نبود که
او را بیهوش کنید تا درد او را با برداشتن تکه ای از بدنش کاهش دهید و درب را ببندید.
جای زخم و از آن پسری پدید آید.

یک هنرمند خالکوبی زمانی اشاره کرد که قفسه سینه از جمله مکان هایی است که فرد در آن قرار دارد
هنگام خالکوبی درد بیشتری احساس کنید. و خداوند از سینه خود تکه ای برگرفت
جایی که ما بیشترین درد را در آن احساس می کنیم. از این رو می‌توانیم درد فیزیکی را که او احساس کرد، درک کنیم. زیرا
ما «به شباهت او» آفریده شدیم (پیدایش 1:26) همه اینها به این دلیل است که ما که حتی نداریم
اگر هنوز آفریده شده بودیم، گناه می‌کردیم و به نجات از مرگ نیاز داشتیم. خدا، در
ابدیت گذشته، فداکاری را بر خود تحمیل کرد که باعث درد شدید او شد
ناگفتنی است تا پسری بیافرینیم و از طریق او بتوانیم نجات دهنده ای برای ما فراهم کنیم. بنابراین، زمانی که
با نگاهی به ابدیت گذشته، در خداوند، آشکار شدن عشق ایثارگرانه را می بینیم.

"خدا عشق است" اول یوحنا 4: 8 و "عشق از اشتیاق رنج می برد" اول قرنتیان 13:4 او خود را قربانی کرد زیرا
برای ارزش قائل بود، از ابدیت دوست داشت. می‌گوید: "من تو را با عشق ابدی دوست داشتم" Jer. 31:3
با «شبیبه» بدن ما به خدا، که در پیدایش 11:26 اعلام شده است،
می‌توانیم بفهمیم که با برداشتن تکه‌ای از سینه، قسمتی از بدنش را که آن را برداشته است
به قلب نزدیک بود قلب عضوی است که بیشترین ارتباط را با عشق دارد. این نشان می‌دهد
که قصد خدا این بود که در آینده - امروز - وقتی نگاه کنیم
این فداکاری اسرارآمیز، می‌توانیم مطمئن باشیم که برای عشق بوده است. نه به دلیل دیگری.
دلیل، که او آن را به انجام رساند. تولد مسیح در ابدیت گذشته یک است
نمایش عشق خدا از بدو تولد، پسر قبلاً هدفش را برآورده کرد
همانطور که نوشته شده است، عشق خدا «در است
مسیح عیسی» (روم. 8:39)

از این مکاشفه ما سخنان پولس را واضح تر می فهمیم
بنویسید که خدا «ما را نجات داده و ما را با دعوتی مقدس فرا خوانده است
هدف و فیضی که در مسیح عیسی به ما داده شده است.» (دوم تیم. 1:9) و همچنین
هنگامی که او می‌گوید که او در مسیح "زندگی ابدی" را "پیش از آغاز جهان" وعده داد.
(2 تیطوس 1:1، 2) به عبارت دیگر، در ابدیت، قبل از ایجاد جهان و زمان، خداوند،
او با فداکاری ناگفتنی مسیح را به ما داد، سنگ بنای امید ما،
و به واسطه او فیض بخشش گناهان ما و حیات جاودانی را برای ما فراهم کرد. O

پدر و مادر انسان برای آماده کردن رختخواب با تخت، لباس و اتاق خواب تلاش می کنند
برای نوزاد کوچک، آن را قبل از تولد بخرید. خداوند برای ما هم آماده کرده است
لایت رایگان برای ما، مدتها قبل از تولد. بنابراین، هیچ کس به خود اجازه ندهد،
یک لحظه فکر نکنید که شما در نظر خدا بسیار ارزشمند نیستید. شما
و من را دوست داشتند، گرمی داشتند و انتظار داشتند. همانطور که مزمورنویس گفت: «چشمانت دیده است
بدن من هنوز شکل نگرفته است و تمام این چیزها در کتاب تو نوشته شده است
روز به روز شکل می گرفت، در حالی که یکی از آنها نبود» (مزمور. 133: 16)
در برابر همه اینها، به مسیح نگاه می کنیم و در او محبت خدا را به خود می بینیم،
آیا خودمان را به او بسپاریم؟ ما از راه گناه و تخطی از شریعت روی گردان خواهیم شد
از خدا، از طغیان علیه میل او، برای خدمت به او، زیرا او ما را دوست دارد، زیرا
دولت شما مطمئناً برای ما بهترین خواهد بود؟ آیا ما زندگی خود را مطابق با اراده او که در احکام او بیان شده است ترتیب خواهیم داد
(خروج 17:3-20:3) فایده ما چیه
زندگی قدیمی، شورش؟ بگذار برای او بمیریم! بیایید کارهای خود را در نظر بگیریم
نافرمانی همان طور که واقعاً هست: نه لذت ها، بلکه کارهای نفرت انگیز و غیرقابل توجه
طغیان علیه کسی که آنقدر ما را دوست داشت که از ابتدا خود را فدای ما کرد
ابدیت! سرگرمی های کاملاً بی اهمیت و معنای واقعی در
در مقایسه با زندگی برای خدمت به خالق که ما را دوست دارد! برای موضوع پادشاهی
خدا و مسیح، «درباره مرگ او، فوراً برای گناه مرد. اما، همانطور که برای
زندگی کن، برای خدا زندگی کن» روم. 6:10
"خدا آنقدر جهان را دوست داشت که پسر یگانه خود را" یگانه پسر را داد
زاییده شده از او (بنابراین یگانه زاده)، با فداکاری عظیم برای خودش،
فقط زمانی که او را به مردم سپرد، اما مدتها قبل از اینکه مردم به خود بیایند
وجود، «تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاودانی داشته باشد».
(یوحنا. 3:16) و این تمام نیست. عشق خدا عمیق تر از آب های زمین است
اکیانوس غواصی های بسیار و بی شماری لازم است تا نگاهی اجمالی به آن داشته باشید
شگفتی های پنهان در تمام ابعادش. و مورد بعدی را در فصل الف انجام خواهیم داد
بعد، جایی که ما طبیعت، جلال و عظمت مسیح، پسر یگانه را مطالعه خواهیم کرد
از خدا، و ما کمی بیشتر از بزرگی قربانی انجام شده توسط خدا و او خواهیم دانست.
پسر برای نجات ما

فصل 3

مسیح یگانه زاده

طبیعت، جلال و عظمت مسیح.

در زمان تولد مسیح، در ابدیت دور، خدا به او گفت: «تو تو پسر من هستی، امروز تو را زاییده ام» عبر. 1:5 او "تصویر آشکار شخص خود" عبری بود. 1:3 اصطلاح «تصویر صریح» به این معناست که عیسی کاملاً آینه پدر بود. در بدن جسمانی، ظاهری و درونی، در اخلاق، منش و روح. خداوند پسرش را به عنوان فرشته خود به موسی عرضه کرد و گفت که او نام او را دریافت کرد. اصطلاح "فرشته" نیز به معنای "پیام آور" است - از این رو دلیل وجود آن است خدا به مسیح اعمال کرد. متن به شرح زیر است: "اینک، من فرشته ای را پیش از شما می فرستم تو را در این راه نگهدار... خودت را در مقابل او نگهدار و به صدای او گوش کن، نه او را. برانگیختن خشم؛ زیرا او طغیان شما را نخواهد بخشید. زیرا نام من در اوست» (خروج. 23:20 و در عهد جدید، پولس با الهام الهی، در مورد مسیح توضیح می دهد: «او از فرشتگان برتر شد، زیرا نام عالی تری را از خداوند به ارث برد.

که آنها" عبری. 1:4 در کتاب مقدس، نام نشان دهنده شخصیت است. نمونه آن یعقوب است که به معنای "فریبکار" است. او زمانی که پدرش اسحاق را فریب داد ویژگی شخصیتی خود را آشکار کرد برای به دست آوردن برکت حق اولاد، که قبلاً به عیسو، برادر بزرگترش اختصاص داده شده بود. او بود هنگامی که عیسو گفت: «آیا نام او عادلانه یعقوب نبود؟ بنابراین، در حال حاضر دو بارها مرا فریب داد» ژنرال 27:36 هنگامی که او بر این ویژگی بد شخصیتی غلبه کرد، جیکوب داشت نام خود را به اسرائیل تغییر داد که به معنای "برنده" است. با تغییر نام خود مسیح با گفتن این جمله توجیه کرد: «زیرا به عنوان یک شاهزاده با خدا و با مردم و شما پیروز شدید» ژنرال 32:28 بنابراین، برگردیم به اصل مطلب، زمانی که در عبرانیان 4: 1 آمده است اشاره کرد که مسیح نام خدا را دریافت کرد، رسول به ما می آموزد که او "شخصیت" او را به ارث برد.

راه دیگری برای درک این موضوع، قیاس با خود طبیعت است چیزهای آفریده شده چیزهای نامرئی و روحانی خدا را آشکار می کنند (رومیان. 1:20) والدین ویژگی های شخصیتی را به فرزندان خود می دهند. معمولاً مشاهده می شود که کودک آن را تکرار می کند کارهایی که پدر انجام داد و گفت: «مثل پدر، مثل پسر». ما انسانها چطور هستیم ناقص، این انتقال صفات شخصیت نیز ناقص است. اما در مورد خدا اینطور نیست. با تولد پسرش، انتقال شخصیت او به او کامل بود. بنابراین، شخصیت از

پسر با پدر برابر است همانطور که در فصل قبل دیدیم لازم بود که

بود، تا پسر بتواند ناجی مخلوقاتی شود که زیر دستشان افتادند

قدرت گناه

کتاب مقدس با بازگشت به ماهیت مسیح، در مورد بدن او، می آموزد که او بود

«به صورت خدا» که به وسیله آن می فهمیم که او دارای قامت و ظاهر و ویژگی هایی بوده است

برابر با پدر (فیلیسیان 2:5).

حال، اجازه دهید برای لحظه ای «روح» مسیح یگانه خدا را تحلیل کنیم. عبارت

«روح» در کتاب مقدس به معنای «زندگی» است. در لایوان 17:11 می گوید: «روح جسم است

در خون!»؛ اما پاورقی اصطلاح «زندگی» را به عنوان یک ترجمه جایگزین ارائه می کند. در

ترجمه به پرتغالی اصلاح شده و به روز شده نسخه Almeida این است

نوع: "زندگی گوشت در خون است". همین معنی در پیدایش 2:7 دیده می شود:

«و یهوه خدا انسان را از خاک زمین آفرید و نفس را در بینی او دمید.

از زندگی؛ و انسان روح زنده شد.» از این رو می فهمیم که «روح» مسیح زاده شده است

خداوند با زندگی او مطابقت دارد. بنابراین، از آنجایی که مسیح متولد شد «صریحاً

تصویری از شخص پدر (عبرانیان 3:1) دارای همان روح، یعنی همان زندگی است که

پدر مالک بود. همانطور که درک این مفهوم مستلزم درک صحیح از

ده ها متن کتاب مقدس، که در غیر این صورت گیج کننده به نظر می رسد، ضروری است

بهتر آن را اثبات کنید که در ادامه در پاراگراف های بعدی انجام خواهد شد.

ما از متن افسسیان 4 می توانیم معنای "زندگی خدا" را بفهمیم:

«و این را می گویم و در خداوند شهادت می دهم که دیگر مانند مردان راه نروید.

سایر غیریهودیان در بیهودگی ذهن خود. تاریخ در فهم، جدا از

زندگی خدا به خاطر جهل و نادانی که در آنهاست، به خاطر سختی دلپاشان. که،

با از دست دادن احساس خود، حریصانه خود را به انحلال سپردند

تمام نجاست را مرتکب شوند.» اف. 19-17:4 طبق متن، غیریهودیان از هم جدا می شوند

از "حیات خدا" زیرا آنها "در باطل ذهن خود" راه می روند و خود را "به انحلال می سپردند"

و ناپاکی.» به عبارت دیگر: از زندگی خدا جدا می شوند، زیرا خود را می بخشند

ارتکاب گناه، انجام بد، راه رفتن در شرارت. از این رو می توان فهمید که "زندگی" از

خدا برعکس این چیزهاست. اگر غیریهودیان به زندگی خدا متصل بودند،

آنها با قدوسیت راه می رفتند تا نیکی کنند و عاشقانه راه بروند. زندگی خداست

مربوط به تقدس، پاکی و عدالت است. عدالت در قانون ده بیان شده است

دستورات خداوند؛ زیرا "همه احکام او عدالت است" مزمور 119:172.

فرمان «حیات جاودانی» است (یوحنا 12:50) و «تحقق شریعت محبت است» روم.

13:10 پس عشق حیات خداست که در عمل عادلانه آشکار می شود یا

طبق قانون؛ و این همان راه رفتن در قداست و زیستن در آن است

پاکی، زیرا «شریعت مقدس است» روم. 7:12.

از آنچه تاکنون دیده‌ایم می‌توان نتیجه گرفت که هنگام مطالعه عشق خدا از طریق مسیح آشکار شد، حتی از بدو تولد او، ما در آن قرار می‌گیریم تماس با زندگی خدا، زیرا عشق زندگی خداست و «عشق خدا... در مسیح عیسی است» روم. 8:39 در نتیجه، روح (ذهن) ما است تحت تاثیر قرار؛ و اگر تسلیم این وحی شویم، از حیات خدا پر می‌شویم. از عشق تو آرزوی پولس رسول این بود که مسیحیان این تجربه را داشته باشند: «به همین دلیل در برابر پدر خداوند ما عیسی مسیح... به ترتیب زانو می‌زنم که، ریشه داشتن و پایه گذاری در عشق، شما کاملاً می‌توانید درک کنید، با همه مقدسین، هر چه عرض و طول و ارتفاع و عمق و محبت مسیح را که از هر فهمی فراتر است بشناسید تا از آن سیر شوید تمام پری خدا» افس. 3:14-19.

با بازگشت به اصل موضوع، شایان ذکر است که ما در کتاب مقدس چندین اصطلاح را می‌یابیم مرتبط با زندگی خدا این نشان می‌دهد که زبان انسانی ما است فقیرتر از آن است که بتوان زندگی خدا را تنها در یک کلمه تعریف کرد. اما از طریق اصطلاحات مختلف ارائه شده در کتاب مقدس، ما می‌توانیم بیشتر از آن بیاموزیم خدا درباره خودش به ما آشکار می‌کند. باید گفت که این تحلیل با موضوع مرتبط است طبیعت مسیح یگانه خدا. این به این دلیل است که، همانطور که او "بیان" ایجاد شد تصویری از پدر (عبرانیان، 1:3 درک بهتر اینکه پدر چگونه بود به ما امکان می‌دهد بفهمیم که او در بدو تولد چگونه بود. اکنون، به ویژه، ما در حال تجزیه و تحلیل "زندگی" خدا هستیم. آ کتاب مقدس می‌گوید: «همانطور که پدر در خود حیات دارد، پسر را نیز داد تا حیات داشته باشد. در خودش» یوحنا 5:26 این عبارت در محافل مسیحی بسیار اشتباه درک شده است، دقیقاً به دلیل عدم آگاهی عمیق تر از چیستی «زندگی» خدا. بنابراین، اجازه دهید برخی از اصطلاحات مرتبط با آن را تجزیه و تحلیل کنیم. عیسی گفت: «پدری که مرا فرستاد، به من فرمان داده است که چه کنم. بگو... و من می‌دانم که فرمان او حیات جاودانی است.» یوحنا 12:50 ده فرمان آنها بیان شخصیت خدا و در نتیجه اراده او هستند. ما "زندگی" را در آن پیدا می‌کنیم اطاعت از آنها اما احکام ذات خدا نیست، بلکه بیان است او پولس می‌گوید: «فرمان برای زندگی بود» روم. 7:10 اما او "زندگی" نیست. آ «زندگی» ذات خداست. یا او چیست. در قسمت های دیگر کتاب مقدس می‌یابیم اصطلاحات مختلفی که در زبان انسان به کار می‌رود تا ما را متفاوت بفهمد جنبه هایی از معنای «زندگی» خدا. "خدا عشق است" اول یوحنا 4:8 "خدا نور است" من جان 1:5 "خدا روح است" یوحنا 4:24 و درباره خود می‌گوید: «من یهوه خدای شما هستم مقدس» لاویان 19:2. نور و تقدس با زندگی خدا مطابقت دارد که همین است این را متون دیگری نیز تأیید می‌کند که در زیر ارائه شده است.

-خدا عشق است: یحیی بیان کرد که ما «از مرگ به زندگی گذر کردیم، زیرا

ما برادران را دوست داریم.» اول یوحنا. 3:14

-خدا نور است: عیسی گفت: «من نور جهان هستم. هر که از من پیروی کند راه نمی رود

در تاریکی، اما نور زندگی را خواهد داشت» (یوحنا، 8:12) و روشن می کند که ادامه در

هماهنگی با مثال او با راه رفتن در نور مطابقت دارد. در مقابل،

امتناع از پیروی از او مساوی است با راه رفتن در تاریکی. و عیسی نگه داشت

احکام (یوحنا. 15:10) پس راه رفتن در نور به معنای راه رفتن در طاعت است

به احکام، که از آن نتیجه می شود که احکام «نور» هستند. بود

مزمور سرا چنین بیان کرده است: «تو چراغی است برای پای من.

کلمه» ص. 119:105 و سلیمان حکیم گفت: «شریعت سبک است» مث. 6:23. روشنایی

با تصحیح، قداست و عدالت احکام مطابقت دارد. و تاریکی

آنها به منزله ظلم، بی تقوایی و بی عدالتی نافرمانی از آنها هستند. مانند

به عنوان مثال، من نقل می کنم که ما فرمان ششم - "نباید بکشی" - را به عنوان می شناسیم

حق و عادل، در حالی که تخطی از همان، قتل، دیده می شود

به عنوان یک اشتباه، یک بی تقوا و یک بی عدالتی.

-خدا روح است: پولس می گوید که "شریعت روحانی است" روم. 7:14. قانون یک است

بیان اراده او خداوند قانون دهنده است. بنابراین، قانون هماهنگ است

با افکارش در نتیجه ذهن او همیشه با آن هماهنگ است. از این نظر است که خدا روح است - افکار او هستند

همیشه مطابق با قانونی که او وضع کرده است. و به همین معناست که

مرد تبدیل شده به مسیح "روح" است. عیسی حالات انسان را مقایسه کرد،

قبل و بعد از تبدیل او، به عبارت: «آنچه از جسم زاده می شود، همان است

گوشت؛ و آنچه از روح متولد می شود روح است.» یوحنا. 3:6 هنوز در نقطه، شما می توانید

همچنین بگویید خداوند موجودی روحانی است، یعنی در آن می اندیشد و عمل می کند

هماهنگی با اصول و شریعت او.

تا اینجا دیدیم که هر دو عبارت «خدا نور است» و «خدا روح است» چنین است

مربوط به این واقعیت است که او با شریعت خود هماهنگی کامل دارد. و این باید باشد

چنین باشد، زیرا بیان اراده اوست. ما هنوز باید این را درک کنیم

معنی عبارت "خدا مقدس است".

وقتی قانون ارزیابی می شود، ثابت می کند که «مقدس است. و فرمان مقدس، عادلانه و نیکو است.»

رام 7:12. کلمه «مقدس» به نتیجه ای اشاره دارد که پس از تأیید عدم وجود نقص به دست می آید و در رومیان 7 به این معنا به کار رفته

است: «پس چه بگوییم؟ و

قانون گناه؟ نه اصلاً!... اما گناه، فرصت گرفتن... در من همه بیدار شد

شهوته... پس قانون مقدس است. و فرمان مقدس، عادل و نیکو» روم. 7:12-7

بنابراین، این بیان که خداوند، بخشنده شریعت، «مقدس» است، بیانگر کمال است

خداوند. بنابراین می بینیم که اگرچه کتاب مقدس اعلام می کند که خدا عشق، نور و روح است، هنگامی که او در مورد خود صحبت می کند، می گوید: "من مقدس هستم" لایوان 2:19 خود فرشتگان پوشاننده، که تاج و تخت او را احاطه کرده اند. هیچ اصطلاح دیگری که بهتر از این باشد پیدا نکردند جوهری را که در خالق خود دیدند بیان کنند. بنابراین «حتی در روز هم استراحت نمی کنند و نه در شب، گفتن: مقدس، مقدس، مقدس است خداوند خدای قادر مطلق». Apoc. 4:8 تکرار به معنی فوق الذکر است، یعنی به این معنی است که او را چنان می بینند مقدس ترین، کامل در عشق، شخصیت، اهداف، کارها و مسیرها. و عبارت «نه نه روز و نه شب استراحت کن» یعنی از اعلام آن خسته نمی شوند قدوسیت را در خدا می بینند. بنابراین، تعبیر به معنای کمال است. در این مرحله ارزش آن را دارد که یک پراتنز کوچک ایجاد کنیم تا نکته ای را اضافه کنیم به درک موضوع کمک خواهد کرد. خدا این را منحصرأً برای خودش نگه نمی دارد. کمال باشکوه یا تقدس بلکه آن را به ما ابلاغ می کند؛ بخش هایی از آن را به ما می دهد روح القدس او را به همان نسبتی که ما می خواهیم دریافت کنیم، عطا کن. عیسی این را بیان کرد روح "از پدر می آید" (یوحنا 15:26) یعنی از درون او می آید. با محکوم کردن او خداوند قداست خود را به ما می دهد. عیسی گفت: "روح زنده کننده است" (یوحنا 6:63) یا چیزی که حیات می بخشد. پل آن را "روح زندگی" می نامد (رومیان 8:2) از این رو فهمیده می شود که توسط روح مقدس، زندگی خدا به ما ابلاغ شده است. تقدس زندگی است و روح «رسانه» یا «کانالی» است که از طریق آن منتقل می شود. تقدس شامل عشق می شود، زیرا «محبت خدا توسط روح القدوسی که به ما عطا شده است در قلب ما ریخته می شود». روم. 5:5 تقدس یعنی کمال؛ و "عشق پیوند کمال است" کول. 3:14 سازمان بهداشت جهانی محبت خدا را در دل دارد، قداست دارد و در حوزه خود نیز کامل است تأثیر در چشمان او عیسی عشق را به کمال در این کلمات مرتبط کرد: «دوست داشته باشید دشمنانتان را برکت دهید به کسانی که شما را نفرین می کنند، به کسانی که از شما نفرت دارند نیکی کنید و دعا کنید برای کسانی که با شما بدرفتاری می کنند و شما را آزار می دهند. تا فرزندان پدر خود باشید در آسمان ها؛ زیرا او خورشید خود را بر بدی ها و نیکان طلوع می کند و باران را نازل می کند منصفانه و ناعادلانه زیرا اگر کسانی را که شما را دوست دارند دوست بدارید، چه پاداشی خواهید داشت؟ ما نمی سازیم باج داران نیز همین طور؟ و اگر فقط به برادرانت سلام کنی چه می کنی؟ خیلی زیاد؟ آیا ماموران مالیات هم این کار را نمی کنند؟ پس همانطور که هست کامل باشید پدر شما در آسمان کامل است.» متی. 5:44-48 در اینجا لازم است تفاوت بین قدوسیت یا کمال خداوند و آنچه که وجود دارد روشن شود موجودات می توانند داشته باشند. در سیاق مخلوقات کمال عبارت است از فقدان نیرنگ یا قصد انجام بدی کتاب مقدس درباره لوسیفر می گوید: «شما در راه های خود کامل بودید روزی که آفریده شدی، تا زمانی که گناهی در تو پیدا شد» حز. 28:15 "بی عدالتی" به معنای نیرنگ یا نپت است: «خوشا به حال مردی که خداوند به او نسبت نمی دهد

گاهی که در روح او نیرنگ نیست» مزمو 2:32

به روز شد). اما در کمال مخلوق، عیب ناشی از جهل منتفی است. خداوند

«او به فرشتگان خود دیوانگی نسبت می دهد» ایوب 18: 4 یعنی در آنها نقص می بیند. صحبت از

مزمو نویسی می گوید: «من دیدم که هر کمالی حدی دارد. اما مال تو

فرمان نامحدود است» مزمو 96:119 به عبارت دیگر، کمال مطلق فقط در خداست.

مخلوقات فقط در حد علمشان به کمال می توانند راه بروند.

اگر نقشه بدی نکنند، یعنی در حد دانش محدود خود، می فهمند،

تصمیم بگیرد و آنچه را که درست است انجام دهد یا به عبارت دیگر عاشقانه برای خدا قدم بردارد

و دیگران را در حیطه خود در نظر او کامل دانسته است، معنا این است

از متن متی: "کامل باشید همانطور که پدر شما که در آسمان است کامل است"

متی 48:5 بنا بر این، خدا "زمان جاهلیت" را در نظر نمی گیرد (اعمال رسولان. 17:30)

بلکه مخلوقات را بر اساس نور معرفت کمال و قداست ارزیابی می کند.

عشق الهی، که وجدان آنها را روشن کرد: «برای زمانی که غیریهودیان، که ندارند

قانون، آنها طبیعتاً کارهایی را انجام می دهند که حلال است، اما بدون داشتن قانون، برای خودشان هستند

قانون؛ که کار شریعت را که در دلهای خود نوشته شده نشان می دهند و با هم شهادت می دهند

وجدان و افکار او، خواه متهم کننده یا دفاع از آنها. در روز

که در آن خدا اسرار مردم را به وسیله عیسی مسیح، مطابق من، داوری خواهد کرد

انجیل. "رام 16-14:2 بنا بر این، در حالی که کمال یا قدوسیت خداوند، فقدان کامل و مطلق هرگونه عیب است، حتی از روی جهل، کمال

مخلوق.

با درجه معرفت شما نسبت به قدوسیت یا عشق خدا متناسب است.

بازگشت به اصل مطلب و خلاصه آنچه تاکنون در مورد ذات خداوند دیده ایم،

ما می دانیم که او مقدس است. قدوسیت کمال یا زندگی اوست. محبت به او را در بر می گیرد

و دیگران که به نوبه خود خلاصه و تحقق قانون ده هستند

دستورات قانون ماهیت معنوی دارد، اراده تفصیلی خداوند است یا

به زبان قابل فهم برای موجودات توضیح داده می شود و آنها را قادر می سازد تا حق را از یکدیگر متمایز کنند

از اشتباه از این نظر قانون نیز نوری برای مردان است که به آنها نشان می دهد

مسیر رفتاری که به زندگی ابدی منتهی می شود.

با درک این موضوع، می توانیم به مطالعه ماهیت مسیح بازگردیم. مسیح

"تصویر صریح" خدا ایجاد شد. بنا بر این، او صاحب حیات، یعنی قداست بود

یا کمال مطلق خداوند. این معنای کلمات عیسی است: "زیرا همانطور که

پدر در خود حیات دارد، پس پسر را نیز داد تا در خود حیات داشته باشد.» جان

5:26 در مسیح زندگی اصلی (قدوسیت) وجود دارد، نه قرض گرفته شده، نه مشتق شده. در کتاب مقدس،

تمام اصطلاحات شامل کلمه "قدوسیت" که در اشاره به خدا استفاده می شود،

در مورد پسر نیز اعمال می شود. کتاب مقدس می گوید که "خدا عشق است" اول یوحنا 8: 4 و همچنین آن

"محبت خدا در مسیح است" (روم. 8:39 یوحنا رسول آشکار کرد که "خدا نور است" (I

یوحنا 1:5) و خود در مورد مسیح گفت: «در او حیات بود و حیات نور بود از مردان» یوحنا 4: 1 یعنی قداست خدا یا عشق و انطباق با او شریعت، در مسیح بودند. این مردان روشن فکر کردند که چه چیزی مقدس، عادلانه و خوب است. کتاب مقدس همچنین می گوید: "خدا روح است" (یوحنا 4:24) و با صحبت از مسیح می گوید: «خداوند این روح است» (دوم قرنتی 3: 17) به عبارت دیگر، همان گونه که خداوند موجودی هماهنگ با شریعت است که روحانی است (روم 7:14) مسیح نیز همینطور است. و این در بهشت شناخته شده است. مانند در رابطه با پدر، فرشتگان سرافیم که مسیح را احاطه کرده بودند (و انجام دادند). جلال او را پوشانده بودند «به یکدیگر فریاد زدند و گفتند: مقدس، قدوس، قدوس است خداوند صباوت» عیسی. 3: 6 تقدس - یا کمال - پسر را به عنوان برابر خدا به همین دلیل، حضور مسیح برابر است با حضور پدر، واقعیتی که وجود دارد در چندین قسمت از کتاب مقدس آشکار شده است. یکی از آنها که به خوبی شناخته شده است، در خروج 3 یافت می شود:

«و موسی از گله پتر... و به کوه خدا آمد... و

فرشته خداوند در شعله آتش در میان بوته ای بر او ظاهر شد...

وقتی خداوند دید که او به آنجا برمی گردد تا به آنجا نگاه کند، خدا از میان بوته او را صدا زد و گفت:

حضرت موسی! ... تا اینجا نرو: کفش هایت را از پا درآور. چون محل em

جایی که تو هستی زمین مقدس است او در ادامه گفت: من خدای پدر تو، خدای ابراهیم هستم.» (خروج 3: 1-6) استیفان در کتاب اعمال

رسولان به صراحت می گوید که موسی با مسیح فرشته خداوند گفت: «فرشته خداوند در بیابان کوه سینا بر او ظاهر شد... سپس موسی...

از این منظره شگفت زده شد. و چون نزدیک شد تا ببیند، صدای خداوند به او رسید،

گفت: من خدای پدران شما هستم.» اعمال رسولان 7:30-32 مسیح شخصا حضور داشت

قبل از موسی؛ اما در آن لحظه نماینده خدا، پدرش بود.

اما سخنان پدر بود، او سخنگو، «کلمه» بود (یوحنا 1:14) از همین رو

سخنان پدر را منتقل کرد: "من خدای پدران شما هستم." و اضافه کرد: خودت را برداری

کفش روی پاهای شما؛ زیرا مکانی که شما در آن هستید، زمین مقدس است»، به وضوح بیان کرد

درک کند که حضور او همان قدوسیت پدرش را نشان می دهد.

در این نقطه شایان ذکر است که اگرچه کتاب مقدس نشان می دهد که زندگی پدر چنین بوده است

در پسر، به طور مثبت روشن می کند که این زندگی روحانی است، نه زندگی فیزیکی. بنابراین همانطور که برای

زندگی فیزیکی، کتاب مقدس تعلیم می دهد که تفاوت آشکاری بین پدر و پسر وجود دارد. که در

خدا می گوید: "به پادشاه اعصار جاودانه... به خدای یگانه" اول تیم. 1:17 و اضافه می کند، در I

تیم 6:16 "کسی که تنها جاودانگی دارد." و مسیح در مورد خود می گوید: "من هستم..."

که من زنده هستم و کشته شدم، اما اینک، من تا ابد زنده هستم.» آپوک. 18، 1:17

بنابراین، می بینیم که وقتی کتاب مقدس می گوید: «همانطور که پدر در خود حیات دارد، او نیز داد

همچنین به پسر که در خود حیات داشته باشد» (یوحنا 5:26) اصطلاح «حیات» زندگی فیزیکی را مستثنی می کند.

فقط خدا مطلقاً جاودانه یا به معنای دقیق کلمه جاودانه بود. پسر

نه

پدر برای همیشه جاودانه بود. به تعبیر کتاب مقدس، «آنچه بود، چیست و چیست

خواهد آمد." آپوک. 1:8 با این حال، پسر تا زمانی که در هماهنگی بود، جاودانه بود

با اراده و قانون خدا برای بسیاری، این یک نکته عمیق و دشوار است

فهمیدن. اما نور کتاب مقدس روشن شده است. ما قبلاً دیدیم که مسیح قدوسیت را به ارث برد

پدر، بنابراین، اراده تو با او مطابقت داشت. و قانون، که بیان بود

اراده پدر نیز او بود. راه اطاعت از شریعت، راه «حیات ابدی» است.

(یوحنا. 12:50) بنابراین، وضعیت مسیح، از زمانی که او متولد شد، این بود

اراده خود او به طور کامل شریعت را برآورده کرد، همانطور که بیان شریعت او بود

اراده، و از این نظر او نیز قانونگذار بود. بنابراین برای او طبیعی بود

در مسیر زندگی جاودانه قدم بردارید همانطور که در طول قرن ها به انجام اراده او ادامه می دهید،

هرگز خطر از دست دادن جان خود را نخواهد داشت. قدوسیت کامل او را تضمین می کرد

جاودانگی کامل با این حال، او ذاتاً جسمانی جاودانه نبود. این چیزی است که به او اجازه داده است

فدای انسان شوید. با خلع قدوسیت او و شناسایی خود با

گناهان نسل بشر، که خود را «برای ما گناه می‌کند» (دوم قرنتیان. 5:21) خواهد مرد و این بود

که او انجام داد. او به این انتخاب خود اشاره کرد و گفت: «جانم را فدا می کنم

دوباره بگیر هیچ کس آن را از من نمی گیرد، اما من آن را از خودم می دهم. من قدرت دارم

برای دادن آن، و قدرت گرفتن دوباره آن. این فرمان را از پدرم دریافت کردم.» جان

18، 10:17 متن به این صورت فهمیده می‌شود: «من قدوسیت خود را تسلیم می‌کنم (اکنون، تا بتوانم

برای انسان بمیرم) تا دوباره آن را بگیرم (وقتی دوباره برخاستم، بدون گناه). هیچ کس

او آن را از من می گیرد (فقط اگر گناه کنم آن را از دست می دهم)، اما من آن را از خودم می دهم

(من قدوسیت خود را تسلیم می‌کنم و قبول گناهان انسان‌ها را می‌پذیرم که گناهکار شدم

برای آنها، و از پدر جدا شد). من این قدرت را دارم که به آن (قدوسیتم را برسانم) و قدرت

دوباره آن را بگیرم (با این قداست زنده شو، زیرا من هرگز گناه نکرده‌ام). این یکی

فرمانی که از پدرم دریافت کردم (اراده خدا این بود که این کار را انجام دهم تا بتوانم

مرد را نجات بدهم)».

با بازگشت به روز تولد مسیح، می بینیم که پدر به او قدوسیت بخشید.

خود، یعنی زندگی در خودش. مسیح "درخشندگی جلال خود" عبری ساخته شد. 1:3

که از آن فهمیده می شود که جلال مظهر تقدس است. درخشش شکوه

خدا در مسیح می درخشد. یوحنا چهره خود را «مثل خورشید، در قدرت خود دید

می درخشد" Apoc. 1:16 پولس به «جلال مسیح» اشاره می کند و می گوید که او «شکل مسیح است

خدا» (دوم قرنتیان. 4:4) و او این مفهوم را بعداً تکرار می کند و از «معرفت جلال» صحبت می کند

خدا، در چهره عیسی مسیح. دوم قرنتیان. 4:6 بنابراین، هنگامی که او متولد شد، مسیح ساخته شد

یکی با خدا در بدن، شخصیت، تقدس و جلال.

مسیح اولین موجودی بود که در «قدوسیت» ایجاد شد. زیرا تا آن زمان فقط خداست وجود داشته است. اما کتاب مقدس نشان می‌دهد که او به گونه‌ای بود که بعداً دیگران نیز چنین خواهند بود.

همچنین. وقتی تازه خلق شده و از دست خدا، فرشتگان و جفت مقدس رها شده اند (آدم و حوا) دارای قداستی بودند که خالقشان داده بود. حفظ آن بر عهده آنها بود.

با این حال، آنها آن را از طریق گناه از دست دادند و شروع به نیاز کردند در تقدس ایجاد شده است. در مورد مردان، این از طریق تولد جدید رخ می‌دهد، زمانی که روح القدس را دریافت کنید عیسی گفت که ما باید «دوباره متولد شویم... از... متولد شویم روح» (یوحنا. 3، 5): 3: پیترو با اشاره به این تولد گفت: «دوباره بودن

از کلام خدا نه از دانه فاسد، بلکه از فاسد ناپذیر زاییده شده است» (اول پطرس. 1:23) و پولس اظهار داشت که «انسان جدید... به گفته خدا، در حقیقت آفریده شده است

عدالت و قدوسیت» افس. 4:24 یعنی بعد از مسیح مردانی که زمانی گناهکار بودند آنها "در قدوسیت زاده می‌شوند." مسیح اولین نفر از بسیاری دیگر بود که خلق شد.

به همین دلیل است که پولس از او به عنوان "نخست زاده همه خلقت" کول. 1:15 یاد می‌کند. Primogenito به معنای "اولین زاده" است.

با بازگشت به روزی که مسیح متولد شد، می‌دانیم که پس از تولد او،

شورای مرموز صلح برگزار شد. برای خدا مناسب بود که برنامه را به پسرش بگوید

کائنات و بهشت را بیافرین و با موجودات مقدس و سعادت‌مند پر کن. که برخی در آن می‌افتند

گناه کند و برای نجات آنها، لازم است که او جان خود را برای آنها قربانی کند. با اثبات این موضوع، کتاب مقدس نشان می‌دهد که «خون مسیح...

حتی شناخته شده بود

قبل از تأسیس جهان» I Pet. 1:20 مسیح از آن لحظه ما را دوست داشت،

با اجرای طرح رستگاری موافقت کرد و بدین ترتیب نشان داد که با او برابر است

خداوند در عشق و رحمت - آمین! کتاب مقدس "امید زندگی ابدی" را گزارش می‌کند،

«بر اساس هدف و فیض او که در مسیح عیسی قبل از زمان به ما عطا شد

قرنها» (تیطوس 2؛ 2: 1 تیم. 9) این حرف‌ها ما را به این شورا برمی‌گرداند. بیان

«زمان اعصار» به زمان سپری شده پس از خلقت اشاره دارد که به حساب می‌آید

قرن‌ها ما زمان و حتی سالها را با حرکت زمین و ستارگان زمین می‌شماریم.

آسمان. بنابراین، ملاقاتی که «پیش از» زمان اعصار صورت گرفت، حتی قبل از آن نیز صورت گرفت

از ایجاد جهان قبل از «زمان اعصار» خدا و مسیح، در بی‌نهایت

خدایا، آنها نقشه رستگاری ما را ترسیم کردند و فیض به ما عطا شد. جلال بر پدر

و به پسر!

از همین آیات می‌توان دریافت که طرح در این جلسه پر اهمیت به آن پرداخته شده است

بین خدا و پسرش "مسیح" به عنوان پایه آن بود. برای او لازم بود

رضایت داد که جان خود را بدهد تا بتواند با خیال راحت جهان و جهان را خلق کند

دستورات موجودات، از جمله فرشتگان و انسانها. تنها در این صورت است که امنیت در ایجاد وجود خواهد داشت

اگر به دردرس بیفتند، به عنوان اقدامی برای نجات آنها ترسیم می‌شود.

گناه اگر مسیح رضایت نمی داد که ناجی ما شود، هیچ چیز خلق نمی شد. سپس خداوند در عشق خود، با علم به این که امکانی وجود دارد، موجوداتی را خلق نمی کند - حتی اگر دورافتاده - در حال فرو رفتن در ویرانی ابدی، بدون اینکه او بتواند آنها را از آن نجات دهد، اگر دلخواه. به همین دلیل است که یوحنا می گوید که "بدون او هیچ چیز ساخته نشد" یوحنا 3: 1 و پولس توضیح می دهد که «در او»، «نخست زاده ها»، اولین هایی که در تقدس زاده شدند، «در او بودند. همه چیزهایی که در آسمان و زمین است، اعم از مرئی و نادیدنی، آفریده شده است، خواه تخت باشد. اعم از سلطه ها، اعم از حکومت ها، یا قدرت ها. همه چیز توسط او و برای او آفریده شده است او و پیش از همه چیز است و همه چیز به واسطه او به هم متصل می شود.» کل 17: 1-15: 1 مسیح در تمایزش برای فدا کردن خود برای انسان، ضامن ثبات خواهد بود. حکومت جاویدان عالم و سعادت موجوداتی که خلق خواهند شد. مجرا که از طریق آن محبت خدا بر همه مخلوقات آشکار می شود. از این طریق وحی، آنها آگاهانه، داوطلبانه و شادمانه به وفاداری سوق داده می شوند. نسبت به خالقش؛ و سرانجام شورشی که به وجود آمد سرنگون می شد یک بار دیگر خدا را «همه در همه» بسازیم اول قرنتیان 15: 28 یعنی اگر در قلب همه جای گرفته است بنابراین، داشتن پیش آگاهی از ظهور آینده گناه و آن عواقب آن، خدا و پسرش می دانستند که شروع کار خلق جهان خواهد بود معادل این خواهد بود که مسیح وعده خود را برای مردن برای ما امضا کرد، یا حکم او را مرگ. به همین دلیل است که نوشته شده است که "بره از آغاز جهان کشته شد" Apoc. 13: 8 به نوبه خود، خدا می دانست که باید جان پسرش را رها کند و به او بدهد برای نسل بشر؛ من باید بینم که او از انواع سوءرفتارها و بدرفتاری ها رنج می برد تصور شده توسط ذهن بیمار موجودات سرکش. چه عشق شگفت انگیزی! با مطالعه موقعیت، عظمت و کار مسیح، حتی بیشتر درباره او خواهیم دانست. در باب خلقت و حکومت جهانی، در فصل بعد.

فصل 4

مقام و کار مسیح یگانه

...در خلقت و حکومت خداوند.

"در آغاز خدا آسمانها و زمین را آفرید" ژنرال. 1:1 و مسیح «در آغاز بود

با خدا. همه چیز به وسیله او ساخته شد.» یوحنا 1:3

خلقت جهان و موجودات نه تنها مشارکت فعال مسیح را داشته است.

همه چیز و همه چیز را خدا به عنوان هدیه به او داده است. پولس نوشت: «همه چیز بود

آفریده شد... برای او» کول. 1:17

مسیح می گوید: «وقتی او (پدر) آسمان ها را آماده کرد، من آنجا بودم. چه زمانی

صورت پرتگاه به اطراف کشیده شد. هنگامی که او سرچشمه های پرتگاه را مستحکم کرد؛ چه زمانی

او مرزهای خود را به دریا داد تا آنها از فرمان او عبور نکنند. چه زمانی

پایه های زمین را تشکیل داد، پس من با او بودم و شاگرد او بودم و بودم

هر روز شادی های او، همیشه در حضور او شادی می کند. 8:27-30 متن

رابطه عشق پدرانه و فرزندى را توصیف می کند. خدا از خلقت برای پسر خوشحال شد.

مسیح «لذت‌های او» بود و از آنچه از قدرت پدر می‌دید آموخت و شادمان شد

از طریق کلام او (پسر) "در حضور او همیشه حضور داشته باشید".

متن امثال 8 ما را به این درک می رساند که مسیح دانای کل دنیا نیامده است.

دانستن همه چیز مثل خدا او یک "دانشجو" بود. بنابراین او آموخت (مثل 8:30) اما در

همانطور که پدر اهداف خود را به او آشکار کرد، مسیح نشان داد که او چنین است

مطابق با اراده او (به یاد داشته باشیم که در این مرحله، او قبلاً تصمیم گرفته بود که شود

جانشین و نجات دهنده ما).

سرانجام، ما می دانیم که خدا پسر خود را به عنوان قادر مطلق نیافریده است. در سراسر کتاب مقدس، تنها

موجودی که به عنوان چنین معرفی شده است، خدا، پدر است (پیدایش 17:1؛ خروج 3:6؛ حز. 10:5

آپوک. 21:22؛ 15؛ 19:6؛ 16:7؛ 15:3؛ 11:17؛ 1:8؛ 4:8؛ عیسی به فریسیان گفت که او خواهد بود

نشسته «در دست راست خدای قادر مطلق» (متی 26:64؛ مرقس 14:62؛ لوقا 22:69) ولی

او قادر مطلق نبود .

اگر چه خداوند در زمان خود قدرت ذاتی به او نداده است

تولد، به دلیل قدوسیت و شخصیت کامل خود، خداوند می تواند با خیال راحت

از همه تصمیمات پسر حمایت کنید. به همین دلیل به او اختیار نامحدود داد. به

تصمیمات پسر همیشه با مظاهر قدرت پدر پشتیبانی می شد.

نمونه ای از آن در کلام خداوند به موسی در مورد رسالت او آمده است

پسر، به عنوان یک فرشته خداوند، چنین خواهد کرد و بنی اسرائیل را به سرزمین کنعان می برد:

زیرا فرشته من پیشاپیش شما خواهد رفت و شما را نزد اموریان و هیتیان و فرزندان و کنعانیان و حویان و یبوسیان خواهد برد. و آنها را هلاک

خواهم کرد» (خروج 23:23)

مسیح قوم خود را در فتح سرزمین موعود رهبری خواهد کرد. به آنها فرمان می داد و

در جنگ راهنمایی خواهد کرد خدا گفت: فرشته من خواهد رفت. اما قدرتی که دشمنان را نابود می کند،

اجرای دستورات مسیح، از آن خدا بود. پدر گفت: "من آنها را نابود خواهم کرد."

نمونه دیگری از اختیارات نامحدودی که به مسیح داده شده در آیات 20 و 21 است. خدا به موسی گفت: "اینک، من فرشته ای را پیش از تو می فرستم... از او بر حذر باش و به صدای او گوش کن و او را به خشم نکش. زیرا او طغیان شما را نخواهد بخشید. 23:20

21. خدا روشن می‌سازد که مسیح آزادی کامل خواهد داشت تا هر طور که می‌خواهد عمل کند و تصمیم بگیرد از پسر نهایی خواهد بود. در همین راستا، عیسی در عهد جدید می‌گوید: «و پدر نیز هیچ‌کس قضاوت نمی‌کند، بلکه تمام داوری را به پسر داده است تا همه پسر را مانند احترام بگذارند هر که پسر را گرمی نمی‌دارد، پدری را که او را فرستاده احترام نمی‌کند.» یوحنا 23، 22:5 توسط این سخنان نشان می‌دهد که خدا به پسر قدرتی برابر با اختیارات خود، «به باشد که همه به پسر احترام بگذارند همانطور که پدر را گرمی می‌دارند.»

عظمت مسیح قبل از آفریده شدن موجودات به خاطر قدوسیت او و برای او برجسته بود عشق، جلال، شخصیت و اقتدار برابر با خدا. به این واقعیت اضافه شده است که مسیح فعالانه در خلقت هر موجودی شرکت داشت. بنابراین اولین تصویر آنچه را که هر فرشته هنگام خلقت مشاهده کرد، درود و سلام خدا در اوّل او بود روز زندگی مسیح حتی لوسیفر را آفرید، کروی که بعدها شورش کرد: «شما تو کروی مسخ شده ای بودی که از آن محافظت کنی، و من تو را تثبیت کردم. تو در کوه مقدس خدا بودی.» ایزی 28:14 توجه داشته باشید که او خدا، پدرش را در سوم شخص قرار می‌دهد که نشان می‌دهد که او، مسیح، بود که لوسیفر را تشکیل داد و گفت: "من تو را تاسیس کردم". همین اتفاق در خلقت آدم و حوا «خدا گفت: انسان را به صورت خود بسازیم» ژنرال. 1:26. مسیح در تصویر اولین نگاه پدر نژاد ما بود.

بیایید به یاد داشته باشیم که همه ما "برای او" کول. 1:16 ساخته شده ایم. یعنی همه ما ما به عنوان ملک او به وجود آمدیم. همه از او به دنیا آمدند و وابسته بودند اوست که او را در قدوسیت، شکوه، عظمت و اقتدار بی‌پایان زندگی کند و او را ببیند. بنابراین، با عزم پدرش و به حق، در برابر مخلوقات، در آن شریک شد تاج و تخت جهانی یوحنا رسول تختی را دید که «تخت خدا و بره» بود. آپوک 22:1 همانطور که پولس می‌گوید، طبق ترجمه وفادارترین به اصل: «اما از پسر (پدر) می‌گوید: تخت تو از آن خداست تا ابدالابد. 1:8 و همراه با پدر مسیح ستایش، ستایش و ستایش همه مخلوقات را دریافت کرد. جان شنید «هر موجودی که در آسمان و زمین و زیر زمین و دریا و همه

آنچه در آنهاست، بگو: به کسی که بر تخت می‌نشیند و بره باشد .

شکرگزاری و افتخار و جلال و قدرت تا ابدالابد» Apoc. 5:13

این مقام باشکوه شرافت، عظمت و شکوه بود که او از آن تسلیم شد ماهیت ضعیف انسانی ما را بر خود بگیرد و با شیطان درگیری پیدا کند بر زمینی که آدم و همه فرزندان تا آن زمان در آن سقوط کرده بودند، تا بر آن غلبه کنند آن را نجات دهد و ما را نجات دهد. اغماض باشکوه، شگفت انگیز، مرموز! "بی شک راز خداپرستی بزرگ است: او که در جسم ظاهر شد بود

در روح عادل شد، فرشتگان آن را دیدند، به غیریهودیان موعظه کردند، در جهان ایمان آوردند.» اول تیم. 3:16
ما این راز بزرگ عشق، آمدن و تجسم مسیح را مطالعه خواهیم کرد
پسر خدا در فصل بعد.

فصل 5

تجسم

«و کلمه جسم شد و در میان ما ساکن شد.
و ما جلال او را مانند جلال یگانه زاده پدر دیدیم،
پر از فیض و حقیقت» یوحنا. 1:14

روزی که آدم و حوا به گناه افتادند، خدا برای اولین بار نازل کرد
آنچه در شورای مرموز صلح تصمیم گرفته شده بود و تا آن زمان از دیدگان پنهان بود.
موجودات به شیطان خطاب به مار، از ابزارهای فریب او گفت: «و
بین تو و زن و بین نسل تو و نسل او دشمنی خواهم کرد. این به شما صدمه می زند
سرش را خواهی کرد و پاشنه او را خواهی کرد.» پیدایش 3:15 اصطلاح زن در کتاب مقدس نشان دهنده
کلیسا پولس به فرشتگان گفت: «زیرا من شما را آماده کرده ام تا شما را به عنوان یک باکره خالص به یک شوهر، یعنی به مسیح معرفی کنم.»
دوم قرن 11:2 بذر شیطان
از افرادی تشکیل می‌شد که به او خدمت می‌کردند و «به گفته شاهزاده
نیروهای هوا، روحی که اکنون در فرزندان نافرمانی کار می‌کند...
اراده جسم و افکار» اف. 3، 2:2 ذریت زن کسی خواهد بود
از میان قوم خدا - مسیح. پولس نوشت: «اکنون وعده‌ها داده شد
ابراهیم و اولادش. نمی‌گویید: و به ذرّیه، چنانکه از بسیاری سخن می‌گویید.
اما مانند یک: و به نسل تو که مسیح است.» گال. 3:16. پسر خدا
به عنوان یک نطفه انسانی به دنیا خواهد آمد که از نسل ابراهیم است.
طبق کتاب مقدس، دانه اسپرم مرد است که تخمک را بارور می‌کند تا
یک موجود جدید تشکیل دهد یوحنا نوشت: «هر که از خدا زاده شود، مرتکب نمی‌شود
گناه؛ زیرا بذر او در او باقی می‌ماند. و نمی‌تواند گناه کند، زیرا او زاده شده است
خداوند.» اول یوحنا 3:9. کلمه "seed" ترجمه کلمه اصلی "اسپرم" است. با گفتن آن
مسیح به عنوان "ذره" زن خواهد آمد، نشان می‌دهد که او به عنوان یک دانه به جهان خواهد آمد

در رحم مریم کاشته شد تا تخمک او را بارور کند و به طور مرموزی او را بپوشاند روح الهی با طبیعت یا گوشت انسان. از این رو اصطلاح «تجسم» آمده است. تجسم شامل فداکاری بی‌نهایت عشق است که تا به حال کمی درک شده است و مورد قدردانی بشریت است، که تا حدی در کفن باقی مانده است رمز و راز حتی برای فرشتگان پطرس اعلام کرد: «انبیایی که از فیض نبوت کردند که به شما داده شد... روح مسیح که در آنها بود نشان داد... رنج‌هایی که قرار بود مسیح بیاید... چیزی که فرشتگان مایلند به آن توجه کنند.» 1 حیوان خانگی -1:10

12.

مسیح، «در صورت خدا بودن، این را دزدی برابر با خدا نمی دانست، بلکه او خود را خالی کرد و به شکل یک خادم درآمد و خود را شبیه کرد مردان» فیل. 7، 6:2 بیان به صورت خدا بودن ما را به بدن فیزیکی او ارجاع می دهد. مولود خدا، از نظر ظاهری برابر با پدر، دارای صورتهای جسمانی باشکوه و شاهزاده، در نشاط و قدرت مردانگی کامل و جاودانه، سر به فلک کشیده موجودات به تناسب صورت خداوند شکوهمندتر از آن بودند از آنها؛ با بدنش که می درخشد و جلال پدر را می تابد (عبرانیان، 2:1:1 چهره او درخشان مانند خورشید (مکاشفه، 1:16) "چشمان او مانند مشعل های آتش بود، و بازوهای او و پاها، مانند برنز درخشان» دان. 6:10 صدای او قدرتمند بود «مثل صدای انبوهی» (دان. 6:10 و در عین حال شیرین و مهربان: «دهان او بسیار لطیف است» (سرود. 5:16 و در ظاهرش کاملاً زیبا بود: «بله، او هست

مطلوب» (سرود. 5:16)

«مسیح... برابری با خدا را غصب نمی دانست» فیل. 6، 5:2 در فصل. پیش از این، بخشی از آنچه که اصطلاح «برابر با خدا بودن» شامل می شود را دیدیم. موقعیت را در بر می گیرد اشغال شده توسط مسیح: شریک خالق جهان، همه چیز و هر کس، اشتراک گذاری تعیین پدر و به حق، در برابر مخلوقات، تخت عالم. دریافت به همین دلیل احترام و ستایش همه آنها. قانون‌گذار بودن برای همه، مشارکت در تمام اهداف صمیمی خداوند و تنها سخنگو بودن مجاز به اراده او، یا کلام، کلام خدا که برای مخلوقات قابل شنیدن است. «مساوی بودن با خدا» نیز به این معنا بود که او دارای برابری کمال یا عشق است. شخصیت و در نتیجه هدف، نزد خداوند. کمال مسیح مطلق بود، نه نسبی مانند موجودات؛ یعنی درجه علم او به قداست خدا پر بود و او نیز دارای این قداست بود. هیچ سایه ای وجود نداشت خطا، اشتباه، لکه یا فقدان محبت، در کوچکترین درجه، در پسر مقدس خدا. و همانطور که قبلاً دیدیم، خود فرشتگان با تکرار این اصطلاح به کمال پسر شهادت دادند. سه بار، نشان می دهد که در بالاترین درجه به او نسبت داده شده است: «قدوس، قدوس، قدوس است. پروردگار صباوت» عیسی. 3:6

متن فیلیپیان می گوید که مسیح "برابری با خدا را چیزی نمی دانست که باید درک شود." (فیلیسیون 2:5 منظور از غصب، تصرف یا مفروض گرفتن مکانی است که متعلق به او نیست. متعلق طبق متن، این کاری است که عیسی انجام نداد. بنابراین، درک برعکس هم همین است، یعنی مسیح نه با غصب، بلکه با خدا برابر بود تولد، به حق و با تصمیم پدر در برابر مخلوقات. در دیگران کلمات، در حقیقت، در هر چیزی که مربوط به جسم فیزیکی، ذهن و شخصیت (استثنا، همانطور که قبلاً دیدیم، قدرت و جاودانگی مطلق). وجود به شکلی زیبا و باشکوه، قرار گرفتن در این وضعیت باشکوه، مرتفع شده است مقامی از تعالی بی نهایت، «خود را خالی کرد». یا به معنایی که به این اصطلاح داده شده است ترجمه نسخه کینگ جیمز، "بی اعتبار شد." در نسخه دیگر، در به جای عبارت «خود تهی شده»، «خود را نابود کرده» می یابیم (Almeida Revista e Corrigida 2009). هر دو درک نه تنها قابل اجرا هستند، بلکه مکمل یکدیگر در توضیح هستند راز تحقیر بی پایانی که مسیح داوطلبانه خود را به آن تسلیم کرد.

تجسم

معنای اصطلاح «خود را نابود کرد» این است: مسیح که بدنی فیزیکی برابر با بدن او دارد خداوند، در اصل، شکل و جلال خارجی است، یا به تعبیر کتاب مقدس، «به صورت خدا، راضی شد که او را برای همیشه از دست بدهد - همان نابود شد. اون ایستاد با داشتن قامت و تمام شکوه های صورت خدا، و به اندازه یک کاهش یافت اسپرم ریز که توسط پدر به تخم مریم وارد می شود. مسیح اشاره می کند در این لحظه، به پدر گفت: «بنابراین، با ورود به جهان، بگو: ... بدن من آماده» عبری. 10:5 اجرای تحویل پسر در بهشت آغاز شد به مناسبت تجسم، و با هزینه ای بی نهایت. و بیشتر: برای مسیح تقریباً یک تحقیر بی پایان بود که بدن خود را از دست داد و از همه موجودات به جز خدا برتری دارد و طبیعت را به خود می گیرد انسان از گرد و غبار زمین به وجود آمده است. با این وجود، وقتی او رسید، او را تحویل گرفت پس از انحطاط چهار هزار ساله تا حد پایین ضعف آن گناه در شورای صلح مقرر شد که به نفع کیهان و به منظور از بین بردن هر بهانه دیگری برای طغیان بر ضد اراده او، خواهد بود برای پسر راحت بود که ماهیت انسانی را زمانی که به عالی ترین حد خود رسید به خود بگیرد درجه ضعف برای رویارویی با شیطان در آنجا. برای انجام این کار، باید منتظر بود قرن ها انحطاط و سپس، «وقتی زمان کامل فرا رسید، خدا پسر خود را فرستاد، متولد شده از زن». Gal. 4:4 اثبات اینکه بشریت به فلات خود رسیده است گزارش های بیماری های مختلف پایین تر است که ضعف نژاد را برجسته می کند، موجود در زمان مسیح: نابینا از بدو تولد (یوحنا 1: 9: لنگ، کر، لال، جذامیان) متی، (5: 11: فلج) متی، (24: 4: دیوانگان، شیاطین) متی (15: 17 و

ناقلان انواع بیماری‌ها (متی. 9:35) و این در میان اسرائیل، مردم استاد خدا در آن زمان؛ که برای نسل‌ها، قبل از ارتدادش، داشت پیروی از دستورالعمل‌های ویژه در مورد تغذیه، بهداشت و حفظ سلامتی که توسط موسی دریافت شده و در کتاب‌های خروج، لاویان و تثنیه مستند شده است.

اما حقارتی که پسر خدا خود را به آن تسلیم کرد به آن محدود نشد. O متن فیلیپیان 7: 2 وقتی دیگری را نیز در نظر می‌گیریم، معنای خود را گسترش می‌دهد ترجمه احتمالی کتاب مقدس کینگ جیمز، که بیان می‌کند که او «به هیچ شهرت، آبرو». خدا به عنوان لشکریان پسرش بر روی زمین، نه اشراف و نه اشراف را برگزید ثروتمندان، که بهتر می‌توانند آسایش جسمی و خوبی را برای او فراهم کنند فرصت‌ها، مطابق با استاندارد جامعه بشری. از بین خانواده‌ها یکی را انتخاب کنید متواضع که در میان یهودیان تمایز خاصی نداشت. انتخاب کرد، نه یک مرد، اما یک زن، در زمانی که زنان آشکارا بودند به عنوان ظرفی با شکوه، در جامعه از تمایز کمتری برخوردار است هدیه‌ای از بهشت و یکی از فقیرترین افراد را به عنوان مبارک انتخاب کرد زنان اسرائیل

علاوه بر آنچه تاکنون در معرض دید قرار گرفته است، برخلاف آنچه در بسیاری از تصاویر دیده می‌شود و نقاشی‌هایی که به عنوان نماینده مادر عیسی استفاده می‌شد، مریم زن نبود دوست داشتنی. کودکان معمولاً ظاهری شبیه به والدین خود دارند. و کتاب مقدس این را می‌گوید عیسی «نه زیبایی داشت و نه زیبایی. و با نگاه کردن به او، هیچ زیبایی ندیدیم تا او را بخواهیم» عیسی. 2:53 آنچه انسان بود، پسر خدا از آن به ارث برد ماریا، از این رو نتیجه گرفت که او زن زیبایی نبود. و در آگاهی بود که هیچ چیزی در خود وجود نداشت که او را -از نظر مردان -به مادر بودن توصیه کند از ناجی، که او پس از اطلاع از انتخاب شدنش گفت: «روح من بزرگتر می‌شود خداوند، و روح من در خدای نجات دهنده من شادی می‌کند. چون متوجه پست بودن بنده تو» عیسی. 2:53 بنابراین، عیسی نوزادی زیبا و جلب توجه نبود. در این خصوص، زیرا «وقتی نگاه کردیم، زیبایی ندیدیم، که باید او را بخواهیم». یکی. 2:53

هیچ هیاهوی خاصی در مورد رویداد ورود او به زمین وجود نداشت. یک ارتباط مستقیم به خانواده توسط فرشته ارسال شد: "فرشته جبرئیل بود که توسط آن فرستاده شد خدا به شهری در جلیل به نام ناصره، به باکره‌ای که نامزد یک مردی که یوسف نام داشت از خاندان داوود. و نام آن باکره مریم بود. و ورود فرشته‌ای که در آنجا بود گفت: سلام ای مبارک! خداوند با شماست. خوشا به حال شما در میان زنان... نترسید که در نزد خدا لطف کرده‌اید. و اینک در شکم تو شما حامله خواهید شد و پسری به دنیا خواهید آورد و نام او را عیسی خواهید گذاشت. این بزرگ خواهد بود، و پسر اعلی‌نمیده خواهد شد... روح القدس بر تو خواهد آمد و قدرت آن

حق تعالی شما را با سایه خود می پوشاند. بنابراین همچنین آن قدوس که از شما متولد خواهد شد،
او پسر خدا نامیده خواهد شد» لوک. 1:26-35

مریم قبل از اینکه با شوهرش متحد شود باردار شد - که منجر به یک
سایه اضافی بر زندگی ناجی، که با شرایط تولد او مرتبط است.
حتی شوهرش، «از آنجایی که منصف بود و نمی خواست او را بدنام کند، سعی کرد او را ترک کند
مخفیانه و همانطور که او این را برنامه ریزی کرد، اینک فرشته خداوند در خواب بر او ظاهر شد.
گفت: یوسف، پسر داوود، از گرفتن همسرت مریم به خاطر آنچه در اوست نترس
از روح القدس زاده شده است» متی. 20، 19: 1
«آنگاه مریم گفت: جان من خداوند را بزرگ می‌دارد و روح من بزرگ می‌شود.
در خداوند منجی من شاد باشید. زیرا او پستی بنده خود را می دانست؛ برای اینکه ببین،
از این پس همه نسل ها مرا خجسته خواهند خواند، زیرا تو مرا بزرگ ساختی
چیزهای توانا؛ و نام او مقدس است. و رحمت او نسل به نسل است
در مورد کسانی که از او می ترسند. او با بازوی خود شجاعانه عمل کرد. مغرور را از خود دور کرد
به قلبشان فکر کردند او قدرتمندان را از تاج و تختشان خلع کرد و فروتنان را بالا برد.
گرسنگان را از چیزهای خوب سیر کرد و ثروتمندان را خالی فرستاد. او به بنده خود اسرائیل کمک کرد،
به یاد رحمت او؛ همانطور که با پدران ما، ابراهیم و او صحبت کرد
آیندگان، برای همیشه.» لوک. 55-46: 1

گویی کافی نبود، خداوند شهر کوچکی را به عنوان محل تولد خود برگزید که از هیچ گونه بیان سیاسی و هیچ تمایز دیگری در جهان
برخوردار نبود.

جامعه اسرائیل می گوید: «و تو ای بیت لحم افراتا، اگر چه در میان هزاران یهودا کوچک هستی ،
از تو به سوی من خواهد آمد کسی که در اسرائیل حکومت خواهد کرد، که رفت و آمدهایش از قدیم الایام است.
از ایام ابدیت.» Miq. 5:2 و در این شهر مطرود مکانی برگزیده شد که
فروتن تر از این نمی توان بود -اصطبلی که برای حیوانات ساخته و استفاده می شود
شب را بگذران زادگاهش آخور، سینی اطعام گاو بود،
همانطور که نوشته شده است: «و یوسف نیز از جلیل، از شهر ناصره، به یهودیه رفت تا
شهر داوود به نام بیت لحم (چون از خاندان و خاندان داوود بود) تا به خدمت سربازی برود.
با مریم همسرش که باردار بود. و در حالی که آنها آنجا بودند واقع شد
آنها روزهایی را که قرار بود در آن زایمان کند، به پایان رساندند. و اولین پسرش را به دنیا آورد و
او را در قنذاق پیچید و در آخور گذاشت، زیرا جایی برای آنها نبود.
مسافرخانه»... «و فرشته به آنها گفت: نترسید، زیرا اینک من شما را بشارت می دهم.
شادی که برای تمامی قوم خواهد بود زیرا که امروز در شهر داوود برای شما متولد شده است.
که مسیح خداوند است. و این برای شما نشانه ای خواهد بود: کودک را در قنذاق پیچیده می یابی و
در آخور دراز کشیده.» لوک. 10-12; 7-4: 2 در زمینه تولد مسیح،
اصطلاح "خود فروتن" معنای کامل خود را می گیرد و نمونه ای از تمایل داوطلبانه است.

که باید در هر بنده خدا، شسته شده توسط خون عیسی وجود داشته باشد: نه به هیچ حسابی برای خود ندارد، تا زمانی که با انجام این کار، اراده خوب پدر را برآورده کند.

فرستاده شده از بهشت

کتاب مقدس شواهد کافی بر جای می گذارد که عیسی مسیح، یا مسیح، پسر بود خداوند از آسمان به زمین فرستاد. او فقط یک انسان دیگر نبود، پسر یوسف مسیح، در مورد تجسم خود صحبت می کند، به پدر می گوید: "بدنی برای من آماده کردی" عبران. 10:5 از فهمیده می شود که او، پسر خدا که از قبل وجود داشت، در بدن به جهان آمد تهیه شده توسط خدا - در این مورد تخم مریم. کتاب مقدس هر گونه احتمالی را که عیسی به معنای واقعی کلمه پسر یوسف بوده است را رد می کند به طور مثبت بیان می کند که "باکره حامله خواهد شد و پسری خواهد آورد" متی 1:23 وقتی که فرشته آمدن پسر خدا را نزد مریم خبر داد، او پاسخ داد: «این چگونه انجام خواهد شد؟ با دیدن اینکه من هیچ مردی را نمی شناسم؟» لوقا 1:34 و نوشته شده است که یوسف «نکرد می دانست تا اینکه پسر نخست زاده خود را به دنیا آورد و نام او را عیسی نامید» مت. 1:25 حقیقت این است که «مریم، مادرش، پیش از آنکه با هم جمع شوند، با یوسف نامزد کرد. پیدا شد که از روح القدس آبستن شده است.» متی 1:18

مانند؟

فرشته گفت که چگونه این اتفاق خواهد افتاد: "روح القدس بر شما خواهد آمد، و قدرت شما حق تعالی شما را با سایه خود می پوشاند. بنابراین همچنین آن قدوس که از شما متولد خواهد شد، او پسر خدا نامیده خواهد شد" لوقا. 1:35 همانطور که عیسی توسط روح القدس متولد نشد برخی قصد دارند این آیه را اشتباه تفسیر کنند. او خودش اعلام می کند که به دنیا آمده است: "من به جهان آمدم تا به حقیقت شهادت دهم" یوحنا 18:37 بنابراین، تعبیری که فرشته به کار می برد: «روح القدس بر تو خواهد آمد و قدرت خداوند متعال بر تو خواهد آمد. پوشش خواهد داد» صرفاً راز کار خدا در قرار دادن روح الهی را در بر می گیرد و خلاصه می کند. پسرش، معادل DNA ما، در تخم مریم. روح القدس الف نیست نهاد یا شخص؛ بلکه فضیلتی است که «از پدر سرچشمه می گیرد» (یوحنا 15:36 مطابق از طریق این فضیلت، این قدرت اسرارآمیز که ماهیت آن برای ما، خدا، ناشناخته است کار تجسم را انجام داد. اگرچه روند فیزیکی تجسم برای ما آشکار نشده است، اما نتیجه از آن، و همچنین معنای معنوی آن، به طور گسترده در کتاب مقدس آشکار شده است،

از آنجایی که درک شما کمک زیادی به قرار دادن و نگه داشتن ما در آن می کند
راه نجات تجسم منجر به کاشت زندگی از قبل موجود شد
پسر خدا در درون انسان (مریم)، در کتاب مقدس، اصطلاح «روح» نشان دهنده زندگی است.
در لویان 17:11 می خوانیم که «جان جسم در خون است». در حالی که ترجمه
Almeida Revista e Atualizada ارائه می دهد: "زندگی گوشت در خون است". در پیدایش
2: 7، کتاب مقدس در مورد خلقت آدم صحبت می کند: «خداوند خدا انسان را از خاک آفرید.
زمین و در بینی او نفس حیات دمید و انسان روح زنده شد.»
ژنرال 2:7 همانطور که پسر خدا توسط خدا در تخم مریم «زنده» قرار گرفت، همینطور است
درست است که بگوییم «روح الهی» مسیح در او قرار گرفت.
از اینجا ما حقیقتی را استخراج می کنیم که در خور توجه ویژه است. واقعیت داشتن او
بدن بزرگ، در قالب خدا، به هیچ تبدیل شد تا بتوان آن را «قرار داد
در مریم» نشان می دهد که تجسم، به اصطلاح، یک «جراحی پرخطر» بوده است.
ساخته شده توسط خدا، که منجر به نابودی، یا مرگ، بدن قبلی به شکل
خداوند. سپس خداوند با دقت بخشی را که حاوی جوهر زندگی بود منتقل کرد
پسر به تخم مریم. این حقیقت در عبارات آیه مستتر است:
فیل : «در صورت خدا بودن... خود را نابود کرد و به شکل یک بنده درآمد». 2:7.
هر جراحی یک فرآیند دردناک است که عواقب بعدی را ایجاد می کند. به موجب آن
ما درک می کنیم که مسیح از طریق فرآیندی بود که درد آن برای ما غیر قابل درک است
بدن قبلی او به هیچ وجه کاهش یافت و در ماریا قرار گرفت. این چه عشقی است،
مرموز، شگفت انگیز، نامفهوم، قابل احترام، تحسین برانگیز، احترام، که باعث می شود
عدالت در کمال قداست و شایسته همه ستایش و عبادت!

فصل 6

حرمت عیسی نوزاد

با توجه به مطالبی که در فصل قبل مطالعه کردیم، می توان یک مورد مهم دیگر را استخراج کرد
حقیقتی که در اعلامیه فرشته در مورد تولد عیسی آمده است: «

روح القدس و فضیلت حق تعالی بر شما سایه خواهد افکند. بنابراین همچنین قدوسی که از تو متولد خواهد شد، پسر خدا نامیده خواهد شد.» لوقا. 1:35 تجسم بود نتیجه کاشت زندگی یا روح الهی مسیح از قبل موجود در تخمک ماریا به عنوان یک نتیجه طبیعی، نوزاد عیسی با همان قداست متولد می شود مسیح در بهشت مالکیت داشت که به نوبه خود با آسمان خود خدا برابر بود. و آن فرشته است در این کلمات آشکار می شود: «بنابراین قدوسی که از تو متولد خواهد شد نیز خوانده خواهد شد پسر خدا». به عبارت دیگر، «به این دلیل» به دلیل این که تولد از طریق کار انجام شده است خداوند به وسیله روح خود پسر خود را در مریم قرار داد، «قدوسی که از تو متولد خواهد شد، خواهد بود پسر خدا خوانده می شود.» قدوسیت عیسی کودک دلیل و مدرکی بود که او او پسر خدا از قبل موجود در آسمان بود و به زمین فرستاده شد. این عیسی استدلال کرد، چندین بار هنگام صحبت با یهودیان: «یهودیان او را احاطه کردند و به او گفتند: تا کی روح ما را معلق خواهی داشت؟ اگر تو مسیح هستی، آشکارا به ما بگو. عیسی به آنها پاسخ داد: من به شما گفتم و شما ایمان ندارید. کارهایی که در آن انجام می دهم نام پدرم، اینها درباره من شهادت می دهند.» یوحنا. 10:24، 25 اعمال محبت، عدالت او و رحمت قدوسیت و محبت او را نشان داد و تأیید کرد که او همان است. مسیح، مسیح، نجات دهنده ای که از آسمان فرستاده شده است. در عیسی نوزاد، قدوسیت خدا آشکار شد، اما به شکل انسانی، و بدین ترتیب بر مردان نازل شد. به همین دلیل او همچنین نام ایمانوئل را دریافت کرد که به معنی "خدا با ما" است: "اینک، باکره آبستن شده و پسری به دنیا خواهد آورد و او خواهد شد. به نام امانوئل. (ترجمه امانوئل این است: خدا با ما)» متی. 1:23 روشنائی از آنچه تاکنون مطالعه کرده ایم به وضوح می بینیم که این متن به هیچ وجه به نفع آموزه‌ای که بسیاری آن را گرامی می‌دارند، درباره وجود مسیح استدلال می‌کند «خدا» یا «خدای پسر». عیسی به طور مثبت گفت که فقط پدرش خداست. صحبت کردن با او در دعا اعلام کرد: «و این است حیات جاودانی تا تو را تنها بشناسند. خدای حقیقی» یوحنا. 17:3 و او خود را به عنوان پسر خدا نشان داد: «او گفت: من پسر خدا هستم.» یوحنا. 10:36 و با تکرار آنچه قبلاً دیدیم، آن را اعلام کنید مسیح خداست که اساس کار رستگاری را انکار می کند. چون خدا هست "جاودانه" (اول تیم. 1:17) و نمی تواند بمیرد. و پسر باید بمیرد - بنابراین او نمی تواند "خدا" باش

برگردیم سر اصل مطلب، وقتی فهمیدم که قدوسیت خداست

از کودکی در عیسی تجلی یافته است، ما می توانیم معنای متون دیگر را درک کنیم

این مکاشفه باشکوه را برسانید: «در او حیات بود و حیات نور انسانها بود. و

نور در تاریکی می درخشد و تاریکی آن را درک نکرده است.» یوحنا. 5، 1:4 یعنی در او

تقدس وجود داشت، زندگی خدا. او مردان را به معنایی که به آنها می داد روشن می کرد

علم به اینکه او چگونه است. نور حقیقی وجود داشت که هر انسانی را که روشن می کرد

به جهان می آید» یوحنا 9: 1 دانش در مورد تقدس، که عشق را در بر می گیرد،

شخصیت خدا و ماهیت روحانی ملکوت او، مرتبط با اطاعت کامل از

ده فرمان، در زندگی عیسی از اولین ثانیه های او آشکار شد

وجود به عنوان یک انسان به این معنا، قدوسیت مسیح کل را روشن کرد

بشریت، نشان می دهد که مسیر زندگی ابدی چیست. این توسط او باز شد

به نفع ما کار کنید و با نمونه زندگی او مشخص شده است.

یوحنا رسول در نامه اول خود در همین راستا استدلال می کند: «(زیرا

زندگی نازل شد و ما آن را دیدیم و بر آن شهادت دادیم و حیات جاودانی را به شما اعلام می کنیم.

که نزد پدر بود و بر ما ظاهر شد)» اول یوحنا 2: 1 یعنی در مسیح بود

قدوسیت خداوند، و تضمین حیات جاودانی برای صاحبان آن است. و رسول

می افزاید: «آنچه را دیدیم و شنیدیم، به تو اعلام می کنیم... و این پیامی است که

ما از او شنیده ایم و به شما اعلام می کنیم که خدا نور است و در او تاریکی نیست.» اول یوحنا

5: 3، 1 یعنی یوحنا و رسولان از مسیح آموختند که خدا کاملاً است

مقدس؛ هیچ نقصی در او وجود ندارد، کمبود عشق، عدالت و مراقبت نیست

با مخلوقاتش آنها فضایل مسیح را دیدند و فهمیدند که آنها فضایل هستند

همان چیزی که پدر داشت.

نقطه ای که در آن مراقبه می کنیم، شاخه دیگری از مطالعه را باز می کند. از جانب

درک اینکه عیسی کودک دارای قدوسیتی برابر با قدوسیت خدا - بنابراین بی نهایت - است.

ما تفاوت آشکاری بین او و ما می بینیم. ما مقدس به دنیا نیامده ایم. عیسی اگر

یوحنا به تولد انسانها اشاره می کند: "آنچه از جسم زاده می شود جسم است".

6: 3 آنچه این جسم دارد توسط پولس به تصویر کشیده شده است: «کسانی که بر حسب جسم هستند

فکر خود را به چیزهای جسمانی معطوف کنند... عقل نفسانی مرگ است... دشمنی با آن است

خدا... نه تابع شریعت خداست و نه می تواند باشد.» روم. 7-8: 5 بودن

ولادت از جسم یعنی از نسل آدم بودن. وقتی حوا را دید، گفت: «این است

اکنون استخوانی از استخوانهای من و گوشتی از گوشت من.» ژنرال. 2: 23 پس از افتادن در

گناه، آدم و حوا ضعف جسمانی و انحطاط اخلاقی خود را به آنها منتقل کردند

فرزندان به عبارت دیگر، آنها شروع به تمایل طبیعی به انجام دادند

شر و آن را به فرزندان خود منتقل کردند. این همان چیزی است که ما به عنوان تمایل ارثی می شناسیم.

این همان چیزی است که پولس در این کلمات به تصویر کشیده است: «ذهن نفسانی... دشمنی با آن است

خدا... تابع قانون خدا نیست.»

یوسف و مریم از نسل آدم بودند. در کتاب متی، کتاب مقدس به تشریح این موضوع می پردازد

سلسله خانواده در طرف یوسف، که به این ترتیب خاتمه می یابد: «و یعقوب، یوسف را به دنیا آورد، شوهر او

مریم که عیسی از او متولد شد» متی 1: 16 کتاب لوقا خط صعودی را دنبال می کند

عیسی در کنار مریم: «و خود عیسی حدوداً سی ساله شد

(همانطور که او مراقبت می کرد) پسر یوسف و یوسف از هلی» لوقا. 3: 23 لوقا پدربزرگش را معرفی می کند

مریم که او را یوسف نیز می نامیدند، زنان معمولاً نبودند در شجره نامه های کتاب مقدس ذکر شده است، زیرا تمرکز آن بر معرفی مسیح بود که به عنوان یک مرد می آید عیسی درباره کتاب مقدس گفت: «آنها هستند که شهادت دهید» یوحنا 5:39 لوقا خط صعودی را از مریم تا آدم دنبال می کند: «و همان عیسی... که (همانطور که اعتقاد بر این بود) پسر یوسف و یوسف هلی ... و انوس از هفت و هفت از آدم و آدم از خدا» لوقا 3:23-38 بنابراین، ماریا، مانند همه نسل آدم، از جسم و به صورت جسم، با همان گوشت متولد شد هر انسانی دارد. و همان گرایش یا تمایل جسمانی را به ارث برد که «دشمنی با خداست» و «مورد قانون خدا نیست» روم. 7:8 و به دلیل این روند، او یک گناهکار شد، مانند همه مردان دیگر که کم و بیش به یک درجه تبدیل شدند. نوشته شده است: «زیرا همه گناه کرده اند و از جلال خدا کوتاهی کرده اند» روم. " 3:23. مرگ به همه مردم سرایت کرد، بنابراین همه گناه کردند.» روم. 5:12 از این رو، اگرچه ما دلایل زیادی داریم که باور کنیم مریم یک مسیحی واقعی بود معنی کلمه و بنده اصیل خداست که منکر زاده شدنش است گرایش به گناه و گناهکار بودن با کلام خدا در تضاد است. کسانی هستند که وانمود کنید که او بدون گناه به وجود آمده است، تا به همین دلیل از آن دفاع کنید عیسی قدیس به دنیا می آمد. اما، در پرتو کتاب مقدس، این ادعا رونق ندارد، یعنی نمی شود خود را حفظ می کند. عیسی مقدس به دنیا آمد زیرا قبلاً در بهشت بود و به همین دلیل به زمین آمد. خیر می تواند متفاوت باشد بنابراین مریم نیز مانند سایر انسانها گرایش به گناه داشت. و تابع او بود؛ و در نتیجه گاهی به گناه می افتند، همانطور که اتفاق می افتد هر کسی، حتی اگر نیت خوبی داشته باشد. به همین دلیل اگر الف پسر تنها از طریق اتحاد خود با یوسف، او همان تمایل جسم را خواهد داشت - و بنابراین نتیجه گناه خواهد بود - مانند هر پسر دیگر آدم. برای طبیعت انسان، بدون یاری خدا نمی تواند در برابر شر مقاومت کند. تنها دلیلی که عیسی پس از حاملگی در مریم «مقدس» به دنیا آمد این واقعیت است قبل از آمدن به زمین همینطور بود. در تجسم، مسیح، قدوس، توسط خدا قرار گرفت، در رحم مریم خود شیاطین این واقعیت را تشخیص دادند: "آه! که با شما داریم، عیسی ناصری؟ اومدی نابودمون کنی؟ من می دانم که تو کیستی: قدوس خدا» مرقس 1:24. قدوسیت مسیح مخصوص نوع بشر نیست. پس از سقوط آدم، او طبیعتاً هیچ قداستی نداشت، اگرچه به شدت به آن نیاز داشت او تنها با مداخله الهی می توان قداست را از دست داد دوباره در معبد انسانی، و این تنها از طریق آمدن پسر مقدس ممکن خواهد بود خدا، به عنوان انسان. این حقیقت معنوی برای قرن ها آموزش داده شده بود. به موسی دستور داد که اسرائیل پناهگاهی بسازد، گفت: «و مرا پناهگاه خواهند ساخت، و

من در میان آنها ساکن خواهم شد.» خروج. 8:25 پناهگاه نماینده بشریت بود، همانطور که اگر این معبدی برای سکونت حضرتش بود. پولس نوشت، این را نشان می دهد: «شما معبد خدای زنده هستید، همانطور که خدا گفت: در آنها من ساکن خواهم شد.» دوم قرن‌تیان 16:16 این هدف الهی اساساً در مسیح تحقق یافت. او به پدر گفت: «بدنی برای من آماده کردی» عبری. 5:10 هنگامی که او مجسم شد، پس پری از قدوسیت که از زمان تولد مسیح در اختیار مسیح بود، برای اولین بار در معبد ساکن شد انسان. و او نمونه ای بود از آنچه خدا می خواست در دیگران اتفاق بیفتد. معابد انسانی - ما: «تا از تمام پری خدا پر شوید» افس. O. 3:19 هدف خدا این است که از طریق رسالت عیسی مسیح، کمال او باشد تقدس در روح همه بشریت کاشته شود. و این در زندگی اتفاق خواهد افتاد همه کسانی که واقعاً می خواهند این هدف در زندگی خود برآورده شود بعداً خواهیم دید

فصل 7

گناه اصلی وجود ندارد

در این مرحله، با هدف حذف الف سدی که شیطان برای تحقق هدف الهی از اجرای آن قرار داده است پری عشق الهی و تقدس در روح ما. چندین قرن پیش فرموله شد یک آموزه، نه کتاب مقدس، توسط نویسندگانی که قصد داشتند انسان متولد شود به ارث بردن گناه آدم، ذاتاً گناهکار بودن. پیامد اجتناب ناپذیر استدلال این است که از آنجایی که انسان نمی تواند خود را از ذات خود رهایی بخشد دست از گناهکار بودن غیرممکن خواهد بود. اما نویسندگان آن موفق نشدند درک کنید که طبق کتاب مقدس چه چیزی انسان را گناهکار می کند. این پایه است از خطای شما "گناه تخطی از شریعت است" اول یوحنا 3: 4 (ترجمه اصلاح شده آلمیدا و به روز شد). بنابراین گناه عمل نافرمانی از فرمان خداوند است. این یک «طبیعت» و نه یک گرایش نیست، بلکه یک عمل است. او گناهکاری است که عمل می کند عمل. هر که عمل نکند، خدا را نافرمانی نکرده، گناهکار نمی شود، اگر چه باشد از نسل آدم و حوا

کسانی که بر آموزه های ضد کتاب مقدس فوق الذکر تکیه می کنند این کار را اشتباه می کنند تفسیر بخشی از دعای داوود: «اینک من در گناه و گناه شکل گرفتم مادرم مرا باردار شد.» ص 5:15 از آن نتیجه می گیرند که انسان آبستن می شود

قبلاً به عنوان یک گناهکار اما آیه در واقع می آموزد که داوود پسر یک گناهکار بود. از این رو می فرماید: «در گناه مادرم مرا آبتن کرد». علاوه بر این، دعای مزمو 51 است معروف به کاری که داوود انجام داد وقتی از گناه زنا توبه کرد به دنبال آن قتل زنا با بثبیه و دستور داد شوهرش اوریا باشد در موقعیتی قرار گرفت که مطمئناً در نبرد کشته می شد - و او هم بود (نگاه کنید به 2 سموئیل باب 11 و 12). سپس در حال توبه از آیه 2 اعلام کرد: «مرا بشوید کاملاً از گناه من، و مرا از گناه پاک کن. چون می دانم گناهان من، و گناه من همیشه در پیش روی من است. علیه شما، علیه فقط تو گناه کردم و در نظر تو بد کردم.» مزمو 4-2:51 داوود پشیمان نشد داشتن طبیعت سقوط کرده یا هر نوع "گناه اصلی"، بلکه با عمل بد، برای گناهی که واقعا مرتکب شده بود. گفت: گناه کردم و بد کردم. او به وضوح به عمل تخطی از فرمان خدا اشاره دارد. بنابراین، وقتی در مورد خود صحبت می کنید پس از گناه، داوود از ضعف موروثی خود، به خاطر اینکه پسر یک گناهکار است، ناله می کند. در آیه بعد می فرماید: «اینک من در معصیت شکل گرفتم و در گناه شکل گرفتم. مادرم حامله شد» مزمو 5:51 آیه به هیچ "گناه اصلی" اشاره نمی کند طبیعتی که انسان می توانست داشته باشد نه! او تشخیص ضعف انسان است در مبارزه با شر

با این حال، بیایید این اصطلاح را تجزیه و تحلیل کنیم: "من در گناه شکل گرفتم". کلمه اصلی ترجمه شده به "تشکیل" نیز به معنای "به وجود آمدن" است. عبارت «بی گناهی» در مزمو 2:32 توضیح داده شده است: «خوشا به حال کسی که خداوند او را گناهی را به حساب می آورد و در روح او نیرنگی نیست.»

به روز شد). «دولو» اصطلاحی است که به طور گسترده در محافل حقوقی مورد استفاده قرار می گیرد و بر اساس آن اشاره می کند فرهنگ لغت، میل به فریب، سوء نیت، تصمیم به نقض قانون «با تمام وجود آگاهی از جرم و جنایت کاری که انجام می شود». اکنون اصطلاح «در گناه من بودم شکل گرفته» اشاره به شکل گیری یا تولید انسان، لحظه ای است که اسپرم تخمک را بارور می کند. نمی توان گفت که جنین در رحم بارور شده است مادر با آگاهی کامل از جرم و جنایت، تصمیم دارد قانون را زیر پا بگذارد چه کاری انجام می شود.» او هنوز از وجود خودش هم آگاه نیست. از این رو، «بی عدالتی» که در آن انسان شکل می گیرد، که در اصطلاح ذکر شده است، فقط می تواند باشد قابل انتساب به والدین - آنها قبلاً وجدان دارند که قانون را بدانند و با "نیت" عمل کنند. در مورد آیه، کلمه به وضوح به مادر اشاره دارد، چنانکه می فرماید: «انا فی معصیت. شکل گرفت و در گناه مادرم مرا آبتن کرد» مزمو 5:51 کلمه اصلی ترجمه شده است در آیه مفهوم «تصور» نیز به معنای گرما است رابطه صمیمی زن و مرد بنابراین، هنگامی که گفت: "در گناه او مرا آبتن کرد مادر من» متن به معنای واقعی کلمه به این واقعیت اشاره دارد که مادر دیوید او را باردار کرده بود

ذهن بر جلب رضایت خود متمرکز شده است، نه خدا. در حالی که به دنبال لذت بردن از گوشت، از طریق رابطه زن و مرد. مشاهده می شود که آیه واقعیتی را به تصویر می کشد که همه بزرگسالانی که پدر و مادر هستند، به ویژه افراد متاهل، هیچ

مشکل در تشخیص خدا «فرزندان» را به عنوان میراث خود به والدین می دهد (مزمور 127:3). اما چگونه آنها را ارسال می کنید؟ برای چیزی که در گرمای لحظه اتفاق می افتد. در غالب در بیشتر موارد، مردان و زنان بر انجام خواست خدا متمرکز نبودند - قبل از اینکه آنها به دنبال لذت در جسم باشند - زمانی که کودکان را به دنیا آوردند. این واقعیت داوود در مزمور 5:5 به تصویر کشیده است.

بنابراین، با پایان دادن به موضوع، مشاهده می شود که در متن بحث برانگیز مزمور 5:5 داوود تشخیص این بود که طبیعت انسان ضعیف است و نسل از انسان حاصل لذت طلبی والدین است. و اینکه مادرش یک

گناهکار گرایش پدر و مادرش را به ارث برد و تسلیم آن شد و به زنا افتاد. با این حال، با این حال او ضعف انسانی را به عنوان مانعی غیرقابل عبور نمی دید عدالت را رعایت کنید او کاملاً متقاعد شده بود که خدا می تواند او را پاک کند و به او نیرو بدهد.

تا از آن پس در خلوص زندگی - حتی در فطرت انسانی خود - قدم بردارد که در آیات بعدی دیده می شود: «مرا به زوفا تطهیر کن که پاک می شوم. مرا بشوید و از برف سپیدتر می شوم... خدایا در من دلی پاک بیافرین و تازه کن

یک روح راست... با روحیه ای مشتاق مرا حمایت کن. سپس من آموزش خواهم داد راههای تو را تجاوز می کنند و گناهکاران به سوی تو روی خواهند آورد.» ص 13-7:51 دیوید او می دانست که خدا می تواند او را تطهیر کند، با «روح مشتاق»، یعنی الف

تصمیم قاطع برای اطاعت از او، و در نهایت به شما قدرت می دهد تا به طور مؤثر از او اطاعت کنید احکام او، موقعیتی که داوود گفت که از آن پس خود را متعهد به «تدریس خواهد کرد راه تو برای متجاوزان.»

با پایان دادن به این نتیجه، به این نتیجه می رسیم که ما با گرایش به گناه متولد شده ایم زیرا والدین اول ما آنها را به ما منتقل کردند. اما ما گناهکار به دنیا نیامده ایم. گناه یک است

عمل، نه یک گرایش "گناه تخطی از شریعت است" اول یوحنا 3:4 (ترجمه تجدید نظر شده و به روز شده). این نتیجه انتخاب ما برای تخطی است. کتاب مقدس می گوید که «

مرگ به همه مردم سرایت کرد» فقط به این دلیل که «همه گناه کردند» روم. 5:12 مرگ است دستمزد «گناه» (روم. 6:23) نه گرایش به آن. و اگرچه همه ما به دنیا آمده ایم با گرایش به گناه، تنها زمانی که آن را مرتکب می شویم، در معرض مرگ قرار می گیریم: «

گناه، تمام شدن، مرگ را به وجود می آورد» عمه. 1:15 ما می توانیم و به عنوان

انجیل واقعی، ما باید با قدرتی که مسیح به ما می دهد در برابر آن مقاومت کنیم. با این موضوع برخورد خواهیم کرد بعداً، پس از آنکه درباره کمال انسانیت مسیح بیشتر بدانیم، که موضوع مطالعه ما در فصل بعدی خواهد بود.

فصل 8

کمال انسانیت مسیح

در زمینه نجات، انسانیت پسر خدا برای ما همه چیز است. با اینکه، هنوز به وضوح درک نشده است، و این دلیل بسیاری از مردم است افراد مخلص نمی توانند بر مبارزات خود در زندگی مسیحی غلبه کنند. نمیفهمن چیه عیسی مسیح زمانی که روی زمین بود به آنها شباهت داشت. به همین دلیل است که نگاه نمی کنند پیروزی هایی که او بر وسوسه ها داشت به عنوان نمونه ای از آنچه آنها می توانند داشته باشند - و آنها خواهند داشت - اگر بخواهند به او ایمان بیاورند، همان قدرتی را که او دریافت کرد.

از متن فیلیپیان 2: 6، 7 می فهمیم که بدن قبلی مسیح رفت وجود وقتی که او تجسم یافت. مسیح به شکلی اسرارآمیز دگرگون شد و نه توسط پدر، در یک دانه، معادل اسپرم، نازل شد و در تخم مریم قرار گرفت.

از آن به بعد او یک انسان بود. «کلمه جسم شد» یوحنا 1:14. پس از بارداری، تولد مسیح مانند هر موجود دیگری اتفاق افتاد انسان: «ماریا... حامله بود. و واقع شد، در حالی که آنها آنجا بودند، روزهایی که او باید در آن زایمان کند، به پایان رسید. و نخستزاده اش را به دنیا آورد و او را در خود پیچید

پارچه ها" لوک. 2:5-7 شرح روزهای اول او به هیچ وجه او را از هیچ کدام متمایز نمی کرد یکی از ما: "و عیسی افزایش یافت... در حکمت و قامت" لوک. 2:52. رابطه شما با یوسف و مریم در کتاب مقدس به عنوان مشترک برای همه انسان ها معرفی شده است: «و او با آنها فرود آمد و به ناصره رفت و مطیع آنها شد» لوقا. 2:51. آشنایان شما گفتند: «این عیسی پسر یوسف نیست که ما پدر و مادرش را می شناسیم؟» یوحنا 6:42.

«آیا این نجار پسر مریم و برادر یعقوب و یوسف و یهودا و سیمون؟ و آیا خواهران شما اینجا با ما نیستند؟» مرقس 3: 6.

ذهن عیسی ذهن یک انسان بود، با محدودیت های ذاتی او. عجیب و غریب. او همه چیز را نمی دانست، چنانکه شهادت می داد: «اما از آن روز و ساعت هیچ کس نمی داند و نه فرشتگانی که در آسمان هستند، نه پسر، جز پدر.» مرقس 13:32. به عنوان یک انسان، او ظرفیت ذهنی آن چیزی بود که توسط نیروی زندگی والدین او منتقل می شد. عیسی مسیح بود «پسر داوود، پسر ابراهیم» متی 1:1. بنابراین، او برتر از داوود و یا از ابراهیم. او عقل، حافظه و هوشیاری انسانی با محدودیت هایشان داشت. "چرا، در حقیقت، او فرشتگان را نگرفت، بلکه فرزندان ابراهیم را گرفت. 2:16.

بدن عیسی نیز محدود به نیرویی بود که از والدین انسانی او به ارث برده بود. او در نیازهای مشترک همه ما مشارکت داشت. گرسنه و تشنه بود، خسته بود و

نیاز به استراحت «و بعد از اینکه چهل روز و چهل شب روزه گرفت، پس از آن روزه گرفت گرسنگی» متی 4:2؛ عیسی... گفت تشنه هستم" یوحنا 19:28 «پس عیسی خسته شد در راه، او در کنار چشمه نشست.» یوحنا 6: 4 «و او در بند بود و خوابیده بود روی بالشی، و او را بیدار کردند و به او گفتند: استاد، برای تو ممکن نیست. نابود شود؟» مرقس 4:38 وقتی تشنه بود، جلوی چاه باید منتظر می ماند تا برای اینکه شخصی با تجهیزاتی که انسان ها برای استخراج آن استفاده می کنند بیاید آب: «پس عیسی که از سفر خسته شده بود، این گونه کنار چشمه نشست... زن سامره آب می کشد. عیسی به او گفت: به من بنوش.» یوحنا 7، 6، 4 در گفتگو با زن، زن با اشاره به آب چاه گفت: پروردگارا، تو نداری که با آن آن را بیرون آورد و چاه عمیق است» یوحنا 4:11 عیسی گفت: "من به تنهایی نمی توانم کاری انجام دهم" یوحنا 5:30 این بود برنامه پدر برای پیمودن راهی که همه ما باید طی کنیم، به طوری که پیروزی او نمونه ای بود که هر انسانی می توانست آن را در زندگی خود بازتولید کند. او با سلاح هایی که در دسترس ما نیز هست با دشمن روبرو شد: (1) کتاب مقدس مقدس، (2) ایمان و (iii) نماز.

(1) کتاب مقدس: «و وسوسه کننده نزد او آمد و گفت: اگر تو پسری خدایا دستور بده که این سنگ ها نان شوند. اما او پاسخ داد و گفت: نوشته شده است: انسان تنها با نان زندگی نخواهد کرد، بلکه با هر کلمه ای که از دهان او بیرون می آید خداوند. سپس ابلیس او را به شهر مقدس برد و بر قله ی آن قرار داد معبد، و به او گفت: «اگر تو پسر خدا هستی، خود را از اینجا به پایین بینداز. زیرا این نوشته شده است: که فرشتگان خود را در مورد تو امر خواهد کرد و آنها تو را به دست او خواهند گرفت، به طوری که هرگز پای خود را به سنگ نزنید. عیسی به او گفت: همچنین نوشته شده است: یهوه خدای خود را امتحان نکنید. دوباره شیطان او را به یک بسیار برد بالا؛ و تمام پادشاهی های جهان و جلال آنها را به او نشان داد. و به او گفت: همه اینها اگر سجده کن مرا عبادت کنی می دهم. سپس عیسی به او گفت: برو ای شیطان، زیرا او هست نوشته شده است: خداوند خدای خود را پرستید و فقط او را پرستید. سپس شیطان او را ترک کرد» مت. 4:3-11.

(2) ایمان: «در چهارمین نگهبانی شب، عیسی به سوی آنها آمد و بر روی دریا راه می رفت. و چون شاگردان او را در حال راه رفتن بر دریا دیدند، ترسیدند و گفتند: روح. و از ترس فریاد زدند. اما عیسی فوراً با آنها صحبت کرد و گفت: «خوش باشید شاد باش، من هستم، نترس. پطرس در جواب او گفت: خداوندا، اگر تو هستی مرا بفرست به بالای آنها نزد شما بیاید و گفت: بیا. و پتر از قایق بیرون آمد و راه افتاد بالای آب تا نزد عیسی برویم. اما با احساس باد شدید، ترسید. این است، شروع به فرو رفتن به ته، فریاد زد و گفت: پروردگارا، مرا نجات بده! و سپس عیسی، دستش را دراز کرد و او را گرفت و گفت: ای کم ایمان چرا شک کردی؟ مت.

14:25-31 در فرصتی دیگر در دعا ایمان کامل و تزلزل ناپذیر خود را به پدر ابراز کرد بهشتی در این کلام: «می‌دانم که همیشه مرا می‌شنوی، اما این را به خاطر این گفتم جماعتی که در اطراف ایستاده اند، تا ایمان آورند که تو مرا فرستادی.» یوحنا 11:42 «و عیسی به آنها گفت: هیچ پیامبری بدون عزت نیست مگر در کشور خود و در میان خویشاوندانش و در داخل خانه او... و از بی ایمانی آنان شگفت زده شد.» متی 6:4، 6 (سوم) دعا: «کسی که در ایام جسم خود با فریاد بلند تقدیم می‌کند و اشک و دعا و مناجات به کسی که او را از مرگ نجات دهد شنیده شد. 7:5 آ ادامه متن عبرانیان گواه دیگری بر انسانیت کامل عیسی است. او باید مانند همه ما یاد می‌گرفت: «اگرچه پسر بود، اطاعت را آموخت، زیرا چه رنجی برد» عبری. 8:5 و این تجربه را از دوران کودکی زندگی کرد، زیرا در مورد آن نوشته شده است: «و عیسی بر حکمت... نسبت به خدا و مردم» لوقا. 2:52.

معجزات حضرت عیسی

تلاش برای درک اینکه چگونه عیسی یک انسان بود درست مثل ما، و با این حال قادر به انجام معجزات بسیار، حتی برای برخی از صادقانه ترین افراد حیرت به ارمغان می‌آورد دانشجویان کتاب مقدس یوحنا نوشت: «اما چیزهای بسیار دیگری وجود دارد که عیسی او انجام داد؛ و اگر هر یک از آنها نوشته می‌شد، من فکر می‌کنم که حتی تمام جهان نمی‌تواند حاوی کتابهایی است که نوشته شده است.» یوحنا 21:25 با این حال، عیسی اعلام کرد: «در به راستی به شما می‌گویم، هر که به من ایمان آورد، کارهایی را که من انجام می‌دهم نیز انجام خواهد داد بزرگتر از اینها خواهد کرد، زیرا من نزد پدرم می‌روم.» یوحنا 14:21 او به صراحت اعلام کرد که همه اینها بحث ایمان است. ایمان داشت. معجزات توسط خداوند، از طریق فرشتگان، در پاسخ به ایمان انجام شد از عیسی. او یک بار به پیتر گفت: «یا فکر می‌کنی که اکنون نمی‌توانم برایش دعا کنم پدر من، و اینکه او بیش از دوازده لشکر فرشته به من ندهد؟» متی 26:53 شما کلمات، به مناسبت رستاخیز ایلعازر، نیز بر ایمان او گواهی می‌دهند: «و عیسی، چشمانش را به سمت بالا برد و گفت: پدر، از تو سپاسگزارم که مرا شنیدی. من خوبم می‌دانم که همیشه صدای من را می‌شنوی، اما این را به دلیل ازدحام جمعیت در اطراف گفتم، تا ایمان بیاورند که تو مرا فرستادی. و چون این را گفت، با صدای بلند فریاد زد: ایلعازر، بیا بیرون. و مرده در حالی که دست و پایش را باند و صورتش بسته بود بیرون آمد پیچیده شده در روسری عیسی به آنها گفت: او را رها کنید و بگذارید برود. یوحنا 44-41:11 مانند شواهد دیگری مبنی بر اینکه معجزات توسط ایمان عیسی انجام شده است و آنها می‌توانند همچنین توسط مردان دیگر انجام شود، ما داریم که الیاس، الیشع، پطرس و پولس، با ایمان، مردگان را زنده کرد (اول پادشاهان 17:22؛ دوم پادشاهان 14:32-36 اعمال رسولان (12-9:20؛ 41-39:9 الیشع

نان را زیاد کرد (دوم پادشاهان، 42-44: 4 و نعمان جذامی بوسیله او شفا یافت (دوم پادشاهان)
: (15، 14، 10، 9: 5 پطرس در حالی که ایمان داشت بر روی آب راه می رفت (متی، 14: 28-31) پل
او مردی را شفا داد که از بدو تولد لنگ بود (اعمال رسولان 10، 9: 14 و همچنین بیماریهای دیگر را شفا داد.
دیوها را بیرون کنید (اعمال رسولان، 12، 11: 19؛ 16: 18) «خدا به دست پولس معجزه کرد
فوق العاده است» (اعمال رسولان، 11: 19)
از آنجایی که عیسی از نظر توانایی و توانایی انسانی کامل بود
محدودیت های جسمی و روحی، وسوسه هایی که او متحمل شد مانند همه بود
ما موضوع هستیم «از آنجا که کودکان از گوشت و خون می خورند، او نیز
در همین کارها شرکت می کرد... برایش راحت بود که در همه چیز شبیه برادرانش باشد،
در آنچه از خداست، کاهن اعظم مهربان و وفادار باشد... زیرا در آن
که او خودش که وسوسه می شود، رنج می برد، می تواند به کسانی که وسوسه می شوند کمک کند» عب. 2: 14
18، 17: «ما یک کاهن اعظم داریم که ... مانند ما از هر نظر وسوسه شده است، اما بدون
پکادو" عبری 4: 15»

مظاهر الوهیت در انسان عیسی مسیح

موضوعی که همیشه هنگام مطالعه انسانیت مسیح باعث ایجاد شک و تردید می شود این است:
«چگونه می توان جلوه های ماوراء طبیعی الوهیت را که در زندگی عیسی رخ داد، آشتی داد
مسیح، با این واقعیت که او صد در صد انسان است؟» در این مجموعه مظاهر
تغییر شکل او و موارد دیگری هستند که اگرچه دقیقاً قابل طبقه بندی نیستند
مانند او، آنها معمولاً توسط مردم هستند.
اجازه دهید ابتدا تغییر شکل را تحلیل کنیم. در متی می خوانیم: «... عیسی را با خود برد
پطرس و یعقوب و برادرش یوحنا، و آنها را به طور خصوصی به کوهی بلند بردند،
او در برابر آنها مسخ شد. و چهره او مانند خورشید می درخشید و لباس او بود
مانند نور سفید شد.» متی 2، 17: 1
توصیفی که دانیال، وقتی او را دید، حدود پانصد سال پیش از آن ارائه کرد: «من خودم را بلند کردم
چشمانم را دیدم و اینک مردی کتانی پوشیده و کمرش به
طلای مرغوب اوفاز. و بدن او مانند بریل بود و صورتش مانند برق بود و
چشمانش مانند مشعل های آتشین بود و بازوها و پاهایش مانند می درخشیدند
برنز صیقلی؛ و صدای سخنان او مانند صدای بسیاری بود.» دان. 6، 5: 10
دانیال مدتها قبل از تجسم مسیح، یگانه زاده را دید. همزمانی توضیحات
نشان می دهد که تغییر شکل عیسی نمایشی بود که به شاگردان داده شد
او مسیحی بود که از آسمان فرستاده شد. آنها شکوهی را که او قبل از آمدن به زمین داشت، دیدند.
پطرس رسول به طور مثبت اعلام می کند که این خدا بود که به شاگردان این امر را داد

حرم آسمانی، اعلام کرد که چهره او «شبیهِ خورشید بود که در قدرتش بود

می درخشد» کشیش. 1:16

خانواده الهی

هنوز که با تغییر شکل سروکار داریم، می توانیم حقیقت مهمی را استخراج کنیم. قبلاً، پیش از این دیدیم که همه انسانهایی که روح القدس را دریافت می کنند، در واقع «قدیس» هستند. انسان تبدیل شده یا «انسان جدید» در عدالت و قدوسیت واقعی آفریده شده است» اف. 4:24 یعنی همه کسانی که خود را با مسیح و خدا متحد می کنند در مسیح شریک هستند تقدس کتاب مقدس اعلام می کند که فرشتگان نیز "مقدس" هستند: "و هنگامی که پسر خدا انسان در جلال خود می آید و همه فرشتگان مقدس با او می آیند...» متی 25:31 از این رو، خدا، مسیح، فرشتگان و انسان های تبدیل شده خانواده بزرگی را تشکیل می دهند مقدسین، موجوداتی که دارای قداست هستند. پولس به آن اشاره می کند که می گوید: «زیرا از این رو در برابر پدر خداوند ما عیسی مسیح که همه اوست زانو می ازنم خانواده در آسمان و روی زمین نام خود را به نام اف. 15، 14:3 توجه داشته باشید که در این متن از افسسیان، پولس اعلام می کند که «تمام خانواده» قدیسان نام پدر را می برند. خانواده خداست و در مزمور 82، او در مورد مردان تبدیل شده اعلام می کند: "شما خدایان هستید و همه شما فرزندان حق تعالی. با این حال، شما مانند مردان خواهید مرد، و مانند دیگران سقوط خواهید کرد از شاهزادگان» مزمور 7، 6، 82 این آیه اعلام می کند که همه اعضای خانواده مقدسین آنها «خدایان» یا شرکت کنندگان در خانواده الوهیت هستند. وقتی از بدن متولد شدند، بودند فقط اعضای خانواده بشریت با این حال، زمانی که خداوند ما را به فرزندی پذیرفت ما نجات دهنده عیسی مسیح را دریافت می کنیم. «و چون شما پسر هستید، خدا شما را فرستاد روح پسرش را قلب می کند و می گوید: ابا، پدر» Gal. 4:6 به روح القدس، قدوسیت را در جان ما کاشت و ما را شریک خانواده او قرار داد که قبلاً در آن هستیم مسیح، پسرش و فرشتگان متعلق به خانواده خدا بودند. به همین دلیل ما هستیم او را ترغیب کرد که خدا را پدر خود خطاب کند: «اینگونه دعا کن: پدر ما که هستی در آسمانها» متی 6:9 ما و فرشتگان از خاندان او هستیم، ما فرزندان او هستیم. O اصطلاح "شما خدایان" در مورد ما صدق می کند زیرا ما شریک الوهیت هستیم. ولی ما را خالق یا قدرتمند نمی کند، بلکه تأیید می کند که ما در آن مشارکت داریم حضرتعالی تقدس، به اصطلاح، «DNA» خانواده الهی است. برندی که اعضای خود را شناسایی می کند؛ که گواه شباهت او به پدر آسمانی است. این مفهوم خانواده به ما کمک می کند تا بیانیه دیگری از عیسی را روشن کنیم که این است به طور کلی به اشتباه تفسیر می شود، که منجر به تحریف حقیقت ایجاد شده توسط کتاب مقدس می شود درباره انسانیت کامل او این زمانی است که گفت: من و پدر یکی هستیم.

یوحنا 10:30 عیسی پس از بیان این جمله توسط یهودیان متهم به خودخواهی شد.

"خدا" را اعلام کنید. سپس با تطبیق آن بر خود و با همان معنا پاسخ داد

که در اینجا این اصطلاح را پیدا می کنیم: «شما خدایان هستید». با هم بخوانیم:

«من و پدر یکی هستیم. سپس یهودیان دوباره برای او سنگ برداشتند.

سنگ. عیسی به آنها پاسخ داد: «من بسیاری از کارهای نیک را به شما نشان دادم

از پدرم؛ برای کدام یک از این کارها مرا سنگسار می کنی؟ یهودیان پاسخ دادند و به او گفتند:

ما تو را به خاطر هیچ کار نیکی سنگسار نمی کنیم، بلکه به خاطر کفرگویی. چون تو بودن

مرد، تو خودت را خدا می سازی. عیسی به آنها پاسخ داد: آیا در شما نوشته نشده است؟

قانون: گفتیم: آیا شما خدا هستید؟ زیرا اگر شریعت خدایان را به سوی کسانی که کلام خدا خطاب به آنها بود فرا خواند و کتاب مقدس را نتوان

شکست، او را که پدر تقدیس کرد، و

فرستاده شده به جهان، می گوئید: کفر گویان، زیرا گفتیم: من پسر خدا هستم؟ یوحنا 10:30

36. عیسی خود را «پسر خدا»، عضوی از خانواده «خدایان»، یعنی از

خانواده الوهیت

خداوند نه تنها ساختار بلکه نظم سلسله مراتبی را نیز به ما نشان داد

خانواده خدا در کلام او. از مطالعه خانواده می توان فهمید

بشریت، زیرا «آنچه درباره خدا می توان شناخت در آنها تجلی می یابد، زیرا خداوند

به او بیان کرد. برای چیزهای نامرئی او از خلقت جهان، هر دو او

قدرت ابدی، مانند الوهیت او، توسط اشیا درک می شود و به وضوح دیده می شود

که ایجاد می شوند". Rom. 1:18-20

آغاز خانواده بشری در آفرینش آدم اتفاق افتاد: «و خداوند خداوند را پدید آورد

مردی از خاک زمین و نفس حیات در بینی او دمید. و انسان ساخته شد

روح زنده» ژنرال 2:7. او سپس حوا را از یکی از دنده‌هایش ایجاد کرد

در سطح سینه او: «سپس خداوند خدا خواب سنگینی بر آدم فرود آورد و او

خوابش برد؛ و یکی از دنده‌هایش را گرفت و گوشت را در جای خود بست. و دنده

که خداوند خدا از مرد گرفت و زنی را تشکیل داد و نزد آدم آورد. و گفت

آدم: این اکنون استخوانی از استخوان‌های من و گوشتی از گوشت من است. این نامیده خواهد شد

زن، زیرا از مرد گرفته شده بود. 23-21:2 آدم و حوا یکی بودند

طبیعت انسان. کتاب مقدس این را در پیدایش 1:5 آشکار می کند، زمانی که آنها را "آدم" می نامد.

به معنی مرد: «مرد و مؤنث آنها را آفرید. و آنها را برکت داد و نامشان را خواند

آدم» ژنرال 2:5 بنابراین، در خانواده بشری، آدم شخص اول و دوم بود.

حوا که در طبیعت و منش (انسان) برابر بود، زیرا هر دو از دستان بیرون آمدند

خداوند. سومین شخص بشریت قابیل بود: «و آدم حوا زنش را شناخت و

او آبستن شد و قابیل را به دنیا آورد و گفت: «مردی از خداوند پیدا کردم». 4:1

قابیل پس از سقوط آدم و حوا به دنیا آمد و به همین دلیل از نظر اخلاقی پست تر بود. علاوه بر این

علاوه بر این، او بعداً شورش کرد و برادرش را کشت (پیدایش 8: 4)

خانواده الهی از خاندان بشری شناخته می شود. نفر اول خانواده الوهیت خدا بود که به تنهایی در ابدیت دور وجود داشت: «از ازل تا ابد، تو خدا هستی» مزبور. 90:2 نفر دوم پسر مسیح است که از آن زاده شد آغوش خدا (یوحنا 17:8؛ یوحنا 1:18) در ایام ابدیت (میک. 5:2) که از یکسان هستند. طبیعت خدا و از نظر شخصیت و قدوسیت با او برابری می کند (فیلیسیان 6: 2) نفر سوم از خانواده الهی لوسیفر بود، کربوبی پوشاننده - موجودی مخلوق - و بنابراین از نظر اخلاقی پایین تر از پدر و پسر (حزقی 15-12: 28) او نیز مانند قابیل علیه خدا و غیره قیام کرد و بعداً پسر خود را به دست انسانها بر روی صلیب کشت. بنابراین، اولین شخص خاندان الوهیت خداوند است. دوم مسیح است. و سوم لوسیفر بود. او سقوط کرد و جبرئیل جای او را گرفت. چنانکه خودش وحی کرد: من جبرئیل هستم. که من در برابر خدا تماشا می کنم.» لوک. 1:19. جدول زیر یک جدول مقایسه ای از سلسله مراتب خانواده ها را ارائه می دهد

انسانیت و الوهیت

خانواده:	نفر 1	نفر دوم	نفر سوم
الوهیت	خداوند	مسیح	لوسیفر
بشریت	آدم	اوا	قابیل

جدول 1: مقایسه بین سلسله مراتب خانواده های انسانیت و الوهیت

در حالی که مشخصه انسانیت DNA موجود در سلول های بدن. DNA است خداوند تقدس یا عشق است. در مورد خدا و مسیح، تقدس است ذاتی ذات اوست در سوم شخص که مخلوق است، قدوسیت است توسط خدا و مسیح در روح شما کاشته شده است. در مورد لوسیفر و گابریل همینطور بود - فرشتگان را آفرید لوسیفر شورش کرد و قدوسیتی را که دریافت کرد از دست داد. بنابراین او متوقف شد متعلق به خانواده است جبرئیل وفادار ماند و او را نگه داشت و در او ماند. دیدن، پس مخلوقات با داشتن حرمت در خاندان الوهیت شرکت می کنند در روح کاشته شده است. اما این که آنها به خانواده تعلق دارند، آنها را به مقامی نمی رساند "خداوند"؛ بلکه فقط نشان می دهد که آنها شریک قدوسیت او هستند. در همین راستا عیسی مسیح هنگامی که روی زمین بود اعلام کرد: "من و پدر یکی هستیم" و این را با استفاده از متن «تو

شما خدایان هستید» (مزبور 82:6) چنین بیانی نشان می دهد که او دارای قداست است،

DNA خانواده الهی بود و جایگاه برجسته ای را در آن به خود اختصاص داد. وجود ندارد

رابطه با ادعای فرضی «خدا بودن» در این، او مثبت

در حالی که خود را توضیح می داد، اعلام کرد: "من پسر خدا هستم" یوحنا 10:36 یعنی شما بیانیه «من و پدر یکی هستیم» حتی وضوح مکاشفه او را خنثی نمی کند.

انسانیت کامل

اقتدار عیسی بر عناصر طبیعت

سؤال دیگری که در مورد انسانیت مسیح شک و تردید ایجاد می کند این است: چگونه می توان با این واقعیت که او حتی بر عناصر زمین نیز دارای قدرت بود، آشتی داد حقیقت کاملاً انسان بودن؟ نمونه آن موقعی است که حضرت فرمود تا بادها و دریا آرام شوند و اطاعت کردند. اما گنجی به وجود می آید فقط به این دلیل که آنها به آنچه کتاب مقدس آشکارا آشکارا می کند توجه نمی کنند. عیسی سرزنش کرد عناصر، نه از طریق نیروی ماوراء طبیعی ذاتی، بلکه از طریق ایمان. بیایید بخوانیم گزارش کنید: «و او به آنها گفت: ای کم ایمانان، چرا می ترسید؟ سپس، برخاستن، بادها و دریا را سرزنش کرد و آرامشی عظیم پدید آمد. و آن مردان تعجب کردند و گفتند: این چه آدمی است که بادها و دریا هم از او اطاعت می کنند؟ همراه با. 27، 8:26

شاگردان متوجه بلندی هایی که از طریق آن می توانستند به آن برسند، نبودند ایمان. یک بار عیسی به آنها گفت: «به راستی به شما می گویم، اگر به اندازه ذره ایمان دارید خردل، تو به این کوه خواهی گفت: از اینجا به آن طرف حرکت کن و خواهد گذشت. و هیچ چیز برای شما نخواهد بود غیرممکن است» متی 17:20 یوشع نیز با ایمان به ستارگان فرمان داد و آنها اطاعت کرد: «سپس یوشع در روزی که خداوند اموریان را داد، با خداوند سخن گفت به دست بنی اسرائیل رسید و در حضور بنی اسرائیل گفت: خورشید در آنجا بایست جبعون و تو ای ماه در وادی اجلون. و خورشید ایستاد و ماه ایستاد تا مردم ایستادند از دشمنانش انتقام گرفت آیا این در کتاب جاشیر نوشته نشده است؟ سپس خورشید متوقف شد در وسط آسمان، و او عجله ای برای ایستادن نداشت، تقریباً یک روز کامل... گوش دادن به خداوند بنابراین صدای یک مرد؛ زیرا خداوند برای اسرائیل جنگید.» یوشع 10:12-14

بنابراین عیسی با ایمان به باد و دریا دستور داد که پیروان او نیز می توانند با همین ایمان انجام دهند. به همین دلیل است که ایمان، که به عنوان هدیه ای از جانب خدا به ما تقدیم می شود (افس. 2: 8) "ایمان عیسی" است (مکاشفه 14:12 عیسی از طریق آن گفت: «هیچ

چیز

برای شما غیرممکن خواهد بود» (متی. 17:20)

بنابراین، با مطالعه چگونگی انجام معجزات شفا، رستاخیز، عیسی مردگان، اخراج شیاطین و دستور دادن به عناصر طبیعت،

ما نتیجه می گیریم که او آنها را با ایمان به انجام رساند - ایمان به قدرت پدرش - و این ایمان به ما تقدیم می شود. به عنوان هدیه ای از جانب خداوند؛ ما می توانیم آن را داشته باشیم و از طریق آن، تمام کارهایی را که او انجام می دهد، انجام دهیم متوجه شد. و عیسی گفت: «کسی که به من ایمان آورد، کارهایی را که من انجام می دهم نیز انجام خواهد داد

بزرگتر از اینها انجام خواهد داد، زیرا من نزد پدرم می‌روم.» یوحنا 14:12 به عبارت دیگر، خواهد شد به میزان بیشتری کار می‌کند. در حالی که خدمت شخصی عیسی بر روی زمین بود شاگردان او که محدود به یهودیه و اطراف آن است، باید انجیل را «به همه برسانند ملت، قبیله، زبان و مردم». Apoc. 14:7 بنابراین، آثار او، توسط او انجام شده است پیروان در تمام نقاط زمین به رضایت خداوند از خداوند شهادت خواهند داد پیام در گذشته، رسولان «رفتند و همه جا موعظه کردند». خداوند با آنها کار می‌کند و کلام را با نشانه‌های بعدی تأیید می‌کند.» مارس 16:20 و در حال حاضر، «این انجیل ملکوت در سراسر جهان موعظه خواهد شد به همه امتها شهادت دهید و آنگاه پایان خواهد آمد.» متی 24:14

دانش او از افکار مردان

با بازگشت به تجزیه و تحلیل زندگی عیسی، شایان ذکر است که اگر در تمام طول انجام شد عمق ممکن، شامل یک مطالعه بی پایان است که نوشتن را غیرممکن می‌کند از کتاب علاوه بر این، من ادعا نمی‌کنم که در این حد به تفاهم رسیده‌ام. با این حال، از از زوایایی که می‌توان موضوع را مورد بررسی قرار داد، متوجه هستم که پرداختن به آن مفید خواهد بود یکی دیگر - این واقعیت است که عیسی دانش افکار مردم را نشان داد. بسیاری آن را به عنوان دلیلی بر دانای کل (دانش همه چیز: دانستن همه چیز) می‌دانند و از آن به نفع استفاده می‌کنند.

ادعای او مبنی بر اینکه عیسی مسیح خداست. بنابراین در ادامه به بررسی آن می‌پردازیم.

اول و مهمتر از همه، شایان ذکر است که این باور در تضاد است. نه فقط مکاشفه مثبت کتاب مقدس در مورد اینکه خدا کیست و همچنین اعلامیه عیسی مسیح در مورد خودش پولس اعتقاد کلیسای حواریون را بر اساس دریافت شده توسط خود مسیح، به این کلمات: "اما برای ما یک خدا وجود دارد، پدر" من قرنیتان 8:6 و عیسی درباره او گفت: "من پسر خدا هستم" یوحنا 10:36 علاوه بر این، عیسی در دعا خطاب به او گفت: «و خدای تنها پدر اوست این حیات جاودانی است تا تو را که تنها خدای حقیقی هستی بشناسند.» یوحنا 17:3 با گفتن این مطلب، برای رسیدن به اصل مطلب، کتاب مقدس چندین بار می‌گوید: «عیسی، او را می‌داند فکر کرد، گفت: چرا در دل‌های خود بد می‌اندیشید؟ "او خوب می‌دانست اندیشه‌های تو!"؛ "اما عیسی که افکار آنها را می‌دانست به آنها گفت...»؛ «اما عیسی با دیدن افکار در دل آنها، کودکی را گرفت و او را تنها گذاشت.» (متی 9:4؛ لوقا 6:8؛ متی 12:25؛ لوقا 19:47) اگرچه این یک نمایش قابل توجه است از اعمال ماوراء طبیعی، زیرا انسانها افکار خود را نمی‌دانند همشهریان، کتاب مقدس نشان می‌دهد که خدا افکار انسان‌ها را نیز آشکار کرده است به پیروان مسیح بیایید حادثه‌ای را که با حنایا و سافیرا رخ داد، تجزیه و تحلیل کنیم

سعی کرد رسولان را فریب دهد: «اما شخصی به نام حنانيا با سافيرا زن، ملکی را فروخت و بخشی از قیمت را با علم به او نزد خود نگه داشت زن و مقداری از آن را برداشت و آن را پیش پای رسولان گذاشت. سپس پيتر گفت: حنانيا، چرا شیطان قلب تو را پر کرده است که به روح القدس دروغ بگویی، و آیا بخشی از قیمت ملک را حفظ می کنید؟ نگه داشتنش برای تو نبود؟ و، فروخته شد، خیر آیا در اختیار شما بود؟ چرا این نقشه را در دل خود شکل دادید؟ دروغ نگفتی مردان، اما به خدا... و پس از گذشت تقریباً سه ساعت، او زن که نمی دانست چه اتفاقی افتاده است، و پطرس به او گفت: به من بگو، آیا به آن فروختی؟ آن املاک؟ و گفت: آری پس. آنگاه پطرس به او گفت: چرا؟ آیا بین خود توافق کرده اید که روح خداوند را وسوسه کنید؟ اینجا پاهای که شوهرت را دفن کرد و تو را نیز خواهد برد.» اعمال رسولان. 9:1-5: به عبارت دیگر، کاری که عیسی مسیح انجام داد، پطرس نیز انجام داد. چطور پيتر آیا افکار حنانيا و سافيرا را می دانستید؟ او به وضوح اشاره کرد که ابزاری که آن را آشکار کرد «روح خداوند» بود. و کتاب مقدس نشان می دهد که همان روح خدا ابزاری بود که به عیسی در خدمت او کمک کرد: «برای او که خدا فرستاده سخنان خدا را می گوید. زیرا خدا روح را با اندازه به او نمی دهد.» یوحنا 3:34 و به همین دلیل است که این توانایی در شناخت افکار دیگران وجود دارد مردان در عیسی بسیار بیشتر از شاگردان او ظاهر شدند: «خدا روح را به اندازه‌ای به او نمی‌دهد». یعنی خداوند کمال خود را عطا کرد روح به عیسی بنابراین، توانایی عیسی در «خواندن» افکار مردان یک هدیه روح، که توسط خدا عطا شده است. این توانایی ذاتی و خاص او نبود، برای مردان دیگر قابل دسترسی نیست بنابراین، از طریق مثال‌های مختلفی که مطالعه کردیم، تأیید کردیم که عیسی بوده است کاملاً انسانی؛ به اندازه شما، من یا هر کس دیگری که در زمین ساکن است. او در همان زمین و در شرایط مشابه ما با وسوسه هایی روبرو شد. ما با همان وسایلی که در اختیار داریم با آنها مواجه شدیم و بر آنها غلبه کردیم: ایمان، دعا، و مطالعه کتاب مقدس، پس از آن. دریافت هدیه روح مقدس، داده شده توسط خدا

اقتدار عیسی مسیح

وقتی مالک همه چیز را رها می کند.

با وجود داشتن محدودیت‌های مرتبط با انسانیت کامل او، او هنوز بنابراین بین ما و عیسی تفاوتی وجود داشت که مربوط به اصل او بود. همه اولاد آدم از طریق اتحاد والدین خود به وجود می آیند که باعث پیدایش آن می شود جنینی که رشد می کند و نوزاد را تشکیل می دهد. اما در مورد مسیح اینطور نبود. تجسم او آغاز نبود، بلکه ادامه وجود او بود. سپس پسر خدا شد به گونه ای دیگر - دیگر بدنی شبیه پدرش ندارد - اما بدنی دیگر، در مخلوق، انسان (فیلیسیان ۲:۵، ۶) با این حال، او پسر خدا باقی ماند. جان باپتیست در مورد عیسی گفت: "و من دیدم و شهادت دادم که این پسر خداست." یوحنا 1:34.

اگرچه عیسی مسیح جلال و شکوهی را که داشت به عنوان ترک ترک کرده بود تنها مولود خدا در بهشت، اما پسر او باقی ماند، و به این ترتیب، داشتن همان حقوق کودک دانستن اینکه آنها چه بودند به ما امکان می دهد بفهمیم بهتر است عظمت فداکاری و خویشتنداری که او به خاطر ما انجام داد. یوحنا گفت: «همه چیز به وسیله او ساخته شد و بدون او هیچ چیز ساخته نشد ساخته شد» یوحنا 3: 1 همانطور که او همه کارها را انجام داد، پسر مالک قانونی بود - از اتم کوچک تا اتم بزرگترین سیارات و ستارگان؛ از حشره کوچک گرفته تا انسانها و فرشتگان - همه چیز از آن او بود. در همین راستا، پولس می افزاید: «خدا... در این روزهای آخر توسط پسر، با ما سخن گفته است. که وارث همه قرار داد و به وسیله او جهان را نیز ساخت.» «هر چیزی که در آسمان و زمین است به وسیله او آفریده شد... همه چیز به وسیله او و برای او آفریده شد» (عبرانیان 1: 1)

2کل. (1:16)

او که تماماً از آن او بود، بر همه چیز اقتدار داشت. فرشتگان، انسانها، حیوانات، گیاهان و اشیاء، همه چیز تابع دستورات او بود. بنابراین او می توانست به هر کسی دستور دهد چیز یا موجودی در این جهان هستی هر زمانی که بخواهد از او اطاعت می کنند. ولی از این اختیار استفاده نکرد، همانطور که نقشه ای که همراه با پدرش تنظیم شد، تعیین کرد که او باید خود را در معرض تمام محدودیت های خاص انسان قرار دهد. این امر نشان می دهد در گفتگو با پطرس، هنگامی که فرستادگان کاهنان او را دستگیر کردند: «پس چون نزدیک شدند، دست روی عیسی گذاشتند و او را دستگیر کردند. و اینک یکی از کسانی که با عیسی بودند، دست خود را دراز کرد، شمشیر خود را بیرون کشید و غلام بلند مرتبه را زد. کشیش، گوشش را قطع کن سپس عیسی به او گفت: شمشیر خود را غلاف کن. چرا همه کسانی که شمشیر را به دست بگیرند با شمشیر خواهند مرد. یا فکر میکنی من اینطور نیستم آیا اکنون می توانم به پدرم دعا کنم و او بیش از دوازده لشکر فرشته به من ندهد؟ پس چگونه کتاب مقدس که می گوید این باید اتفاق بیفتد تحقق می یابد؟»

متی 54-26:50 اگرچه به عنوان پسر خدا که بود، تمام اقتدار در آسمان و او روی زمین آمد تا در سرنوشت انسان سقوط کرده شرکت کند. برای مواجهه با گناه در همان زمین و موقعیتی که هر یک از ما باید با آن روبرو شویم. با این کار تبدیل می شد نه تنها نجات دهنده ما، بلکه نمونه ای است که همه ما می توانیم و باید دنبال کردن.

در این مرحله ارزش روشن کردن تفاوت بین قدرت و قدرت را دارد. کتاب مقدس آشکار می کند که تنها خدا، پدر، تمام قدرت را دارد. تعبیر قادر متعال، یافت بارها در کتاب مقدس، همیشه به او اشاره می کند. در اینجا چند نمونه آورده شده است: «اگر شما صبح زود خدا را می طلبید و از خداوند متعال رحمت می خواهید.» ایوب 5:8 «شاید راه های خدا را به دست آورید یا به کمال خدا برسید.

قدرتمند؟" ایوب 7:11 «دست خود را به سوی خدا دراز کرد و به حق تعالی عصبانی شد.» ایوب 25:15 «آنگاه از خداوند متعال لذت خواهی برد و صورت خود را بلند خواهی کرد برای خدا.» ایوب 26:22 «خداوند دلم را نرم کرد و خدای متعال مرا آزار داد.»

خوب 16:23 (نسخه کامل: پیدایش 28:3؛ یکسو. 6:3 شماره؛ 16، 24:4 ایوب 13:22؛ 13:3؛ 5:17؛ 2:40؛ 10:34؛ 2:13؛ 2:27 آپوک (7:16 کتاب مقدس جایی برای شک باقی نمی گذارد: خدا پدر قادر متعال است: «و من برای شما پدر خواهم بود و شما پسران و دختران من خواهید بود. خداوند متعال.» دوم قرنیتیان 6:18

هنوز در مورد این موضوع، در خور توجه ویژه، متن مکاشفه است، که در آن همان آیه در عین حال از خدا به عنوان قادر متعال و بره در حال خروج یاد می کند تفاوت این دو واضح است: «و من معبدی در آن ندیدم، زیرا خداوند معبد آن است. خدای قادر مطلق و بره.» آپوک 22:21 نکته: خداوند متعال است و عیسی مسیح "بره" است. بره قادر مطلق نیست، حتی اگر دریافت کرده باشد تمام قدرت در آسمان و زمین.

برخی در این موضوع سردرگم می شوند زیرا متن Apoc را اشتباه تفسیر می کنند. 8:1 «من آلفا و امگا هستم، آغاز و پایان، می گوید خداوند که هست و بود و خواهد آمد.

بیا ای قادر متعال.» آپوک 8:1 آنها فکر می کنند متن درباره مسیح صحبت می کند. اما یک خواندن نگاه دقیق به زمینه نشان می دهد که او به پدر اشاره می کند، به گفته او حق تعالی است «آنچه هست، چه بود و چه خواهد آمد». این عبارت به موجودی ابدی اشاره دارد که هرگز وجود داشته و نخواهد داشت: در حال (که هست)، گذشته (که بود) و در آینده (که بود) خواهد آمد. عیسی در همان فصل خود را کسی می داند که به وجودش پایان داد - کشته شد: «من هستم... آن که زنده است و کشته شد، اما اینک من تا ابد زنده هستم. آمین و من کلیدهای مرگ و جهنم را دارم.» آپوک 18، 17:1 به مقایسه توجه کنید:

و خواهد آمد (8:1 Apoc.)	عصر	خداوند متعال: (خدای پدر)
-------------------------	-----	--------------------------

من برای همیشه و همیشه زنده ام (Apoc. 1:18)	من کشته شدم	داخل بدن	عیسی (پسر)
--	-------------	----------	---------------

جدول 2: تفاوت بین "قادر متعال" و عیسی

بنابراین، «متعال» مکاشفه 8: 1 فقط می تواند پدر باشد.

پولس در عبرانیان 3: 7 از آن صحبت می کند، وقتی می گوید: "بدون پدر، بدون مادر، بدون شجره نامه،

داشتن آغاز روز و بدون پایان زندگی." این توصیف منحصرأ برای او قابل اجرا است.

عیسی، برعکس، یک پدر (خدا) و پایانی برای زندگی خود داشت (او بر روی صلیب درگذشت). بنابراین، پدر «هست

خداوند متعال، که بود، و که هست، و خواهد آمد.» آپوک 8: 4 نتیجه می گیرد،

زیرا، اگرچه مسیح از تمام قدرت برخوردار بود، اما او تمام «قدرت» را نداشت. قدرت"

به نظر می رسد که همانطور که مسیح در هماهنگی کامل با خدا عمل می کرد

دستورات توسط او پشتیبانی می شد. در عمل، آنچه مسیح گفت رخ می دهد زیرا

خدا با قدرت خود باعث خواهد شد که سخنان مسیح محقق شود. چه از

این در واقع اتفاق افتاد، همانطور که در ادامه این فصل خواهیم دید. با این حال، به منظور تسهیل

بباید ابتدا مفهومی را مرور کنیم که در فصول مورد مطالعه قرار گرفته است

قبلی، قابل اجرا برای مسیح از روزهای ابدیت.

مسیح «کلمه» یا «کلمه» بود که در خدا بود: «در ابتدا کلمه بود،

و کلمه در خدا بود» (یوحنا 1: 1، نسخه اصلی یونانی). «همه چیز بود

توسط او ساخته شد و بدون او هیچ چیز ساخته نشد.» و کلمه جسم شد" یوحنا 3: 1

18. آنچه کلام برای اندیشه است، مسیح برای پدر بود - اندیشه پدر

"کلامی". به عبارت دیگر، مسیح منادی بود، کسی که کلمات را اعلام کرد

و اراده پدرش. از این رو می فهمیم که وقتی در هفته آفرینش زمین،

خدا گفت: "نور باشد" ژنرال. 3: 1 صدایی که شنیده شد صدای مسیح بود.

یک واعظ کتاب مقدس گفت: «صدا از آن ماست، اما کلام از آن خداست». این یکی

این مثال رابطه نزدیک بین او و پسرش را نشان می دهد. کلمات از آن اوست، اما صدا

که آنها را منتقل می کند پسر است. کتاب مقدس موارد بسیاری را گزارش می دهد که این اتفاق افتاده است. این است

بسیاری از آنها این اتحاد بین پدر و پسر را هنگام خواندن چنین گزارش هایی درک نمی کنند،

با عجله نتیجه بگیرید: "مسیح خداست"، در حالی که در حقیقت وحی اشاره می کند

به معنای دیگر ما قبلاً نمونه ای از این را قبلاً در این کتاب بررسی کرده ایم - جلسه ی

موسی با مسیح در بوته سوزان. استوائو با اشاره به آن لحظه گفت:

«فرشته خداوند در بیابان کوه سینا در شعله آتش در میان

از یک بوته... گفتن، من خدای پدران شما هستم.» اعمال رسولان 32، 30: 7 و به وضوح

آشکار می کند که کسی که به موسی ظاهر شد، خدا نبود (اول قرنیتیان 6: 8 بلکه "فرشته" او، مسیح بود. و

مسیح پیام پدر را به عنوان منادی یا کلام ابلاغ کرد و گفت: «من هستم

خدای پدران...» از آن به بعد بفهمید که مسیح خود را "خدا" اعلام می کرد.

به منزله انکار شهادتی است که خودش وقتی به پدرش دعا کرد: «و زندگی

ابدی این است که تو را تنها خدای حقیقی و عیسی مسیح را بشناسند

که تو فرستادی.» یوحنا 17:3

برگردیم به اصل مطلب، می دانیم که عیسی، به عنوان پسر خدا، دارای قدرت بود

در مورد همه موجودات و عناصر موجود در جهان؛ اما کسی که تمام «قدرت» را داشت خدا بود.

با این حال، چون اراده او با اراده پدرش هماهنگی کامل دارد،

تمام دستورات او توسط عرش خدا پشتیبانی می شد. پدر به تصمیمات احترام گذاشت و

سخنان پسر که آنها را با قدرت خود به انجام رساند. عیسی مسیح گفت: «تمام اختیار

در آسمان و زمین به من داده شد.» متی 18:28 با این حال، تنها خدای پدر همه چیز بود

قدرتمند (مکاشفه 8: 4)

به دلیل اتحاد و هماهنگی نزدیک بین پدر و پسر، این کار دشوار است

بسیاری از موجودات، به ویژه انسان ها، تفاوت بین داشتن را تشخیص می دهند

تمام «اقتدار» و تمام «قدرت». اما وجود دارد. صدای مسیح کلمات را منتقل می کرد

خداوند: "نور باشد" (پیدایش 3: 1) اما قدرتی که نور را به وجود آورد قدرت خدا بود:

«خدا خداوند است که به ما نور داده است» مزمور 118:27 مسیح تمام اختیارات را دریافت کرد،

و خدا تمام قدرت را دارد که با عمل آن اقتدار پسرش را در همه حفظ می کند

کائنات. و به نوبه خود، پسر همیشه در هماهنگی هدف با پدر عمل می کند

نکته اینکه بتوانیم بگوییم: "من و پدر یکی هستیم" یوحنا 10:29 مسیح محبوب خدا بود،

(متی 17:3) کسی که خدا از رفتار او خشنود شد و بنابراین از کلامش لذت برد

خوشحالم که به مظاهر شگفت انگیز قدرت او افتخار می کنم. در همین راستا گفت

عیسی: «زیرا پدر پسر را دوست دارد و هر چه می کند و کارهای بزرگتر از آن را به او نشان می دهد

او اینها را به شما نشان خواهد داد تا تعجب کنید.» یوحنا 5:20

با بازگشت به در نظر گرفتن عیسی مسیح زمانی که او روی این زمین بود، متوجه می شویم که

بر اساس آنچه تاکنون مطالعه کرده ایم، که اگرچه او «قادر متعال» نبود، اما او

درست همانطور که پسر به او اقتدار نامحدودی را با حمایت خود خدا بر همه چیز داد

موجودات و عناصر جهان هستی با این حال، به دنبال برنامه ای که با پدرش موافقت شد،

هرگز نباید از آن به نفع خود استفاده کند. با این حال، با توجه به همه

تحقیر و رنجی که او باید متحمل شود و طبیعت انسان به آن تمایل دارد

دور شدن از رنج و سوسه بزرگی برای او خواهد بود تا از قدرت خود برای سبک کردن بارهای خود استفاده کند. مثل مورچه ای است که آنقدر

ضعیف است که تو

می توانست هر لحظه بر شما مسلط شود، مدام شما و شما را نیش می زد

باید بدون واکنش درد را تحمل می کرد. در این شرایط، به یاد داشته باشید که این امر بسیار آسان خواهد بود اگر

از شر درد خلاص شوید به همان اندازه که انداختن یک سنگریزه روی زمین و سوسه استفاده از قدرت شما را ایجاد می کند

برای خلاص شدن از شر مشکل تقریباً غیرقابل مقاومت. عیسی مجبور بود به طور مداوم الف

وسوسه ای از این نوع، اما در شدت بی نهایت. «او مورد تحقیر قرار گرفت و از همه بیشتر مردی که در میان مردم طرد شده، مردی غمگین و مجرب در کار. و به عنوان یکی کسی که چهره های خود را از او پنهان می کردند، او خوار شد و ما به او توجه نکردیم. به راستی که او ناتوانی های ما را بر خود گرفت و دردهای ما را به دوش کشید. درباره خودش؛ و او را مضروب و مظلوم و مظلوم پنداشتیم. اما او صدمه دیده بود به دلیل گناهان ما، و به دلیل گناهان ما درهم شکسته شده است. O عذابی که به ما آرامش می دهد بر او بود و با زخم های او شفا یافتیم. همه ما مثل گوسفند گمراه شدیم. هر کدام به بیراهه رفتند مسیر؛ اما خداوند گناه همه ما را بر او نهاده است. مظلوم بود و گرفتار شد، اما دهان خود را باز نکرد. همانطور که یک بره را به ذبح رساندند و به عنوان یک گوسفند قبل از قیچانش، پس دهانش را باز نکرد.» هست یک. 7-3:53

اعجاب، ای بهشت؛ در شگفت باشید ای مردان!

این نکته - و هنوز هم هست - کمتر توسط مردان درک شده بود. اما خوب بود توسط شیطان تشخیص داده می شود، که به وضوح توسط وسوسه های او درک می شود ارایه شده. در بیابان، عیسی چهل روز بدون غذا بود و رنج وحشتناکی را متحمل شد گرسنگی گفت: «اگر پسر خدا هستی، دستور بده که این سنگها بشوند در نان» متی 4:3. با توجه به آنچه ما مطالعه کردیم، این یک وسوسه واقعی برای عیسی بود. او این اختیار را داشت که آنها را به نان تبدیل کند. و او آن را می دانست. در دوره های او از در ارتباط با خدا، به او وحی شده بود که او کیست و چه مأموریتی داشت. O یوحنا رسول تأیید می کند: «عیسی، چون می دانست که پدر در دستان خود قرار داده است همه چیز، و از خدا آمده بود و نزد خدا می رفت...» یوحنا 13:3

شیطان جایگاه و جلال مسیح را در بهشت می دانست و بنابراین فهمید: بسیار بهتر از انسانها، قدرت وسوسه، بر پسر خدا، برای استفاده اختیار خود را برای سبک کردن بارهای او. این با اصراری که با آن نشان داده می شود در لحظات مختلف زندگی عیسی، به ویژه در آخرین لحظات، ارائه شد. چه زمانی او روی صلیب آویزان بود، در حالی که میخ ها دست و پایش را سوراخ می کردند طعنه هایی در گوش او جاری شد: "خودت را نجات بده و از صلیب پایین بیا."

اسفند 15:30 «شما که معبد را ویران می کنید و آن را در سه روز بازسازی می کنید، خود را نجات دهید. اگر پسر خدا هستی از صلیب پایین بیا... او دیگران را نجات داد و نمی تواند خود را نجات دهد. اگر او پادشاه اسرائیل است، اکنون از صلیب فرود آید و ما به او ایمان خواهیم آورد.» متی 27:40، 42 «مسیح، ای پادشاه اسرائیل، اکنون از صلیب پایین بیا تا او را ببینیم و ایمان بیاوریم.» مرقس 15:32

عیسی می توانست از صلیب پایین بیاید. می توانستم دستور بدهم که ناخن ها را بیرون بیاورند دستانش و به چوب صلیب که به آرامی روی زمین دراز بکشد و او را دراز بکشد. تا باعث درد او نشود؛ حتی می تواند به بدن انسانی خود دستور دهد، موجودی، تا بتواند خودش را بهبود بخشد و بلافاصله تمام زخم هایش را ببندد. می توانست

به همه دشمنان انسانی او و حتی شیطان دستور دهید که سکوت کنند یا حتی آنها را همانجا به اعدام محکوم کنید. زیرا «همه چیز را او و برای او آفریده است». سرهنگ 16:11 اما اگر او این کار را می کرد، ما را به سرنوشت خود رها می کرد - مرگ که همان است مزد گناه بنابراین، نمی توانست عقل و دل ما را جلب کند. نه او ما را با عشق تسخیر می کرد. در حکمت خدا، سخت ترین راه ترسیم شد - از صلیب فقط این می تواند شخصیت الهی را پر از عشق نشان دهد و یک بار - و برای همیشه - وفاداری مطلق همه مخلوقات را تسخیر کند. همانطور که نوشته شده است: "عشق رنج می برد، خوش خیم است... دنبال منافع خود نیست... همه چیز همه چیز را رنج می دهد، همه چیز را باور می کند، به همه چیز امیدوار است، همه چیز را تحمل می کند...» و «هرگز شکست نمی خورد» اول کور. 8:4-13 و چون اینجوریه در عین حال، گیرا، جذاب، شیوا، متقاعدکننده، قوی تا حدی است شهوت های شیطانی را فروکش کن و بر شر غلبه کن. دلیلش این بود که عیسی قبل از صلیب پایین نیامده بود جام اندوه و رنج را برای گناهانمان گرفت - و آن را نوشید تا اینکه مدفوع - که ما چنین رستگاری کامل، گسترده و کاملی از گناهان داریم که توسط چنین ارائه شده است فیض فوق العاده، برای شستن همه پلیدی ها و گناهان زندگی ما هنوز در حال تجزیه و تحلیل پیامدهای تصمیم برای رها کردن صلیب، باید، اگر عیسی آن را می گرفت، نافرمانی از فرمان خدا - گناه - می شد. زیرا «گناه تخطی از شریعت است» (اول یوحنا. 3:4) بنابراین، اگر در آنجا تسلیم می شد و نقشه رستگاری شکست می خورد. و نه تنها این - تا حکومت خدا باشد حفظ می شود، کلام او باید برآورده می شد: "نفسی که گناه می کند خواهد مرد" حز. 18:20 بنابراین، اگر عیسی کوچکترین انحرافی از فرمان خدا داشته باشد؛ از مسیر ذلت و رنجی که پدر ردیابی کرده است. اگر از صلیب پایین آمد، اگر حکومت خدا حفظ می شد، جان خودش از بین می رفت. بنابراین، نه بدون اینکه خسارات جبران ناپذیری به نقشه کامل وارد شود، فراری وجود داشت رستگاری و به خود مسیح. خدا و مسیح به خاطر ما همه چیز را به خطر انداختند! سپاس خداوند را! باز هم می گویم که آسان نبود. مبارزه ای که طول کشید تا او تا پایان فداکاری پیش رفت به بهترین وجه در کلمات گفته شده در شب قبل بیان می شود. هنگامی که گناه از گناه از جهان، و در نتیجه جدایی از ارتباط با خدا که به ارمغان می آورد، قرار گرفتند درباره او لکنت زبان گفت: «روح من تا حد مرگ بسیار اندوهگین است» ماریس. 14:34 پس پس از ورود به باغ جتسیمانی با خدا جنگید تا بر فریادها غلبه کند. از ذات انسانی او که با تمام انرژی خود از رنج دور شد. او برای اولین بار دعا کرد: «ای پدر، همه چیز برای تو ممکن است. این جام را از من بگیر اما نه آنچه من می خواهم، بلکه آنچه تو می خواهی.» ماریس. 14:36 جام ما نجات در دستان او می لرزید. چسبیدن با ایمان به قدرت پدرش، «رفتن بار دوم دعا کرد و گفت: پدرم، اگر این جام بدون من از من خارج نمی شود

بنوش، اراده تو انجام شود. و چون برگشت، آنها (شاگردان) را دوباره یافت

خواب؛ چون چشمانش سنگین بود. متی 26:42 در یک عالی

تلاش، به خدا چنگ زد. فریاد روحش این بود: تو را رها نمی کنم مگر اینکه تو بروی

برکت دادن «و باز آنها را گذاشت، رفت و برای بار سوم دعا کرد و همین را گفت

کلمات. متی 26:42-44.

این گونه است که عیسی، «با گریه و اشک فراوان، دعا و نیایش و

دعا به کسی که می تواند او را از مرگ نجات دهد، شنیده شد. 5:7 برنده شد، نه با اقتدار

که او به حق، به عنوان پسر خدا در اختیار داشت. اما به عنوان یک مرد، در موقعیت و محدودیت

مطلق های خاص طبیعت انسان به عبارت دیگر: با

وسوسه ها در موقعیتی مشابه ما هستند. و او را بسیار بزرگتر از

مال ما، به همان نسبت که مقام و اختیار او از ما برتر بود. و

بیشتر: او اطاعت کرد و نه تنها درد جسمی رنج را تحمل کرد

شلاق و میخ های صلیب. سنگینی گناهان تمام دنیا بر او بود،

زیرا «خداوند گناه همه ما را بر او نهاده است.» هست یک. 5:3 به عبارت دیگر، او برنده شد

گناه در معرض آزمایش های غیرقابل مقایسه سخت تر از هر یک از ما قرار گرفت

هرگز مواجه نخواهد شد. و او با استفاده از وسایلی که برای ما رایگان است پیروز شد

عرضه شده: کتاب مقدس، ایمان و دعا. در نتیجه می بینیم که «خداوند، او را می فرستد

پسری به مثابه جسم گناهکار... او گناه را در جسم محکوم کرد، آن را در انسان ها غیرقانونی اعلام کرد، «تا عدالت شریعت در ما که راه نمی رویم

تحقق یابد.

بر حسب جسم، اما بر اساس روح؛ یعنی بتوانیم در اطاعت قدم برداریم

چگونه او راه می رفت (روم، 4، 3، 8)

انسانیت کامل عیسی مسیح، همراه با قدوسیت کامل او و

مرجعیت یک رشته تحصیلی کاملاً پربار و پایان ناپذیر است. بنابراین، وارد شوید

دلایل دیگر، سلیمان در مورد او شهادت داد: "او کاملاً مطلوب است" کانت. 5:16

در نتیجه، قربانی باشکوه صلیب، دانش و آواز رستگاران خواهد بود.

برای تمام ابدیت «زیرا کلام صلیب برای هلاک شدگان حماقت است. ولی

برای ما که نجات یافته ایم، قدرت خداست.» اول قرن تیان 1:18 بنابراین، در حالی که

همانطور که برای تجزیه و تحلیل شخصیت عیسی مسیح از زاویه ای دیگر به جلو حرکت می کنیم، می دانیم که هنوز

ما اقیانوسی از عمق را برای مطالعه، از هر یک از جنبه های تا کنون، باقی می گذاریم

خطاب. و باید به گونه ای باشد که "تا هیچ جسمی در حضور او فخر نکند." اول قرن تیان 1:29

بنابراین، همه افتخار، جلال و ستایش برای همه شگفتی های دانش از

حکمت خداوند که تاکنون به ما عطا شده است، منحصر به فرد و

منحصراً به خدا و بره او، عیسی مسیح! با این اوصاف، ما به تحلیل خواهیم پرداخت

فصل بعد، دلایلی که از حق عیسی برای پرستش همه حمایت می کند

موجودات

فصل 10

حق عیسی برای پرستش همه مخلوقات

این موضوعی است که خیلی ها آن را درک نمی کنند. با استدلال صرف دور شد که به نظر آنها «منطقی» است، بسیاری فکر می کنند: فقط خدا را می توان پرستش کرد. بنابراین، اگر عیسی پرستش شد زیرا او «خدا» خواهد بود. آنها این کار را انجام می دهند زیرا دلایل آن را نمی دانند که ما باید آن را پرستش کنیم، در کتاب مقدس آموزش داده شده است.

کتاب مقدس می گوید که ما باید کسانی را که ما را آفریده اند پرستش کنیم: "ای بیا، عبادت کنیم و سجده کنیم. در برابر خداوندی که ما را آفرید زانو بزنیم." ص 95:6 فقط تو پروردگاری؛ بهشت را، بهشت آسمانها و تمام لشکرهايش، زمین و همه چیز را آفریدی هر چه در آن است، دریاها و هر چه در آنهاست، و تو همه آنها را زنده نگه میداری. و لشکر آسمان تو را می پرستند." چریش. 9:6 و پسر خدا خالق است، زیرا «همه چیز بود خلقت او» کول. 1:16.

ما نیز او را برای قدوسیتش می پرستیم: «خداوند را به زیبایی عبادت کنید تقدس؛ ای تمام زمین در برابر او بلرزید.» ص 96:9 توجه داشته باشید که آیه و تمام زبور، اشاره به «خداوند» است نه خدا. می گوید: «پروردگار را بپرستید». مسیح هم همین را داشت قدوسیت پدر، زیرا او «تصویر آشکار شخص خود» بود. 1:3. دلیل دیگری که ما عبادت می کنیم، نیکی و مهربانی اوست. دومی مربوط به این است که او به خیر ما می اندیشد. در متنی دیگر می خوانیم: «و جمیع بنی اسرائیل دیدند که آتش می آید و جلال خداوند بر آتش می آید خانه، روی سنگفرش با صورت به زمین تعظیم کردند و عبادت و ستایش کردند. خداوند، گفت: زیرا او خوب است، زیرا محبت او تا ابد باقی است.» دو کرون 7:3. ارمیا در مورد مسیح گفت: «خداوند با منتظران نیکو است او!» «خداوند صباپوت را ستایش کنید، زیرا خداوند برای او نیکو است مهربانی تا ابد پایدار است» لام. 3:25؛ 33:11. مسیح برای «عشق به خدا... در مسیح عیسی است» روم. 8:39 و «عشق... مهربان است» اول قرنتیان 13:4. بنابراین، مسیح، پسر خدا، دارای صفاتی بود که او را واجد شرایط می کرد پرستیده شده هنگامی که او تجسم یافت، از پسر خدا بودن دست برداشت. همان چیزی که بود باقی ماند -خالق همه چیز، به قدوس پدرش، نیکو و مهربان برای او موجودات اگر اینطور نبود، عیسی مسیح مجسم نمی شد. بنابراین، عیسی مسیح،

پسر انسان، او شایسته پرستش بود. و هر که ایمان آورد که عیسی مسیح است می‌توانست او را بپرستد بدون اینکه برای آن گناهی متحمل شود. اگر کتاب مقدس را به دقت تحلیل کنیم، متوجه خواهیم شد که شاگردان هنگامی که او را به عنوان مسیح، پسر خدا شناختند، پرستش کردند. آنها او را به عنوان پرستش نکردند "خدا": "عیسی شنید که او را بیرون کردند، و چون او را یافت، به او گفت: آیا به پسر ایمان داری؟ مال خدا؟ پاسخ داد و گفت: پروردگارا او کیست که به او ایمان بیاورم؟ و عیسی گفت: تو او را دیده ای و اوست که با تو سخن می‌گوید. گفت: پروردگارا ایمان آوردم. و دوستش داشت.» یوحنا 9:35-38 «سپس کسانی که در قایق بودند آمدند و او را پرستش کردند و گفتند: «تو واقعاً پسر خدا هستی.» متی 14:33 حتی در مورد

تسخیر شده - هنگامی که او را پرستش کرد، دیو که او را تسخیر کرده بود، او را پسر خداوند: «و چون عیسی را از دور دید، دوید و او را پرستش کرد. و با صدای بلند فریاد زد گفت: ای عیسی پسر خدای متعال، من با تو چه کار دارم؟ به خدا تو را وسوسه می‌کنم که مرا عذاب نده.» مرقس 7، 6:5 این روایات با آنچه که ما مطالعه کردیم هماهنگ است. همانطور که از کتاب مقدس دیدیم، لازم نبود که عیسی «خدا» باشد تا شایسته خدا شود. عبادت. او چنین بود، زیرا با وجود اینکه «خدا» نبود، این صفات را داشت واجد شرایط دریافت این ادای احترام از سوی مخلوقاتش. به همین دلیل خدایا خود دستور داد «دوباره چون اولزاده را به دنیا آورد...» و همه فرشتگان خداوند او را بپرست.» عبری 1:6

خدای پدر نیز دارای صفاتی است که او را شایسته پرستش می‌کند: او هست خالق، او مقدس است و خوش خیم است. کتاب مقدس نشان می‌دهد: «خدا که همه چیز را آفرید» افس. 3:9 «خدایا، پروردگاری که آسمانها را آفرید و آنها را گسترانید و زمین و آنچه را که تولید می‌کند گسترانید. چی به افرادی که در آن هستند، نفس عطا کن و به کسانی که در آن راه می‌روند روح بده.» هست یک. 42:5 «خدای خدایان را ستایش کنید. زیرا محبت او تا ابد پایدار است.» ص 2:136 و، به معنای مطلق، یا به معنای دقیق، خدا تنها خیر است: «عیسی به او گفت: چرا مرا می‌خوانی؟ خوب هیچ کس خیری نیست جز یکی که خداست.» مارس 10:18 آنچه به عنوان فهمیده می‌شود به این معنا که خداوند، ازلی، نخستین موجود موجود، منشأ خیر است. یکسان مسیح، که همان نیکویی پدر را دارد، زیرا در «تصویر صریح او خلق شد، شخص» (عبرانیان 1:3) را نمی‌توان به عنوان منشأ نیکویی در نظر گرفت. از زمانی که تولید شد، آنچه او از پدرش دریافت کرده است.

کتاب مقدس گواهی می‌دهد که وقتی عیسی در زمین سفر کرد، «بعضی گفتند او هست خوب» یوحنا 7:12 با این حال، همانطور که دیدیم، نیکویی در ابتدا در پدر بود، قبل از در ایام ابدیت پسر متولد خواهد شد. وقتی عیسی گفت: «هیچ کس نیکو نیست جز یکی که خداست» (مرقس 10:18) نشان داد که به معنای دقیق و مطلق، فقط پدرش خوب است.» مردها تمام حقیقت را برای خودشان نمی‌بینند. نیاز به بودن با مطالعه کتاب مقدس در مورد آن روشن شد.

بعلاوه، از همان قسمت مشخص است که عیسی به وضوح می خواست
تعارف مرد جوان ثروتمند را از خود منصرف کند که اگر دریافت شود مانع رسیدن او می شود.
قلب تو. مرد جوان گفت وگو را با گفتن این جمله آغاز کرد: «استاد خوب، چه کنم که به ارث برسم
زندگی ابدی؟» مارس 17:10 استفاده از صفت "خوب" به طور معمول منعکس کننده یک صفت است
سیاستی که به موجب آن شخصی مکالمه را با تعریف و تمجید از فرد برای به دست آوردن منافع خود آغاز می کند
مایل بودن. هدف محاسبه شده این بود که در عیسی پاسخی ایجاد کند که مناسب او باشد.
مطلوب اما عیسی از رفتار «صحیح سیاسی» پیروی نکرد. می خواستم برسم
قلب. اگر مرد جوان با قلبی کاملاً تسلیم به او ایمان داشت، عیسی
می توانست حرف او را به عنوان طبیعتی مشابه با دیگران دریافت کند
ایمانداران درباره او گفتند: "او خوب است" یوحنا 7:12 اما در آن لحظه آن را بپذیرید
قصد او برای آموزش به مرد جوان را تضعیف می کند. به همین دلیل است که او ستایش را منحرف کرد، اما این کار را از آن انجام داد
رفتاری مؤدبانه، عاشقانه، هماهنگ با شخصیت او. او ستایش را برای پدر فرستاد
فقط یکی که به معنای مطلق خوب است. با این حال، سخنان او نباید باشد
به عنوان اعتراف به این که او، عیسی، «خوب» نبود، تعبیر شد. معنی نیست
این یکی. گواه این امر این است که در فرصتی دیگر، خود عیسی این صفت را بر خود به کار برد.
گفتن، "من شبان نیکو هستم" یوحنا 14، 11:10
با بازگشت به نقطه مرکزی این فصل، می دانیم که عبادت به خدا و مسیح است - و نه هیچ کس دیگری. این چیزی است که کتاب
مقدس در مکاشفه 5:13 آشکار می کند: "و من همه را شنیدم
موجودی که در آسمان و زمین و زیر زمین و دریا و همه چیز است
آنچه در آنهاست، بگو: به کسی که بر تخت می نشیند - خدا - و به بره،
شکرگزاری و عزت و جلال و قدرت تا ابد ابد به جا آورید."
یک جزئیات باقی مانده است که باید روشن شود: اگرچه پدر و پسر مورد تحسین قرار می گیرند
از میان مخلوقات، فقط پدر به عنوان خدا پرستش می شود: «بیست و چهار پیر که
بر تختهای خود در حضور خدا نشستند و به روی خود افتادند و عبادت کردند
به خدا" Apoc. 11:16 فرشته به یوحنا پاسخ مثبت داد: "خدا را بپرستید" Apoc. 19:10
یوحنا همچنین شنید که عیسی «صدای خود را از تخت بلند کرد که گفت: ما را ستایش کن
خدایا تو و همه بندگانش و تو که از او می ترسی چه کوچک و چه بزرگ، و
صدای جمعی عظیم و صدای آبهای بسیار را شنیدم و
مانند صدای رعد بزرگ که می گوید: هاللوویا! اکنون خداوند خداوند قادر مطلق
توانا سلطنت می کند.» آپوک 6، 5:19 مزمورنویس اعلام کرد: «خدای خدایان را ستایش کنید. چرا
محبت او تا ابد پایدار است.» ص 2:136 بنابراین، اگرچه مسیح شایسته و
باید پرستش شود، ستایش عالی فقط به پدر است.
عیسی تعلیم داد که عبادت باید به خدا بازگردانده شود: «عیسی
او پاسخ داد: نوشته شده است: خداوند خدای خود را بپرستید و تنها او را بندگان کنید. متی 4:10
لوک 4:8 (کتاب مقدس ترجمه آمریکایی تجدید نظر شده و به روز شده). ما باید به فرقه مراجعه کنیم

خدای پدر، به نام عیسی. این همان چیزی است که کتاب مقدس تعلیم می دهد: «و هر کاری که انجام می دهید، باشد در گفتار یا عمل، آن را به نام خداوند عیسی انجام دهید و او را شکر کنید

خدای پدر." سرهنگ 3:17 خداوند متعال، ازلی، خود موجود، مخلوق، ناساخته، که منشأ همه چیز و همه است، پدر خداوند ما عیسی مسیح، باید ستایش عالی دریافت کند و این برای کوچک شمردن مسیح نیست. خب چه پسر خوبی به پدر خود به عنوان رئیس خانه احترام نمی گذارد و همیشه محبت می کند

آیا این بهترین صندلی در خانه است؟

در اینجا ارزش تکرار یک واقعیت را دارد: در این مورد خاص، تعلیم کتاب مقدس با این موضوع در تضاد است "منطق انسانی". عیسی بر اساس منطق "خدا" نیست. "یک خداست، پدر" اول قرنتیان 8:6 به یاد داشته باشیم که با پیروی از منطق اندیشه بشری هیچکس نجات نخواهد یافت. آن ها هستند "کتاب مقدس که می تواند شما را برای نجات عاقل کند" 2 تیم. 3:15 کتاب مقدس، و به تنهایی حاوی کلمات زندگی ابدی است. حقیقت این است که عیسی خدا نیست، با این حال، هنوز هم شایسته پرستش است. به عبارت دیگر، این که او «خدا» نیست، از او نیست یک نقص این تعلیم شخص او را کم نمی کند - بلکه طرح نجات و رستگاری را قرار می دهد قربانی ای که او و خدا در نور حقیقی او انجام دادند و تاریکی گمراهی را از بین برد و خرافاتی که مانع از آشکارتر شدن محبتی که آنها می کردند، شد.

درست مانند حق عبادت، امتیازات دیگری نیز برای عیسی وجود دارد که نشأت گرفته از آن است این واقعیت که برنامه رستگاری از ابدیت بر او متمرکز بوده است که برای مردم به خوبی درک نشده است. و با ناتوانی در درک آنها، بسیاری در مورد آنها اشتباه می کنند

ماهیت واقعی منجی او، ادای احترام به او که چنین نیست همسو با حقیقت در فصل بعد به یکی از آنها می پردازیم: اختیار عیسی برای بخشش گناهان

فصل 11

اختیار عیسی برای بخشش گناهان

«اکنون در یکی از آن روزها واقع شد که او تدریس می کرد و آنها آنجا بودند فریسیان و معلمان شریعت که از تمام روستاهای جلیل، یهودیه و اورشلیم و قدرت خداوند برای شفا با او بود. بعد عده ای آمدند

مردانی که فلج را روی تخت می آورند. و می‌خواستند او را بیاورند و پیشاپیش بگذارند عیسی. و چون به خاطر ازدحام جمعیت راهی برای آوردن او نیافت، به پشت بام رفت. روی تخت، بین کاشی‌ها، تا وسط، جلوی عیسی پایین رفتند. با دیدن ایمانشان، عیسی به فلج گفت: ای مرد، گناهانت آمرزیده شد. و کاتبان و فریسیان استدلال کردند و گفتند: این کیست که کفر می‌گوید؟ چه کسی می‌تواند ببخشد گناهان، اگر خدا نیست؟ اما عیسی که از افکار آنها آگاه بود، به آنها گفت: چه خبر آیا در دل خود استدلال می‌کنید؟ گفتن این که: گناهان شما آمرزیده شد، آسان تر است یا: برخی و راه برو؟ اما تا بدانید که پسر انسان دارد اختیار بخشش گناهان - به فلج فرمود: به تو امر می‌کنم: برخیز، بگیر تخت و برو خونه.» لوک 24-17:5 (ترجمه آمریکایی تجدید نظر شده و به روز شده).

جالب است بدانید که این دشمنان عیسی بودند که او را همراهی کردند اختیار بخشش گناهان با «خدا بودن». «کاتبان و فریسیان استدلال کردند، گفت: این کیست که کفر می‌گوید؟ اگر خدا نباشد چه کسی می‌تواند گناهان را ببخشد؟» در پاسخ، عیسی اتهامات آنها را تأیید نکرد. به آنها دلیل نمی‌آورد. قبل از، او به سادگی نشان داد که قدرت بخشش گناهان را دارد -

صرف نظر از پایه ای که بر آن بنا شده بود - درمان فلج.

بنابراین، اساس قدرت او برای بخشش گناهان را باید در جای دیگری جستجو کرد.

در کتاب مقدس قرار دهید تا در ارزیابی مسیح با منطق انسانی دچار اشتباه نشوید. این همان کاری است که در آینده انجام خواهیم داد.

کتاب مقدس نشان می‌دهد که «از آن خداوند، خدای ما، رحمت و بخشش است. زیرا ما بر ضد او عصیان کرده ایم.» دان. 9:9. اما خدا به پسر اختیار بخشش داد گناهان که به وضوح از سخنان او فهمیده می‌شود: «اکنون تا بدانی که پسر انسان بر روی زمین اختیار دارد که گناهان را ببخشد (سپس به او گفت فلج): برخیز، رختخوابت را بردار و به خانه برو.» متی 9:6. معجزه بود صرفاً دلیلی است که خداوند به او اختیار بخشیدن گناهان را داده است. آ

در مورد عیسی مسیح «همه انبیا شهادت می‌دهند که همه کسانی که در او هستند ایمان داشته باشید که آمرزش گناهان را به نام او دریافت خواهید کرد.» اعمال رسولان 10:43

اما این اختیار چیزی ذاتی در پسر نیست. عیسی اعلام مثبت کرد «تمام اختیارات در آسمان و زمین به من داده شده است.» متی 28:18. یعنی تمام اختیار (از جمله بخشش گناهان) از پدر سرچشمه گرفته و توسط او به پسر «داده شد». با اینکه عیسی "خدا" نیست، او این اختیار را دارد که گناهان را ببخشد زیرا خدا آن را به او داده است.

دلیل اعطای آن در سخنان فرشته به یوسف ظاهر می‌شود.

هنگامی که او تولد منجی را اعلام کرد: "و پسری به دنیا خواهد آورد و شما او را خواهید خواند نام عیسی؛ زیرا او قوم خود را از گناهانشان نجات خواهد داد." متی 1:21. به لحاظ رستگاری مشخص شد که عیسی با «حامل در بدن خود خواهد مرد

گناهان ما بر درخت است تا پس از مرگ بر گناهان خود زنده بمانیم
برای عدالت» 1پت. 24:2 عیسی این اختیار را دارد که گناهان را ببخشد زیرا، در برنامه
در مورد نجات، بیان شد که او مرگ لازم برای گناهان ما را خواهد پرداخت، و
به این ترتیب او برای ما آموزش خواهد گرفت. و با نگاهی به صلیب، نتیجه می‌گیریم که او که
مرد برای ما این شایستگی را دارد که از پدر بخواهیم که قربانی او معتبر باشد
گناهان هر که را بخواهد ببخشد. این امر در نامه جان تأیید شده است
که خدا "پسر خود را فرستاد تا کفاره گناهان ما باشد." اول یوحنا 4:10
اصطلاح «کفاف» مربوط به بخشش است. وقتی اسرائیل گناه کرد، موسی گفت:
«تو مرتکب گناه بزرگی شدی. اما اکنون نزد خداوند صعود خواهیم کرد. شاید کفاره گناهت را بدهم. 30:32 و او چنین کرد و این سخنان را
خطاب به خدا کرد: «اکنون،
این افراد با ساختن خدایان طلایی برای خود مرتکب گناه بزرگی شدند. اکنون گناه آنها را ببخش. اگر نه، مرا از کتابت که نوشته ای محو
کن.» خروج. 32، 32:31
بنابراین، خدا پسر خود را فرستاد تا به وسیله او گناهان را ببخشد. «و اوست
کفاره برای گناهان ما، نه تنها برای گناهان ما، بلکه برای گناهان ما
در سراسر جهان.» اول یوحنا 2:2
از طریق قربانی صلیب، عیسی این حق را به دست آورد که همه مردم را ببخشد:
«به اوج رفتی، اسارت را به اسارت بردی، هدایایی برای مردان و حتی برای
شورشیان» مزبور 18:68 و همچنین اختیار اعمال سود کامل را دریافت کرد
همه کسانی را که به او ایمان آوردند آمرزید. بنابراین، «کسی که به پسر ایمان دارد، حیات دارد
ابدی؛ اما کسی که به پسر ایمان نیاورد، حیات را نخواهد دید، مگر خشم خدا بر او
باقی.» یوحنا 3:36
از آنچه دیدیم چنین برمی‌آید که عیسی اختیار بخشش گناهان را دارد
زیرا او آن را از پدر دریافت کرد. و این در طرحی که برای رستگاری انسان ترسیم شده بود، تعریف شد.
عیسی از شکنجه‌های صلیب رنج می‌برد و گناهان همه ما را به دوش می‌گرفت. و از طریق
از این قربانی بی‌پایان، حق بخشش گناهان کسانی را که او به دست آورده‌اند، به دست می‌آورد
دلخواه. بنابراین تا زمانی که در انجام رسالت خود به خدا وفادار بود،
در طرح رستگاری، به موجب همین طرح، در اختیار باقی خواهد ماند
حق بخشش گناهان اعلامیه‌های بخشش او در زمان او اعطا شد
خدمت روی زمین و قبلاً صلیب، "پیش مزه" نعمت‌ها بود
با قربانی کردن او بر روی صلیب جلگه تحقق یافت. بیان یقین، که
خدا و او صاحب این بود که در رسالت خود کوتاهی نکند تا قربانی را تمام کند.
و از آنجا که بخشش گناهان تنها پس از آن انجام می‌شود
قربانی صلیب، تمام گفته‌های قبلی عیسی: «مال شما آمرزیده شده است
گناهان» نشانی از ایمان کاملی بود که او در پیروزی خود داشت. ایمان است
که او پیوسته به عنوان «هدیه گرانمای خدا» افس. 2:8 و اینکه ما

امروز به یاری خدا مطمئن خواهیم بود که فردا پیروز خواهیم شد. او بود پولس با داشتن این ایمان چنین اعلام کرد: «من متقاعد شده‌ام که نه مرگ و نه زندگی، نه فرشتگان، نه حکومت‌ها، نه قدرت‌ها، نه حال، نه آینده، نه ارتفاع، نه عمق، و نه هیچ موجود دیگری قادر نخواهد بود ما را از هم جدا کند از محبت خدا که در خداوند ما مسیح عیسی است.» رام. 39، 8:38 و همه پدرسالاران و پیامبرانی که قبل از اولین آمدن مسیح به زمین زندگی می‌کردند، از جمله که به بهشت برده شدند -خنوخ، موسی و الیاس -گناهانشان آمرزیده شد، و حتی ورود او به بهشت نیز با این ایمان تضمین شده است. باشد که ما هم دریافت کنیم! با بازگشت به موضوع ماهیت مسیح، می‌فهمیم که اقتدار او به بخشش گناهان او را «خدا» نکرده و به هیچ وجه از او حمایت نمی‌کند. تظاهر برخی به اشتباه پسر خدا را "خدا پسر" می‌نامند. او پسر خدا باقی می‌ماند. «خدای یکتا است، پدر» (اول قرنتیان، 8:6) اما هنوز مسیح تمام شایستگی بخشش را داشت، زیرا او برای گناهان ما مرد. نور از صلیب، هیچ کس، حتی خود شیطان، نمی‌تواند اقتدار عیسی مسیح را زیر سوال ببرد ما را ببخش از آنجایی که عیسی این حق را از طریق پیروزی بر گناه به دست آورد در سراسر وجود انسانی او، ارزش مطالعه چگونگی تعارض خارجی و درگیری درونی عیسی با گناه. و چون او نمونه ما بود، مطمئناً می‌توانیم از این مطالعه درس‌های ارزشمندی بگیریم که به ما در غلبه بر آن کمک می‌کند درگیری ما با شر در مرحله بعد این کار را انجام خواهیم داد.

فصل 12

تضاد بیرونی عیسی مسیح با گناه

کتاب مقدس به طور مثبت اعلام می‌کند که عیسی "از هر جهت مانند ما وسوسه شد" عبری. 4:15 و مانند ما با وسوسه روبرو شد. یعنی در همان زمین و در همان شرایط محدودیت‌های فیزیکی خود را در نظر بگیرید، استرسی که در معرض آن هستیم، به خصوص زمانی که تحت وزن خستگی ناراحتی روانی ناشی از نگرانی؛

درد رنج، شکست و تحقیر. همه این موقعیت های آزمایشی، مورد استفاده قرار می گیرد
شیطان سعی می کند ما را وادار کند که عصبانی شویم یا از مسیر آن منحرف شویم
احکام در جستجوی مزیت یا فرار از ضرر و رنج، عیسی
نیز رنج می برد. در اینجا چند نمونه آورده شده است: «سپس عیسی توسط روح به بیابان هدایت شد.
وسوسه شدن توسط شیطان.» متی 4:1 «و به مدت چهار روز توسط شیطان وسوسه شد و در آن
روزهایی که چیزی نخورد. و چون تمام کردند، گرسنه بود.» لوقا 4:2 «و اصلی
از کاهنان و کاتبان می خواستند او را بگیرند... و با مشاهده او فرستادند.
جاسوسانی که تظاهر به عادل بودن می کردند، او را با کلمه ای دستگیر کردند و به او تحویل دادند.
صلاحیت و قدرت رئیس جمهور. و از او پرسیدند و گفتند: استاد، ما این را می دانیم
خوب و درست سخن می گویی و درس می دهی و ظاهر آدمی را در نظر نمی گیری، بلکه راه خدا را با حق تعلیم می دهی. آیا خراج قیصر
برای ما حلال است یا خیر؟ و،
چون حيله گری آنها را فهمید، به آنها گفت: چرا مرا وسوسه می کنید؟ لوقا 20:19-23 عیسی
با گرسنگی، حيله گری شیطان و نفاق انسان ها روبرو شد. برای: «در آنچه او
اگرچه او وسوسه شد و رنج کشید، اما می تواند به کسانی که وسوسه می شوند کمک کند.» عبری 2:18
نمی توان گفت که ما به طور خاص، درگیری متفاوت از آن داریم
با مسیح روبرو شد پیش از این، واضح است که آزمایش او بسیار برتر از آزمون ما بود.
به سخنان او که در باغ جتسیمانی گفته شد توجه کنید: «روح من است
عمیقا غمگین تا حد مرگ؛ اینجا بمان و تماشا کن.» ماری 14:34 «و او از آنها دور شد
در مورد یک پرتاب سنگ؛ پس زانو زده، دعا کرد و گفت: ای پدر، اگر می خواهی بگذر
این جام از من است. با این حال، نه اراده من، بلکه خواست تو انجام شود... و بگذار
عذاب، با شدت بیشتری نماز می خواند. و عرق او مانند قطرات درشت شد
خونی که روی زمین دید.» لوقا 22:44 در جتسیمانی، عیسی زیر آن تعظیم کرد
سنگینی گناه همه گناهان مردان پیش بینی تضاد تلاش او با
اشعیا پیشگویی کرد: «بسیاری از دیدن او شگفت زده شدند، زیرا ظاهر او چنین بود.
مسخ شده، بیش از هر کس دیگری، و چهره او بیشتر از دیگران
پسران مردان.» هست یک. 52:14 گویی این کافی نبود، فعالیت شیاطین در طول
خدمت مسیح شدیدتر از هر زمان دیگری در تاریخ بود. در
در عهد عتیق، اشاره های نادری از فعالیت شیاطین وجود دارد
عذاب دادن مردم یکی از معدود موارد، مورد شائول است: «روح خداوند
او روح پلید را از شائول دور کرد و روح پلید او را عذاب داد.» اول سام. 16:14 از سوی دیگر،
اناجیل موارد متعددی از برخورد عیسی با شیاطین را ارائه می دهد.
مانند گذارن ها، لال، پسر دیوانه، دختر زن سیروفونیقی، در میان
برخی دیگر: «و چون به آن سوی، به ایالت جرگزینیان رسیدند، به آنجا رفتند
دو جن زده را می بینم که از قبرها می آیند. آنها آنقدر درنده بودند که هیچ کس
من می توانستم از آن راه بروم. و اینک فریاد زدند و گفتند: ما با تو چه کار داریم؟

عیسی پسر خدا؟ آیا شما به اینجا آمده اید تا قبل از زمان ما ما را عذاب دهید؟ و او در حال چرا بود دور از آنها گله ای از خوک های بسیار. و شیاطین او را التماس کردند و گفتند: اگر تو ما را بیرون می کنی، اجازه می دهی وارد آن گله خوک شویم.» متی 8:28-31، و، وقتی رفتند، مردی لال و جن زده نزد او آوردند. و اخراج شد شیطان به لال گفت» متی 9:32، 33، و عیسی شیطان را که از او بیرون آمد سرزنش کرد. و از آن ساعت پسر شفا یافت.» متی 17:18، سپس به او گفت: با این سخن، برو شیطان قبلاً دختر شما را ترک کرده است. و وقتی به خانه اش رفت، دخترش را دید که روی آن دراز کشیده است تخت، و اینکه شیطان قبلاً رفته بود.» مرقس 30، 7:29، و در کنیسه آنها یک مردی با روح ناپاک که فریاد زد: آه! که با تو داریم، عیسی ناصری؟ اومدی نابودمون کنی؟ من می دانم که تو کیستی: قدوس خدا. و او را سرزنش کرد عیسی گفت: ساکت باش و از او بیرون آی. سپس روح ناپاک او را تشنج کرد و با صدای بلند فریاد زد و از او بیرون آمد... و بسیاری از بیماران را شفا داد بیماری های مختلف، و بسیاری از شیاطین را بیرون کرد، اما او اجازه نداد شیاطین، زیرا او را می شناختند... و در کنیسه های آنها در سراسر جلیل موعظه می کرد و دیوها را بیرون کن.» مرقس 39، 34، 26-23:1

از گزارش های کتاب مقدس در زمان های قبلی و بعدی ما متوجه می شویم که هرگز فعالیت اهریمنی به همان اندازه که در زمان خدمت عیسی بر روی زمین وجود داشت، وجود داشت. پس می توان گفت که همه نیروهای شر دور هم جمع شدند و شروع کردند نبرد با مسیح، به دنبال غلبه بر او. همه چیز برای شیطان در خطر بود. اگر او شکست می خورد، مسیح پیروز می شد قدرت قضاوت او و انداختن او به دریاچه آتش، برای پیروزی حاصل از زندگی اطاعت و به دنبال آن مرگ بر صلیب. رستاخیز او دلیلی بر پیروزی و پیروزی او خواهد بود تضمین می کند که او حتی خود شیطان را نیز قضاوت خواهد کرد. کتاب مقدس در چندین مورد بر این امر گواهی می دهد آیات: «خدا... روزی را تعیین کرده است که در آن جهان را به عدالت داوری خواهد کرد. از طریق مردی که مقدر کرده بود. و از این امر برای همه مطمئن شد و او را از میان مردم برانگیخت مرده." اعمال 31، 17:30، 31، «فرشتگانی که گناه کردند» «برای داوری محفوظ بودند» (2) پطرس. (4) 3: که توسط مسیح انجام خواهد شد، زیرا "پدر... تمام قضاوت را به پسر داد... و به او داد قدرت اجرای داوری، زیرا او پسر انسان است.» یوحنا 27، 5:22 یعنی خدا داد مسیح تمام قضاوت را دریافت می کند زیرا او انسان شد و به این ترتیب بر گناه و شیطان غلبه کرد. یوحنا گزارش می دهد که هنگام نزدیک شدن عیسی، فرشتگان خدا را دید که می گویند طومار حاوی صحنه هایی از آینده تا مجازات نهایی شیاطین را باز کنید: «شایسته تو باید کتاب را بگیری و مهرهای آن را باز کنی، زیرا کشته شدی و با خونت برای خدا مردانی از هر قبیله و زبان و قوم و قوم خریدی. 9:5 می دانستند که همه چیز برای آنها، شیطان و شیاطینش در خطر است آنها تمام تلاش خود را کردند تا مسیح را شکست دهند. درگیری بیرونی عیسی با گناه

این بسیار بیشتر از رسالت ما بود که اهمیت مأموریت او بیشتر بود. بیشتر تا جایی که قابل مقایسه نیست بنابراین، شدت وسوسه هایی که رنج مسیح در تجربه هیچ فانی دیگری بی نظیر است. تنها نکته که در آن تضاد بیرونی او را می توان با ما برابر دانست، در مورد ماهیت آن است وسوسه ها این همان چیزی بود که برای ما اتفاق افتاد - به شدت تحت فشار قرار گرفتیم تا اقدام کنیم بر خلاف خواست خدا، و مقاومت کنید.

اسرار پیرامون این درگیری حیرت آور بخشی از چیزهایی است که باید انجام شود که حتی "فرشتگان نیز تمایل دارند به آن نگاه کنند". 1 Pet. 1:12 و ما مردان می توانیم و ما باید - با احترام - به آنها توجه کنیم. این مکاشفات شگفت انگیزی را برای ما به ارمغان خواهد آورد توانایی خدا برای رهایی از همه شرارت و همچنین محبت او به ما. زیرا قدرت او که در پاسخ به دعای ایمان او به مسیح داده شد، بود به اندازه ای است که او را قادر می سازد بر همه وسوسه ها غلبه کند، این وسوسه ها در شدت که خود ما هرگز دچار آن نخواهیم شد، مسلم است که با کمک همین قدرت، در به دعای ایمانی ما پاسخ گوئید، ما پیروز خواهیم شد.

و این ایمانی که بر قدرت غلبه می یابد چیزی نیست که بتوانیم یا باید تولید کنیم. این «هدیه خدا» است (افس. 2:8) هدیه ای که او داده است!

ما می توانیم این هدیه را بپذیریم و از طریق آن بر همه وسوسه ها غلبه کنیم. پیروزی از آن ماست! همانطور که پولس گفت: "در همه این چیزها ما به واسطه او بیشتر از پیروز هستیم که ما را دوست داشت." رام 8:37 آمین!

با بازگشت به تحلیل درگیری که عیسی مسیح با آن روبرو شد، چگونگی آن را بررسی خواهیم کرد این تضاد درونی او در برابر تمام فشارهای بیرونی بود که شیاطین و شیاطین متحمل شدند مردان بد - در فصل بعدی.

فصل 13

تضاد درونی عیسی مسیح با گناه

تحلیل تضاد درونی عیسی مسیح با گناه بر اساس این است مفهوم کتاب مقدس که عیسی انسان بود، نه خدا. اگر خدا بود نمی شد وسوسه شده، زیرا کتاب مقدس می گوید: «هیچ کس در حالی که وسوسه می شود، نمی گوید: من توسط خدا وسوسه شده ام. چرا خدا را نمی توان با شر وسوسه کرد» عمه. 11:13 اگر عیسی "خدا" بود، مانند بسیاری قصدش این است که هیچ تعارض درونی با گناه نداشته باشد و نکند

منطقی است که همان را مطالعه کنید. با این حال، هنگامی که ثابت شد که مسیح عیسی «انسان» است (I تیم 2:5) ما می بینیم که این موضوع یک زمینه پربار است و برای مطالعه باز است. ما قبلاً دیدیم که عیسی "در همه موارد مانند ما وسوسه شد، اما بدون گناه" عب. 4:15. کتاب مقدس توضیح می‌دهد که چگونه ما وسوسه می‌شویم: «اما هرکس وقتی کشیده می‌شود وسوسه می‌شود فریب شهوت خود را خورد.» عمه. 14:1 نتیجه اجتناب ناپذیر این است که او بود "کشیده شده توسط شهوت خود." این عبارت ممکن است قوی و یکنواخت به نظر برسد برای بسیاری از مسیحیان پوچ است. شاید آنها می‌گفتند: «چطور می‌توانیم فکر کنیم که این آیا پسر مقدس خدا شهوات جسمانی داشت؟» اما نتیجه این رسوایی است عدم درک صحیح کتاب مقدس واقعیت این است که کلمه "شهوت" است مربوط به حرص و طمع به مادیات و میل به لذت های نفسانی است. با این حال، تجزیه و تحلیل دقیق تر نشان می‌دهد که معنای اصلی نیست به طور خاص این یکی کلمه ای که به «شهوت» ترجمه شده است، اپیتیمیا است. و در ظاهر می‌شود اکثر آیات، به عنوان "طمع" ترجمه شده است. این به معنای آرزوی حرام است. بنابراین مترادف با "اراده" است. که عیسی به عنوان یک انسان دارای آن بود

امیال متفاوت با اراده پدرش، از چند قسمت مشهود است. او گفت:

"زیرا من از آسمان نازل شدم، نه برای انجام اراده خود، بلکه اراده کسی که برای من بفرست." یوحنا 6:38 و نیز: «ای پدر، اگر می‌خواهی، این جام را از من بگیر. با این حال نه اراده من، اما تو، انجام شود.» لوقا 22:42 در اینجا شباهت او را با خود می‌بینیم. ما هم اراده‌هایی داریم که با اراده خدا همسو نیست و ما را برآورده می‌کند بر آنها غلبه کنید - مانند عیسی آنها را به پدر تسلیم کنید.

از این مکاشفه می‌توانیم تعارض درونی عیسی را بهتر درک کنیم

گناه. تا حدی، دشمنی قلب او با گناه طبیعی بود. چون او بود

پسر خدا مجسم شده است. بنابراین، او همان قداست و بی‌زاری از شر را داشت

قبلاً تسخیر شده، در بهشت بودن. او «قدیس» بود و وقتی تجسم یافت نمی‌توانست چنین باشد زیرا اگر چنین نبود، او نمی‌بود.

با این حال، تا حدی درگیری درونی او با گناه دقیقاً مانند ما بود -

او خواسته‌هایی داشت که با خواست خدا متفاوت بود و کنترل آنها بر عهده او بود.

دلیل متداولی که چرا بسیاری در برابر فکری که عیسی خواهد داشت مقاومت می‌کنند تمایلات گناه آلود داشت، اگرچه کتاب مقدس به وضوح چنین می‌گوید، اما نتیجه گیج‌کننده است "میل" با گناه. میل، یا اراده جسم، در صورتی که چنین نباشد به گناه تبدیل می‌شود

تحت سلطه یعنی وقتی از او استقبال و نوازش می‌کنیم. نوشته شده است: «پس طمع، بعد از آبتن شدن، گناه را به دنیا می‌آورد» عمه. 1:15 همانطور که لوتر گفت: «نه ما می‌توانیم جلوی پرواز پرنده‌گان را بگیریم، اما می‌توانیم متوقف شویم

بگذار روی آنها لانه بسازند. بنابراین ما نمی‌توانیم خود را از بودن رها کنیم

وسوسه می‌شویم، اما می‌توانیم بجنگیم تا در وسوسه نیفتیم.» در مورد عیسی، اگرچه

میل یا تمایل به خروج از راهی که خداوند به آن اشاره کرده بود وجود داشت، او چنین نبود به او تسلیم شد بلکه تا سر حد خون در برابر او مقاومت کرد و گفت: پدر، اگر می خواهی این را از من دور کن. جام؛ با این حال، نه اراده من، بلکه خواست تو انجام شود... و در عذاب، بیشتر دعا کرد به شدت و عرق او مانند قطرات خون بزرگی شد که به سمت آن سرازیر شد کف." لوک 44، 22:42 عیسی غلبه کرد، «تقدیم با گریه و اشک فراوان، دعا و نیایش برای کسی که او را از مرگ رهایی بخشد» و «او شنیده شد... با اینکه پسر بود، اطاعت را از رنجی که کشید آموخت.» عبری 8، 7:5 و او توانست بگوید: «نزدیک بیا شاهزاده این جهان است و چیزی در من نیست.» یوحنا 14:30 شیطان پیدا نکرد هیچ دلیلی برای پذیرش وسوسه های آنها در ذهن مسیح وجود ندارد. به همین ترتیب شیطان و شیاطین او دائماً هستند و به روش های مختلف، گناه را به ما القا می کند، سعی می کند "میل" را به ما القا کند از خواست خدا دور شوید او این کار را در سفر پیدایش با حوا انجام داد زن: مطمئناً نخواهی مرد. زیرا خداوند می داند که روزی که آن را می خورید چشمان شما باز خواهد شد و مانند خدا خواهید بود که نیک و بد را می شناسید. و زن را دید که درخت برای غذا خوب و چشم نواز و درختی مطلوب برای آن بود درک کردن مقداری از میوه آن را گرفت و خورد. 6-4:3 در واقع، هیچ چیزی در آن وجود نداشت میوه درخت ممنوعه «مطلوب الفهم». در حال فریب خوردن، حوا او شروع کرد به دیدن چیزی که در میوه وجود نداشت. شیطان میل به خوردن را در او الهام کرد میوه. «پس طمع پس از آنکه آستن شد، گناه می آورد» عمه. 15:1 و او او خورد. و این روند تا به امروز تکرار می شود، به طوری که ما نمی توانیم از آن جلوگیری کنیم آرزوها در ذهن ما ظاهر می شوند با این حال، ما می توانیم آنها را تحت سلطه خود قرار دهیم مسیح، ما را به اراده خدا تسلیم کرد، دقیقاً همانطور که او انجام داد. می توانیم بگوییم به خداوند: «نه اراده من، بلکه خواست تو انجام شود.» «و کسانی که به مسیح تعلق دارند مسیح را مصلوب کردند گوشت با علائق و امیالش.» گال. 5:24 موضوع تضاد درونی با گناه را می توان بیشتر مورد بررسی قرار داد عمق، به منظور شفاف سازی بیشتر موضوع و در عین حال آشکارسازی تفاوت های ظریف جدید نور بیابید دوباره متن را در نظر بگیریم: «خدا را نمی توان وسوسه کرد برای شر» عمه. 13:1 او نتیجه آشکاری را ارائه می دهد که از این واقعیت حاصل می شود که او همان است خالق جهان. از آنجا که او خالق و مالک است، خداوند پادشاه جهان و اراده اوست این قانون برای همه موجودات است. او آن را در شریعت ده فرمان آشکار کرد. است در رومیان 7:13 کتاب مقدس می گوید که شریعت "خوب" است. اگر قانون "خوب" است، شکستن آن "خوب" است بد به عبارت دیگر، شر گناه است. به عبارت دیگر، خیر تحقق اراده است از خدا و شر در تضاد با آن است. غیرممکن است که خدا وسوسه شود که بر خلاف میل خود، که همان است، عمل کند خوب پس محال است که او با شر وسوسه شود. اعتراف به اینکه او می تواند باشد

وسوسه انگیز است که تصور کنیم خدا می خواهد برخلاف میل خود عمل کند. حالا، ما ما خودمان هرگز ذاتاً مایل نیستیم کاری را انجام دهیم که برخلاف میل ماست. و ما رفتیم ساخته شده «شبه خدا» پیدایش. 1:26

همه اینها ممکن است در ابتدا صرفاً استدلال الهیاتی به نظر برسد، اما اینطور نیست. به پیامدهای این درک بسیار زیاد است و عمق عشق را آشکار می کند فقط از نوری که از کالواری می آید به درستی می توان آن را درک کرد. بیا بریم قبل از اینکه بتوانیم بیشتر به این معما بپردازیم، حقایقی را مشخص کنیم. فداکاری از صلیب تحقق اراده خدا بود: "خدا پسر خود را به جهان فرستاد... تا جهان به دست او نجات یابد." "تا به وسیله او زندگی کنیم." (یوحنا 3:17؛ اول یوحنا 4:9). او تحقق شریعت بود، که بیان اراده اوست. و اجرای شریعت عشق است» روم. 13:10

با توجه به مطالب بالا، ما می فهمیم که خدا با دیدن پسرش بر روی صلیب، رنج های زیادی کشید. اما من هیچ تمایلی نداشتم که او را از آنجا بیرون بیاورم. نه به این دلیل که او پسرش را دوست نداشت - اینطور است واضح است که او او را دوست داشت - اما «خدا آنقدر جهان را دوست داشت که پسر خود را داد یگانه زاده تا هر که به او ایمان آورد هلاک نشود بلکه حیات جاودانی داشته باشد.» یوحنا 3:16. او نمی خواست پسرش را از روی صلیب بردارد، حتی اگر او برای دیدن او زجرهای غیرقابل توصیفی کشید آویزان در آنجا به این دلیل که او ما را دوست داشت و می خواست ما را نجات دهد. ما می توانیم این مکاشفه را کمی بیشتر بررسی کنیم و آن را از روی تحلیل کنیم با ما قابل مقایسه است، زیرا ما به «شبه خدا» ساخته شده ایم (پیدایش 1:26). ما نداریم هیچ تمایلی طبیعی برای رفتن بر خلاف میل خود نداریم. همینطور خدا نمی کند من هیچ تمایلی نداشتم که این قربانی باشکوه و هیبت انگیز را قطع کنم. قبل، بدون بدون حتی پلک زدن، او مصمم بود که آن را به طور کامل انجام دهد. هنگامی که عیسی، در جتسیمانی از سنگینی بار گناهان تمام جهان عذاب کشید و گفت:

«ای پدر، اگر ممکن است، این جام را از من بگذر. با این حال، آنطور که من می خواهم نباش، اما همانطور که تو می خواهی» (متی 26:39). خدا جام را از دست خود برنداشت. بلکه به او داد قوت نوشیدن آن: «و فرشته ای از آسمان بر او ظاهر شد و او را تقویت کرد». لوک 22:43. مقدار کمی بعدها، زمانی که عیسی با بدنش که به صلیب میخ شده بود آویزان شد، همه توهین ها به آن اشاره شد شیطان و شریانی که بر پسرش انداخته بودند، در خدا بیدار نشدند تمایل کمتری برای حذف او از آنجا، زیرا ما را بدون امید به نجات رها می کند. خودش است ما را دوست داشت ؛ من نمی خواستم ما را از دست بدهم. "هر هدیه خوب و هر هدیه عالی از بالا می آید، فرود آمدن از پدر نورها که نه تغییر پذیری و نه سایه عطف با اوست." تیاگو 1:17. و بزرگترین "هدیه خوب" یا "هدیه کامل" که او به ما داده، زندگی او بود فرزند پسر. "خدا عشق است" اول یوحنا 4:8. محبت خدا نسبت به ما همینطور است محکم و ثابت که به هیچ وجه نمی توان آن را تغییر داد: «همه چیز رنج می برد... همه چیز پایدار می ماند» و «هرگز پایان نمی یابد» اول قرنتیان 8:7.

حال بیابید جایگاه پسر را در برابر این قربانی بررسی کنیم. قبلاً دیده بودیم که هنگامی که مسیح از خدا زاده شد، از همان قداست و محبت پدر برخوردار بود. بنابراین، محبت خدا در مسیح بود (رومیان 8:39). علاوه بر این، مسیح همه چیز را آفرید موجودات همراه با پدر. بنابراین او نیز سلطنت کرد و اراده او با اراده پدر برابر بود و این قانون برای موجودات نیز بود. و همانطور که پدر هیچ تمایلی به مخالفت با او نداشت اراده، که شریعت و «خیر» بود، برای انجام بدی، در مورد پسرش نیز چنین بود تازه متولد شده برای مسیح به اندازه پدر غیرممکن بود که توسط شر وسوسه شود. مسیح به عنوان پسر یگانه خدا هرگز نمی توانست وسوسه شود. برای اینکه او وسوسه شود، باید مخلوق می شد. در حالی که خدا و مسیح ارائه دهندگان شریعت بودند، زیرا بیان اراده او بود موجودات تابع قانون بودند. به عبارت دیگر، اراده شما لزوماً با اراده شما یکی نخواهد بود خداوند. آنها انتخاب آزاد داشتند. آنها می توانستند بخواهند - و انتخاب کنند - از قانون اطاعت کنند یا از آن تخطی کنند. آنجا، گواه این حقیقت این است که شیطان، فرشتگان و مردانش گناه را برگزیدند (یهودا 6: 1؛ پیدایش 6: 3؛ در حالی که سایر فرشتگان اطاعت را برگزیدند. هنگام تجسم، مسیح با داشتن بدن مخلوق ساخته شده توسط خدا، انسان خواهد شد (عبرانیان 10:5 و بنابراین، نتیجه، ذهن انسان سپس او تابع قانون می شد. این چیزی است که پولس در غلاطیان می گوید: «وقتی زمان کامل فرا رسید، خدا پسر خود را که از او متولد شده بود فرستاد زنی که تحت قانون متولد شده است» Gal. 4:4. اکنون، به عنوان انسان، به عنوان مخلوق، قانون زندگی می کند این دیگر بیانی صرف از اراده او نبود. در طبیعتی که عقب نشینی کرد، ادامه یافت از رنج در این شرایط، مطیع ماندن به معنای تعهد به آن است درگیری دائمی با خودتان، مشابه آنچه پولس می گوید: «من خود را تسلیم می کنم بدن، و آن را به اسارت درآورید» اول قرنطیان 9:27. پائولو توضیح می دهد که دقیقاً توانستن بود وسوسه شوید که عیسی انسان آفریده شده است: «پس شایسته بود که او مانند باشد به برادران... زیرا در آنچه که خودش وسوسه شده، رنج می برد، می تواند به آنها کمک کند که وسوسه می شوند.» عبری 18، 2:17. در این سناریو، اجازه دهید درگیری درونی عیسی را با گناه در خود در نظر بگیریم. آخرین لحظات زندگی او تا زمانی که خداوند از تحقق اهداف خود عقب نشینی نکند در مورد عشق و نه در مواجهه با بزرگترین رنج، همان چیزی در مورد فطرت انسانی سقوط کرده انسان رخ نمی دهد. مرد افتاده "برای خودش کار می کند" Prov. 16:26. طبیعی است برگرد. تضاد آشکاری بین اراده الهی و فطرت انسان وجود دارد. افتاده اما به جای اهدای خود برای دیگران، خود را حفظ کنید. زندگی را به جای دادن آن حفظ کنید برای نجات دیگران؛ عقب نشینی کن وقتی راه رنج همانی است که خداوند به آن اشاره کرده است یک عمل خودخواهانه را توصیف می کند که با عشق در تضاد است. و سلام قانون عشق است بنابراین، از قربانی کردن در زمانی که راه خدا بود کناره گیری کنید یعنی قانون شکنی و "گناه تخطی از شریعت است" اول یوحنا 3:4. بنابراین، در

در مورد عیسی، عدم پذیرش گناهان همه مردم بر خود، در جستجویمانی، یا مقاومت در برابر گذاشتن میخ در دستان او - انحراف از قربانی تعیین شده توسط پدر برای نجات ما - این یک گناه خواهد بود. عیسی با مشارکت در طبیعت سقوط کرده انسان در این میل انسان به عقب نشینی از رنج شرکت می کند و می تواند در این امر وسوسه شود احساس، مفهوم.

کتاب مقدس می گوید: «اما هر کس زمانی که از خود دور می شود وسوسه می شود، وسوسه می شود

شهوته." عمه. 1:14 در پرتو صحنه های پایانی زندگی عیسی، می بینیم که

"شهوته" نیز میل به حفظ خود است؛ برای اجتناب از خواستن

خدا وقتی شامل قرار دادن خود در معرض رنج، شرم و تمسخر است. پسر

خدا این آرزو را داشت؛ اما بر او بود که بر او مسلط شود و او در ذات ما چنین کرد

به فیض پدر افتاد: «او دعا کرد و گفت: پدرم، اگر این جام از من نمی گذرد.

بدون اینکه من آن را بنوشم، اراده تو انجام می شود.» متی. 26:42 عیسی آمد «به شباهت

جسم گناه» (روم. 3: 8) از گوشت ما شریک شد و بر آن غلبه کرد. «و کسانی که از

مسیح بدن را با هوسها و شهواتش مصلوب کرد.» گال. 5:24 مانند؟

آنها خود را به مسیح دادند: «من با مسیح مصلوب شدم. و من زنده هستم، دیگر نه من، بلکه مسیح

در من زندگی می کند؛ و زندگی را که اکنون در جسم می گذرانم با ایمان به پسر خدا زندگی می کنم.» Gal. 2:20

در اینجا لازم است یک پرناتز کوچک ایجاد شود تا وجه دیگری از نور نمایان شود

که از این فداکاری باشکوه سرچشمه می گیرد. از تجزیه و تحلیل صحنه های پایانی زندگی عیسی، نتیجه می گیریم که "شهوته" که توسط او

وسوسه شد نه تنها شامل

میل به مادیات و لذت های نفسانی، همانطور که معمولاً فرض می شود.

شامل هرگونه انحراف از مسیر صلیب می شود. در آنجا اوج و شکوه معیار الهی را می بیند

از شخصیت غلبه بر وسوسه شهوت یعنی پیمودن راه صلیب. مطابق

این عیسی به شاگردان خود گفت: «اگر کسی می خواهد به دنبال من بیاید، خود را انکار کند.

خودت، صلیب خود را بردار و از من پیروی کن.» متی. 16:24 «و هر که او را نگیرد

عبور کن و دنبال من نمی آید، تو نمی توانی شاگرد من باشی.» لوک. 14:27

در پرتو این درک، سخنان پولس رسول در او دیده می شود

معنای واقعی: "خدا، پسر خود را به صورت جسم گناهکار می فرستد،

او با گناه گناه را در جسم محکوم کرد. تا عدالت شریعت در ما تحقق یابد،

که بر اساس جسم رفتار نکنیم، بلکه بر اساس روح رفتار کنیم.» روم. 4، 3:8 یعنی همینطور است

غلبه بر گناه برای ما ممکن است، حتی اگر مجبور باشیم در آن به شدت با آن مبارزه کنیم

طبیعت انسانی ما، جسم ما. زیرا عیسی با آن روبرو شد و بر آن غلبه کرد

درگیری، غلبه بر تمام امیال شیطانی بدن و زندگی در هماهنگی با آن

خواست خدا. پس از انجام این کار، "او گناه را در جسم محکوم کرد" (روم. 3: 8) یعنی

به تمام کائنات اعلام کرد که به لطف خداوند که در اختیار اوست، گناه،

حتی در گوشت انسان نیز غیرقانونی و غیرقابل توجیه است، زیرا پیروزی در دسترس همگان است

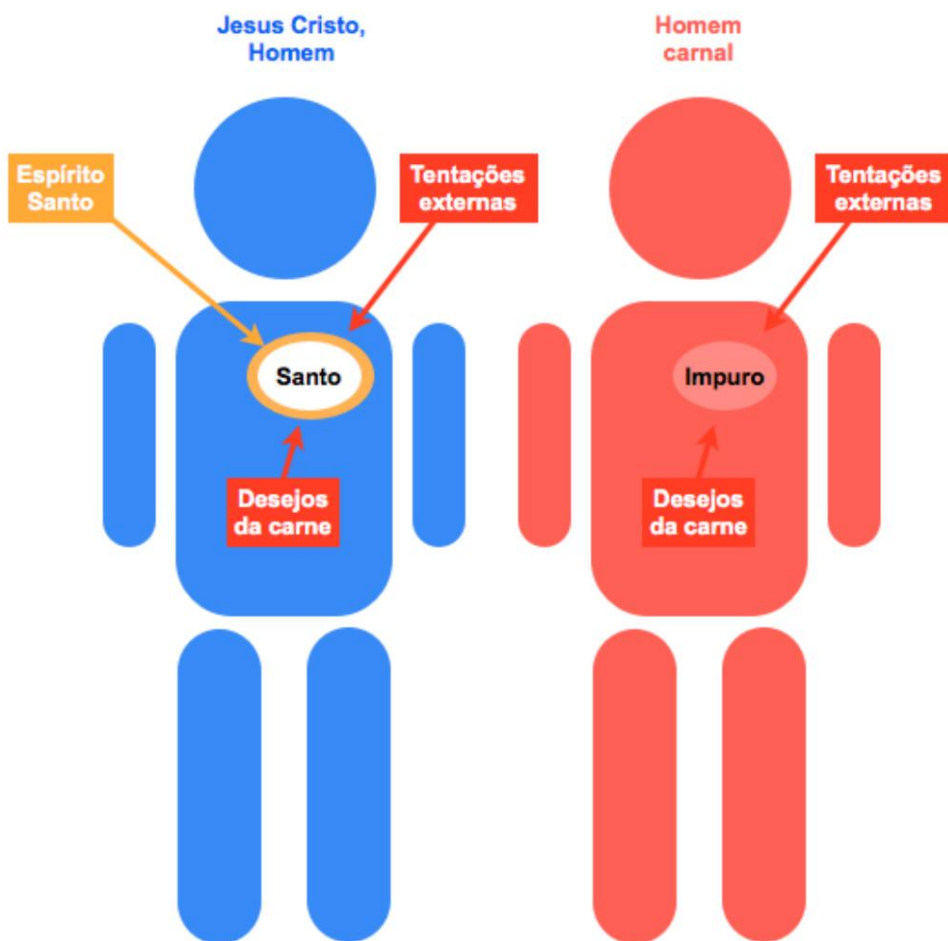
مرد و زن و فرزندی که به دست ایمان به قدرت خدا چنگ می زند
رایگان ارائه می شود. و خداوند ما را دعوت می کند: «از قوت من چنگ بزنید و صلح کنید
با من؛ بله، با من صلح کن.» هست یک. 27:5
ما قبلاً مطالعه کرده ایم که چگونه مسیح به انسان تبدیل شد و بر تضاد درونی و
خارجی در مورد گناه اکنون برای ما باقی مانده است که به سمت هدف نهایی مأموریت او پیش برویم -
تا او در ما زندگی کند، تا ما نیز مانند او بر گناه غلبه کنیم و باشیم
ذخیره. در فصل بعد این کار را انجام خواهیم داد.

فصل 14

مسیح در ما زندگی می کند

پولس می گوید که "نجات دهنده ما عیسی مسیح... مرگ را لغو کرد و زندگی و جاودانگی را از طریق انجیل آشکار ساخت" 2 تیم. 1:10. با گفتن "او مرگ را لغو کرد" هیچکس مطلع نمی شود باید برای گناهان خود بمرید - مگر اینکه بخواهید - زیرا او تاوان آن را پرداخت همه با مرگ او بر روی صلیب. متأسفانه، بسیاری پرداخت خواهند کرد، زیرا نمی خواهند به آن اعتقاد داشته باشند انجیل در مرحله بعد، متن به اطلاع می رساند که عیسی علاوه بر لغو مرگ، «مرگ را روشن کرد زندگی". کار او محدود به پرداخت گناهان گذشته ما نبود. جلو رفت - امکان زندگی معنوی را برای مردان باز کرد. یوحنا رسول گفت: ما می دانیم که از مرگ به زندگی رسیده ایم، زیرا برادران خود را دوست داریم.» 1 جان 3:4. وقتی بخشش دریافت می کنیم، «محبت خدا در قلب ما ریخته می شود توسط روح القدس که به ما داده شده است.» رام 5:5 و «تحقق شریعت محبت است» (روم. 13:10). بنابراین، داشتن حیات معنوی به معنای راه رفتن عاشقانه و هماهنگ با شریعت است از ده فرمان، یا زندگی بدون گناه. هر که واقعاً خود را به مسیح و "در او بمانید و گناه نکنید" اول یوحنا 3:6. «هر که از خدا زاده شود مرتکب نمی شود گناه؛ زیرا پدر او در او باقی می ماند. و نمی تواند گناه کند، زیرا او زاده شده است خداوند." اول یوحنا 3:9. این وضعیت است که مسیحیان واقعی در آن زندگی می کنند. «خدا به ما حیات ابدی داد. و این زندگی در پسر اوست.» اول یوحنا 5:11. زندگی آنچه به ما پیشنهاد می شود پیروزی در برابر گناه است. که در زمان بودنش زندگی می کرد

اینجا. پل این تجربه را داشت. او گفت: «من قبلاً با مسیح مصلوب شده‌ام. و زنده، نه بیشتر من، اما مسیح در من زندگی می‌کند. و زندگی را که اکنون در جسم می‌گذرانم، به ایمان پسر زندگی می‌کنم خدا» گال. 2:20. داشتن زندگی او به معنای زندگی در کشمکش و پیروزی او بر وسوسه هاست در تجربه ما زندگی "مصلوب شده با مسیح" به معنای زندگی در انجام اراده است خدا، مانند او، از طریق ایمانی که داشت. عیسی آمد تا اسیران را آزاد کند گناه و با زندگی در ما، رسالت خود را انجام می‌دهد. اما برای تغییر از حالت طبیعی انسان سقوط کرده، که در آن متولد شده ایم، به حالت نقطه زندگی مصلوب با مسیح، یک تغییر باید رخ دهد: معجزه در کتاب مقدس "تولد جدید" نامیده می‌شود. برای درک بهتر، با شکل های زیر همراه با توضیحات نشان داده شده است. اولین انسان عیسی مسیح را با انسان تبدیل نشده یا جسمانی مقایسه می‌کند:



شکل: مقایسه بین انسان عیسی مسیح و انسان تبدیل نشده (جسمی).

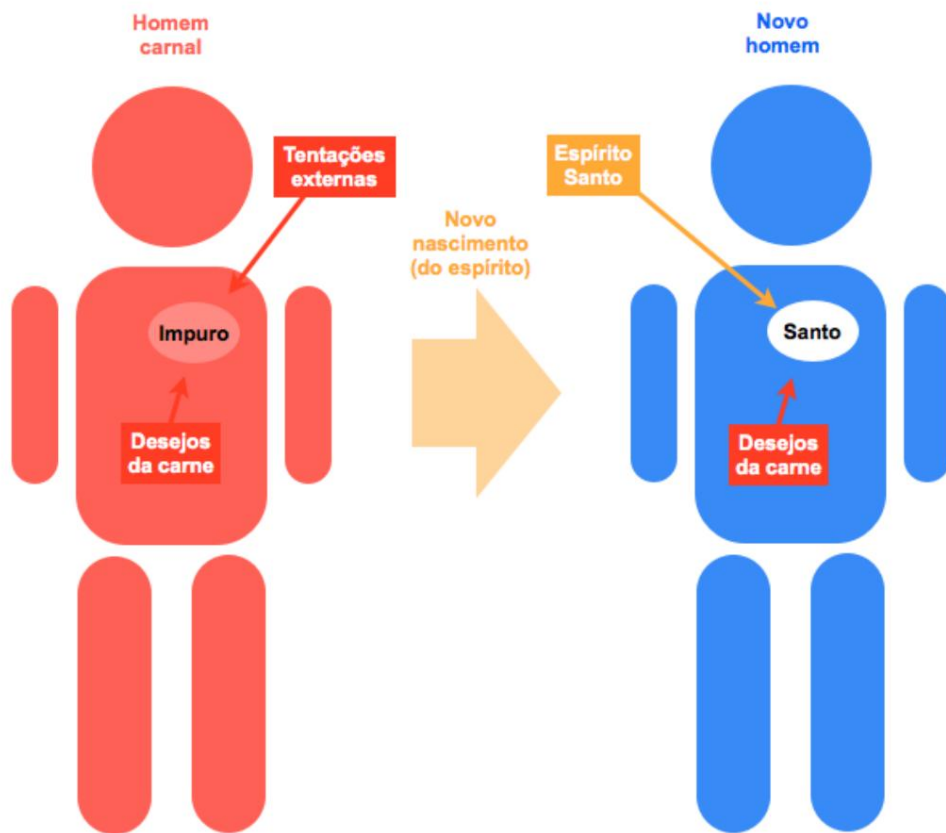
عیسی مسیح با رنگ آبی ارائه شده است. آبی رنگ اپود بود، یک پوشش جامه های کاهن اعظم را بر تن کرد و نشان دهنده انطباق او با شریعت بود خداوند می فرماید: «لباس اپود را هم تمام آبی بساز.» Exo. 28:31. کتاب مقدس این را اعلام می کند «آسمانها» به رنگ آبی، «عدالت او را اعلام می کنند» مزبور. 97:6 و عدالت به نوبه خود مطابق با احکام است: "همه احکام تو عدالت است" مزبور. 119:172. مرد افتاده با رنگ قرمز نشان داده شده است که نمادی از گناه است. خدا اعلام کرد به اشعیا: "اگرچه گناهان تو مانند قرمز است..." عیسی. 1:18. نفسانی گناهکار است و اوامر خدا را اطاعت نمی کند. تفاوت اصلی بین عیسی و انسان سقوط کرده در قلب است. از عیسی با رنگ سفید نشان داده شده است. کتاب مقدس می گوید که وقتی گناه است

عیسی پاک شده، «سفید پشم خالص» خواهند شد. 1:18 یوحنا لشکریان بهشت را دید
"لباس کتان نازک، سفید و تمیز". Apoc. 19:4 بنابراین، قلب عیسی پاک بود،
بدون هیچ گونه لکه ای از گناه یا تمایل به آن.
عیسی از پدر کمک روح القدس را دریافت کرد که در شکل نشان داده شده است.
برای حلقه طلایی که قلب او را می پوشاند. زکریا نبی پرسید: «چیست؟»
آن دو شاخه زیتون که در کنار دو لوله طلایی قرار دارند و از آنها سرازیر می شوند
روغن طلایی؟» رسول آسمانی پاسخ داد: «این دو مسح هستند.
که در حضور خداوند می ایستند» زک. 14، 12:4 توضیح معنای روغن مسح،
او اعلام کرد: "نه به قدرت و نه به قدرت، بلکه به وسیله روح من" زک. O. 4:6
روح القدس که توسط خدا ریخته شد، به عنوان سپری در برابر وسوسه ها عمل کرد.
اکنون انسان سقوط کرده، بدون کمک خدا، از خود، نه
محافظت یا قدرت برای مقاومت در برابر وسوسه ها. علاوه بر داشتن قلب نجس،
تمدید نشده، او بدون حمایتی است که فقط روح خدا می تواند او را فراهم کند.
بنابراین، کاملاً در معرض آسیب است. برای همین دلت ظاهر می شود
در شکل بدون حلقه محافظ طلایی نشان داده شده است.
زمانی که عیسی به زمین آمد و از مریم به دنیا آمد، قلب «مقدس» داشت
این پسر پاک خدا بود که به زمین آمد. با این حال، به عنوان یک مرد، قلب او رنج می برد
فشار وسوسه های بیرونی ناشی از شیطان (متی 1: 4) جاذبه های جهان (متی 9، 8: 4 و تحریک دیگران (لوقا 23:39) و همچنین که از
وسوسه های درونی، ناشی از امیال، یا شهوات، بدن خود او
«من» او، زیرا «هر کس زمانی وسوسه می شود که مجذوب و اغوا شود
شهوت» (یعقوس 1:14) و عیسی «از هر جهت مانند ما وسوسه شد» عبری. 4:15 برای
موارد فوق را تأیید کنید، بیایید به یاد بیاوریم که او در جتسیمانی گفت: «نکنید
اراده من، اما خواست تو» (لوقا 22:42) برای غلبه بر وسوسه ها، او روی آن حساب کرد
کمک روح القدس، که توسط پدر در پاسخ به دعا فرستاده شد، که او را سپر کرد
قلب در برابر شر او، «در ایام بدن خود، با فریاد بلند و
اشک و دعا و التماس به کسی که او را از مرگ رهایی بخشد، شنیده شد... هر چند
پسر، تو از رنجی که کشیدی اطاعت را آموختی.» عبری 8، 5:7
بنابراین، عیسی «از هر نظر وسوسه شد، اما بدون گناه» عب. 4:15 همینطور باقی ماند
مقدس، در طول زندگی خود بر روی زمین، زمانی که او وارد آن شد. در پایان خدمت خود فرمود:
"شاهزاده این جهان نزدیک می شود و او در من چیزی ندارد" یوحنا 14:30 و به بهشت برگشت
همانطور که او از آنجا آمد تا به زمین بیاید و مجسم شود. پولس نوشت:
«مسیح که یک بار خود را تقدیم می کند تا گناهان بسیاری را بردارد، بار دوم ظاهر می شود.
بدون گناه، به کسانی که برای نجات در انتظار او هستند.» عبری 9:28

در مقابل عیسی، انسان جسمانی بدون تمایل طبیعی به دنیا می آید
در برابر شر مقاومت کن با اشاره به اینکه ما با طبیعتی افتاده و ضعیف به دنیا می آییم،
عیسی گفت: «آنچه از بدن زاده می‌شود، جسم است» یوحنا 6: 3 و «کسانی که بر حسب جسم هستند
به چیزهای جسمی تمایل دارند... تمایل بدن دشمنی با خداست، زیرا
نه تابع قانون خداست و نه در واقع می تواند باشد. بنابراین، کسانی که در
جسم نمی تواند خدا را خشنود کند.» رام 8، 7:8 ما جسمانی هستیم. هنگام صحبت کردن در مورد
«تمایل نفسانی»، رسول گرایش «خود»، از گرایش ها را آشکار می کند.
از والدینمان به ارث رسیده و از طریق عادت های بد به دست آمده است. پل نیز
در رومیان 7:5 به عنوان "اشتیاق" توصیف می کند. بر اساس فرهنگ لغت، اشتیاق نیز هستند
تسلط بر عادات یا اعتیادها منظور از متن رومیان آن انسان سقوط کرده است
او در عشق به دنیا می آید که خود را راضی کند و نمی تواند بر این اشتیاق مسلط شود. زندگی
زندگی روحانی که عیسی در آن زندگی می‌کرد، برعکس این است: «من از آسمان نازل شدم، نه برای انجام کارهایم
اراده، اما اراده کسی که مرا فرستاد.» یوحنا 6:38
هنگامی که قلب آلوده است، انسان کاملاً نجس است، همانطور که عیسی فرمود:
«آنچه از انسان بیرون می آید، انسان را نجس می کند. زیرا از درون قلب های
افکار شیطانی، زنا، زنا، قتل،
دزدی، طمع، شرارت، فریب، انحلال، حسادت، کفر، غرور،
جنون. همه این بدی ها از درون می آید و انسان را آلوده می کند.» مرقس 7:20-23
عیسی در این قسمت به آلودگی اخلاقی اشاره می کند. اگر انسان گناه را گرامی بدارد
در قلب خود، شما از نظر اخلاقی آلوده هستید. به عبارت دیگر متخلف می شود
از قانون مقدس خدا به همین دلیل است که تمام بدن انسان جسمانی در شکل نشان داده شده است.
با رنگ قرمز قلب ناپاک جسم و ذهن - تمام وجود را آلوده می کند.
علاوه بر این، قلب یک انسان جسمانی تحت سپر روح خدا نیست.
بنابراین، اخلاق شما نتیجه تأثیرات درونی یا امیال نفسانی است، هر دو
از ویژگی های شخصیتی پدر و مادر و همچنین ویژگی های به دست آمده در طول دوران آنها به ارث رسیده است
زندگی پولس نوشت: «ما ذاتاً فرزندان خشم بودیم، درست مانند دیگران» افس.
2:3 داوود با اشاره به تمایلات به گناه ارثی گفت: «من در گناه بودم
شکل گرفت و در گناه مادرم مرا آبستن کرد.» ص 5:5 و در رابطه با تأثیرات
بیرونی، پولس واقعیت انسانها را قبل از تبدیل شدن به دین توصیف کرد و گفت
که "در گناهان و گناهان زندگی می کردند ... طبق روند این جهان، به گفته شاهزاده
از نیروهای هوا، از روحی که اکنون در فرزندان نافرمانی کار می کند. بین
که همه ما نیز زمانی در آرزوهای جسمانی خود زندگی می کردیم و انجام می دادیم
اراده جسم و افکار» اف. 3، 2:2 به طور خلاصه: در طبیعت سقوط کرده ما،
ما به بدی تمایل داریم (ما جسمانی هستیم) و قدرت مقاومت نداریم

وسوسه ها

تغییر زمانی در انسان رخ می دهد که خود را تسلیم عملیات روح کند
خدا که در شکل زیر نشان داده شده است.



شکل: کانال مرد مقایسه ای X تبدیل شده است

وقتی انسان نتواند در برابر تأثیرات روح القدس خدا مقاومت کند قلب تجدید و دگرگون می شود. او با میل به انجام اراده اش آغشته شده است. مطابق نوشته شده است: "اگر امروز صدای او را می شنوید، دل های خود را سخت مکن." 8، 7:3 روح القدس قدوسیت را در او کاشته است. بنابراین قلب پاک و مقدس می شود، یعنی تمایل دارد خود را از شر جدا کند که در شکل با تغییر در رنگ - از قرمز تا سفید.

پولس بیان می کند که روح باعث تغییر در تمایل قلب انسان می شود انسان: «زیرا ذهن جسمانی مرگ است. اما تمایل روح زندگی و آرامش است. زیرا عقل نفسانی دشمنی با خداست، زیرا تابع قانون خدا نیست.

و در واقع نمی تواند باشد... اما شما در جسم نیستید، بلکه در روح هستید.» روم.
9، 7، 6:8 این فرایند تولد جدید است.

تفاوت حالت انسان قبل و بعد از جدید را شرح دهید

تولد، عیسی گفت: «آنچه از بدن زاده می شود، جسم است و آنچه از بدن متولد می شود

روح روح است.» یوحنا 3:6 روح انسان را راهنمایی می کند که مطابق با آن عمل کند

کلام خدا و شریعت او. عیسی گفت: «کلامی که به شما می گویم روح است»

یوحنا 6:63 و پولس اضافه می کند که «عدالت شریعت» در ما تحقق می یابد، «که انجام نمی دهیم

ما بر اساس جسم راه می رویم، اما بر اساس روح.» رام 8:4 موسی این را به تصویر کشید

واقعیت به شکلی ساده تر، به عبارت: «و یهوه خدایت شما را ختنه خواهد کرد

دل... یهوه خدای خود را با تمام دل و با تمام جان خود دوست بداری،

تا زنده بمانی.» دوم 30:6

و هنگامی که قلب تجدید می شود، کل انسان نیز تجدید می شود. با اشاره به

عیسی برای پاکسازی اخلاقی قلب گفت: «کسی که شسته شده است... کاملاً است

پاک» یوحنا 13:10 این تبدیل در شکل با تغییر رنگ نشان داده شده است

مرد - از قرمز تا آبی، رنگ قانون. انسان که زمانی گناهکار بود، اکنون است

تبدیل به مطیع

پولس این تغییر را در قلب و در کل انسان با این کلمات به تصویر می کشد:

"در روح ذهن خود تجدید شود. و انسان جدید را بیوش که به گفته خدا در عدالت و قدوسیت واقعی آفریده شده است." اف. 24، 23:4

«مقدس» بودن است

مربوط به «پرهیز از بدی»: «زیرا این خواست خدای شماست

تقدیس؛ که از زنا دوری کنید» (اول تسالونیکي 3: 4) به عبارت دیگر،

میل کاشته شده توسط مسیح در قلب انسان تبدیل شده و دوباره متولد شده این است که

از شر دوری کن بنابراین، انسان جدید، "در عدالت و قدوسیت واقعی آفریده شد"

(افس. 4:24) از راه گناه دوری کنید. «پس اگر کسی در مسیح است، جدید است

مخلوق است؛ چیزهای قدیمی از بین رفته اند؛ بین همه چیز دوباره انجام می شود." 2 قرنتی 5:17 او عمل می کند،

در رابطه با شر، به عنوان یک ساکن بهشت عمل می کند؛ دلایلش این است که به دلیل قداستی که

او توسط روح خدا کاشته شد، او "شریک طبیعت الهی" است (2 پطرو.

4:1) کلام خدا یا "ذره الهی" در روح او کاشته شد (اول یوحنا 3:9)

و به همین دلیل در درون او تعارض پدید آمد؛ بین تمایلات جدیدش نسبت به

قدوسیت و امیال جسمانی او که همچنان ادعای برتری در آن دارند

ذهنت. او می تواند با کمک های الهی، که در قالب هجوم به آنها داده می شود، بر آنها غلبه کند

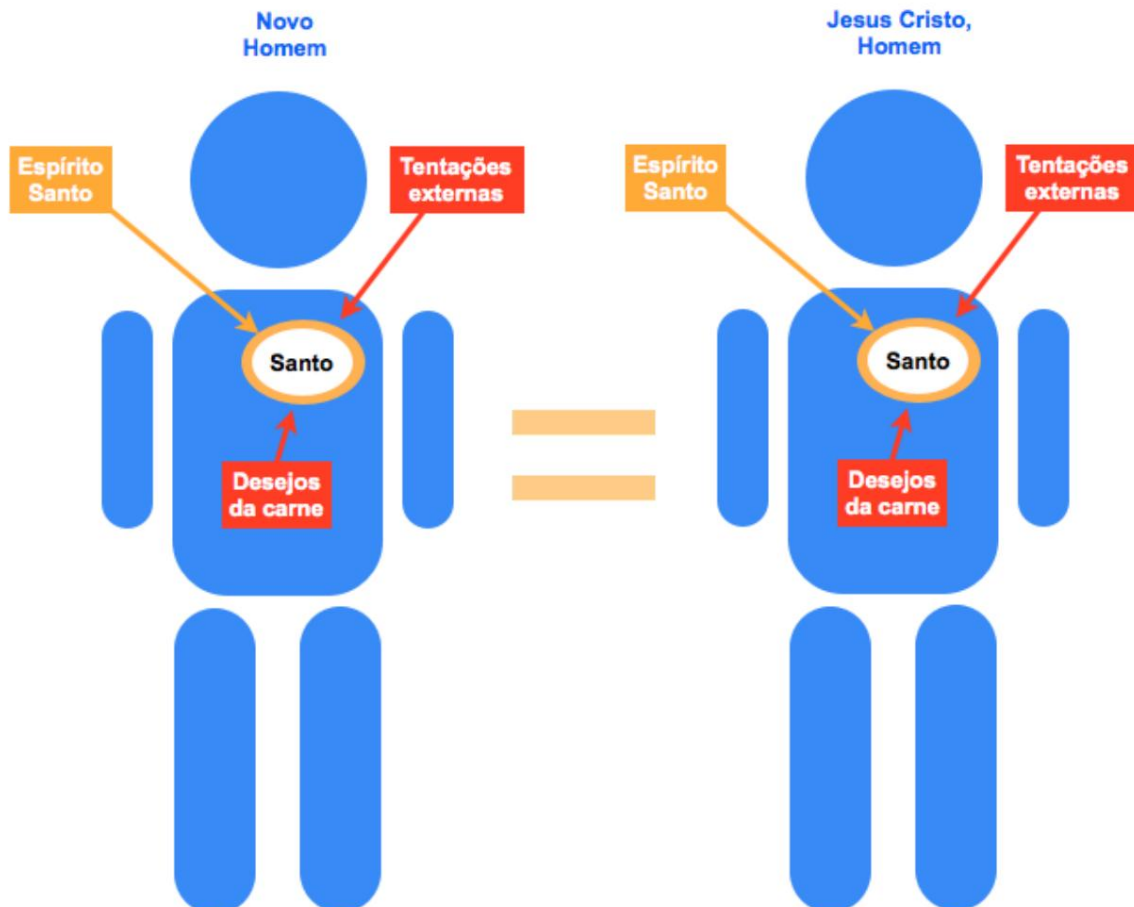
روح القدس، در پاسخ به دعای ایمان. بنابراین، در انسان تبدیل شده،

تجربه عیسی مسیح

در شکل زیر نشان داده شده است که چگونه از طریق ریزش روح قدیس، انسان در موقعیتی مشابه عیسی قرار می گیرد تا به طور مؤثر با آن مبارزه کند در برابر گناه:

شکل - مقایسه بین عیسی مسیح و مرد تبدیل شده

مسیح در دل پاک متولد شد، زیرا او پسر پاک خدا بود که به او می آمد زمین. به همین دلیل است که قلب او سفید به نظر می رسد. مرد افتاده دل دارد نجس است، اما این تفاوت بین او و عیسی توسط روح القدس جبران می شود فرستاده شده توسط خدا، هنگامی که او تبدیل شود. آنگاه دلت پاک می شود. پیتر گفت



که خدا "قلب" رومیان تازه مسلمان شده را "با ایمان" اعمال رسولان 15:9 پاک کرد. مطابق این قلب او سفید شده است: "اگرچه گناهان شما مانند قرمز است، مانند برف سفید خواهند شد." عیسی. 1:18

بر اساس دلایل دیگری نیز می توان به این نتیجه رسید. پل عیسی را که همیشه قلب پاکی داشت به عنوان خود روح معرفی می کند. او در مورد او گفت: «الان خداوند روح است و هر جا روح خداوند است، آنجاست. آزادی» دوم قرنیتیان 3:17 «روح» بودن به معنای مقدس بودن است، زیرا روح «قدوس» است (اعمال رسولان 2:38)؛ بنابراین، عیسی از بدو تولد مقدس بود - همانطور که خود فرشته اعلام کرد در لوقا " 1:35: قدوسی که از تو متولد خواهد شد، پسر خدا نامیده خواهد شد. " مرد افتاده، به نوبه خود، از شکم مادرش به عنوان "گوشت" خارج می شود. اما وقتی دوباره متولد شد، روح مسیح را که مقدس است دریافت می کند: «توبه کنید و هر یک از شما باشید تعمیر به نام عیسی مسیح، برای آمرزش گناهان. و شما هدیه ای را دریافت خواهید کرد روح القدس» اعمال رسولان 2:38. سپس او به "روح" تبدیل می شود، یک فرد روحانی، در انطباق با اراده خدا: «آنچه از جسم زاده می شود، جسم است و آنچه هست مولود روح روح است.» یوحنا 3:6. بنابراین، قدوسیت مسیح در او کاشته می شود، همانطور که پولس می گوید: «و انسان جدیدی را بپوشید که به گفته خدا در آن آفریده شده است عدالت و قداست واقعی.» اف. 4:24. عیسی دارای «تمایل روح» بود که او با شریعت خدا در صلح بوده است (روم. 7، 6، 8 از زمانی که تجسم یافت، زیرا موجودی روحانی و مقدس بود (دوم قرنیتیان 3:17؛ لوقا 1:35) با قانون که معنوی است هماهنگ بود (روم. 7:14) انسان زمانی دارای «تمایل جسمانی» بود که «دشمنی» بود بر ضد خدا»، زیرا تابع شریعت او نیست. با این حال، یک بار تبدیل، پس از دریافت روح القدس نیز دارای گرایش روح است. سپس مرد در قرار می گیرد همان موقعیتی که عیسی در هنگام مواجهه با وسوسه ها در آن قرار داشت - مبارزه با شر شروع از یک قلب "پاک" و داشتن تمایل روح، یا میل و قدرت به

پیرو کردن، اطاعت کردن، تسلیم شدن.

از این مشاهدات، ما متن نوشته شده توسط پولس را بهتر درک می کنیم: "شما، اما شما در جسم نیستید، بلکه در روح هستید، اگر واقعاً روح خدا در شما ساکن است. اما اگر کسی روح مسیح را نداشته باشد، از او نیست." رام 9:18. اگر مرد در برابر عمل روح خدا مقاومت نکنید، این کار قلب شما را پاک می کند. پس خدا میتونه او را به عنوان پسرش بشناسید، برای پاکی قلبش، قدوسیتهش، عشقش - یعنی DNA الهی یا "بذر الهی" - در انسان دیده می شود. می توان گفت وجود دارد شباهت بین خدای پدر و پسر انسانی او. بنابراین، انسان متعلق است خانواده. وقتی این تجربه را داریم می دانیم که بخشی از خانواده الهی هستیم، زیرا «همین روح با روح ما شهادت می دهد که ما فرزندان خدا هستیم.» رام 8:16 یا

یعنی خدا ذهن ما را تحت تأثیر این واقعیت قرار می دهد که ما با فرزندخواندگی به او تعلق داریم -
ما توسط او به عنوان فرزندانش شناخته می شویم و به همین دلیل تحت مراقبت او هستیم.

هنگامی که بین قلب عیسی و قلب مرد تبدیل شده مقایسه شد،

اکنون مبارزه هر دو با وسوسه ها را در نظر می گیریم. وقتی یک مرد التماس می کند
خدایا در دعا کمک کن تا پیروز شوی روح القدس فرستاده می شود و قلبت را سپر می کند
در برابر وسوسه های درونی و بیرونی، به طوری که نمی توان بر او غلبه کرد - که چنین است
حلقه طلایی دور قلبش در شکل نشان داده شده است. توجه داشته باشید که پس از آن شما
تجربه برابر با عیسی است: قلب با روح پاک و زره پوش می شود
مقدس، در برابر شر و چون عیسی با قرار گرفتن در این شرایط پیروز شد، واضح است که
انسان نیز برنده می شود

پولس توضیح می دهد که وقتی روح القدس در درون ما با روح القدس می جنگد
آرزوهای جسم ما، او همیشه پیروز می شود: «در روح گام بردارید و آن را برآورده نخواهید کرد
شهوته جسمانی زیرا بدن بر ضد روح میل می کند و روح بر ضد روح
گوشه؛ و اینها با هم مخالفت می کنند تا شما آنچه را که می خواهید انجام ندهید.» گال. 5:16، 17.
او توضیح می دهد که امیال، که در آنجا به عنوان «طمع» بیان می شوند، مخالف هستند
به کسانی که "روح" در روح ما کاشته می شود. و نتیجه روح عمل علیه
بدن با این کلمات بیان می شود: "مبادا هر چه می خواهی انجام دهی." به عبارت دیگر، ما برنده شدیم
اراده جسم، از خود.

اما مهم است که روشن شود که این زمانی اتفاق می افتد که ما پناهگاه را "انتخاب کنیم".
خواسته های کاشته شده توسط روح پولس این را بیان می کند وقتی می نویسد: «در روح راه بروید و
شهوته جسمانی را برآورده نخواهی کرد.» "پیاده روی" شامل یک انتخاب است. ما فقط راه می رویم
اگر ما بخواهیم.

تعالیمی که در نامه به غلاطیان ارائه شده است، تکرار همان تعالیمی است که به غلاطیان داده شده است

رومیان: «اعضای خود را به عنوان ابزاری برای گناه معرفی نکنید

بی عدالتی؛ بلکه خود را به عنوان زندگان از مردگان و اعضای خود به خدا معرفی کنید

خدا را به عنوان ابزار عدالت... سپاس خدای را که بنده گناه بودیم

شما از صمیم قلب از شکل دکترینی که به شما داده شده بود اطاعت کردید. و رهایی از

گناه، شما بندگان عدالت قرار گرفتید... همانطور که اعضای خود را معرفی کردید

خدمت به پلیدی، و شرارت در مقابل شرارت.» - در گذشته، قبل از تبدیل

- "بنابراین در حال حاضر - "پس از نوکیشان -" اعضای شما برای خدمت به

عدالت تا تقدیس.» رام. 6:13-19

با بازگشت به متن غلاطیان، می بینیم که رسول همچنان به تقویت این امر ادامه می دهد

پس وقتی می گوئیم: «اما اگر روح شما را هدایت می کند، زیر بار نمی آروید

قانون." گال. 5:18 اصطلاح "هدایت شده" دلالت بر رضایت داوطلبانه ما دارد. این فقط

"هدایت شده" که انتخاب می کند و اجازه می دهد که چنین باشد. که به مسیح اجازه می دهد او را رهبری کند.

در مرحله بعد، پائولو توضیح می دهد که چگونه این تجربه، در عمل، متضاد است
کارهای باستانی جسم با کارهای کنونی: «زیرا کارهای جسم آشکار است،
که عبارتند از: زنا، زنا، ناپاکی، فحشا، بت پرستی، جادوگری، دشمنی، نزاع،
تقلید، خشم، دعوا، اختلاف، بدعت، حسادت، قتل، مستی،
پرخوری و امثال اینها که من در مورد آنها مثل قبل به شما اعلام می کنم
من به شما گفتم کسانی که چنین کارهایی انجام می دهند وارث ملکوت خدا نخواهند شد. اما میوه از
روح عبارت است از: عشق، شادی، صلح، صبر، نرمی، نیکی، ایمان، مهربانی،
اعتدال... و کسانی که به مسیح تعلق دارند، جسم را با احساساتش مصلوب کرده اند و
شهوات...» گال. 5:19-24 مصلوب کردن بدن به معنای کشتن آن است. یعنی
کاری کن که آرزوهای بدت بمیره این برای انسان تبدیل شده، زمانی که بخواهد ممکن است
خواسته های پاکی که روح در روح شما کاشته شده را برآورده کنید. در انجام این کار، او می دهد
اجازه دهید که خدا در قلب شما عمل کند و امیال نفسانی را تسخیر کند. سپس،
روح بر جسم غلبه می کند. پس درست است که بگوییم: «لذتبه لذین».
که در مسیح عیسی هستند که نه بر اساس جسم، بلکه بر اساس روح رفتار می کنند.»
رام. 8:1 هر کس با پاکی گام بردارد هرگز فاسق محکوم نخواهد شد. که راه می رود
در اطاعت از قانون ده فرمان توسط آن محکوم نخواهد شد
متخلف پولس این حقیقت را با این کلمات بازنویسی می کند: "اگر شما توسط روح هدایت می شوید،
تو تحت قانون نیستی" گال. 5:18.
توجه داشته باشید که روح القدس عملکرد دوگانه ای را در کار بازسازی انجام می دهد
مرد افتاده اولین مورد این است که قلب زمانی ناپاک خود را تجدید کنید و آن را در آن بازآفرینی کنید
تقدس، پاک ماندن مانند عیسی مسیح زمانی که به زمین آمد. این قابل توجه است
با شکل، وقتی قلب هر دو، مسیح و انسان را در سفید می بینید. آ
دوم پاک نگه داشتن آن، عمل بر خلاف خواسته های نفسانی و غلبه بر آن، در حالی که
او در انتخاب انجام اراده خدا - که با حلقه نشان داده می شود - پافشاری می کند
سپر طلایی دور قلبت
مقایسه تصاویر انسان عیسی مسیح و انسان تبدیل شده، در
در شکل، اشاره شده است که روشی که او و مرد تبدیل شده در برابر آن پیروز می شوند
وسوسه ها دقیقاً همینطور است. و بنابراین نتیجه می شود که عیسی مسیح علاوه بر
نجات دهنده ما، در واقع، نمونه ای است از آنچه همه ما می توانیم و باید باشیم،
راه رفتن در عدالت و تقدس بر روی زمین.
«بنابراین ما نیز... بیایید هر سنگینی و گناهی را که از نزدیک کنار بگذاریم
ما را احاطه کرده است و اجازه دهید با صبر و حوصله در مسابقه ای که پیش روی ما قرار گرفته است بدویم و به دنبال آن باشیم
عیسی، نویسنده و تکمیل کننده ایمان، که برای شادی پیش روی او، تحمل کرد
صلیب کرد و شرم را تحقیر کرد و در سمت راست تخت خدا نشست. در نظر بگیرید، بنابراین،
او که چنین تضادهایی را از جانب گناهکاران علیه خود تحمل کرد تا نتواند

ضعیف شدن، غش کردن در روحیه شما. تو هنوز تا سر حد خون مقاومت نکردی مبارزه با گناه و آیا توصیه ای که بحث می کند را فراموش کرده اید؟

با تو در کودکی: پسر، اصلاح خداوند را تحقیر مکن و غش مکن

هنگامی که توسط او سرزنش می شوی؛ زیرا خداوند آنچه را که دوست دارد اصلاح می کند و تازیه می زند هر چه برای پسرش می گیرد. اگر اصلاح را تحمل کنید، خداوند با شما مانند کودکان رفتار می کند.

چه پسری هست که پدرش او را اصلاح نکند؟ اما اگر شما بدون نظم و انضباط هستید که همه شرکت می کنند، پس شما حرامزاده هستید، نه بچه. علاوه بر این، داشتیم پدران ما برحسب جسم، تا ما را اصلاح کنند، و ما از آنها احترام می گذاریم. ما نه آیا ما باید خیلی بیشتر تسلیم پدر ارواح باشیم تا زندگی کنیم؟ زیرا آن ها، در درست است، برای مدتی ما را آنطور که صلاح دیدند اصلاح کردند. اما این یکی، برای سود ما، شریک قدوسیت او باشیم.

و در حقیقت، در حال حاضر، به نظر می رسد که همه اصلاحات از روی شادی نیست، بلکه از روی شادی است غم و اندوه، اما سپس ثمره صلح آمیز عدالت را در کسانی که توسط آن اعمال می شود، ایجاد می کند. از این رو، دوباره دست های خسته و زانوهای از هم گسیخته خود را بلند کنید و مسیرهای مستقیم را ایجاد کنید برای پاهای شما، تا آن که می لنگد کاملاً گمراه نشود، بلکه باشد بسته

با همه صلح و قدوسیت را دنبال کنید که بدون آن هیچ کس خداوند را نخواهد دید. داشتن مواظب باش کسی خود را از لطف خدا محروم نکند و ریشه تلخی نداشته باشد

ظهور می کند، شما را پریشان می کند و به واسطه آن بسیاری ناپاک می شوند. و اجازه نده هیچ کس ناخواسته باشد، یا ناسزا مانند عیسو که حق اولیت خود را برای یک غذا فروخت. چرا خوب می دانید که حتی بعد از اینکه می خواست نعمت را به ارث ببرد، رد شد، زیرا این کار را نکرد. جایی برای توبه یافت، هر چند با گریه در پی آن بود. چرا نیومدی

به کوه محسوس که با آتش افروخته شده است و به تاریکی و به تاریکی و به طوفان و به صدای شیپور و صدای کلماتی که شنیدند از آنها خواستند

دیگر صحبت نکرد زیرا طاقت نداشتند آنچه را که به آنها امر شده بود: اگر حتی یک حیوان دست زدن به کوه سنگسار می شود یا با نیزه رد می شود. و این منظره خیلی وحشتناک بود

موسی گفت: من همه در شگفتم و می لرزم. اما شما به کوه صهیون آمده اید و شهر خدای زنده، اورشلیم آسمانی و هزاران فرشته؛ به جهانی

مجمع و کلیسای نخست زادگان، که در آسمان نوشته شده اند، و نزد خدا، داور همه، و برای ارواح صالحان کامل شده است. و به عیسی، واسطه یک جدید عهد و خون پاشیدن که بهتر از هابیل سخن می گوید.

مراقب باشید که گوینده را رد نکنید. زیرا اگر کسانی که فرار نکردند آنچه را که در زمین به آنها هشدار داده بود، تکذیب کردند، اگر از او که هست روی برگردانیم، بسیار کمتر از ما از آسمان؛ صدایی که پس از آن زمین را به حرکت در می آورد، اما اکنون خبر می دهد و می گوید: با این حال الف من بار دیگر نه تنها زمین، بلکه آسمان را نیز حرکت خواهیم داد. و این کلمه: یک بار دیگر،

تغییر اشیاء منقول مانند اشیاء ساخته شده را نشان می دهد تا غیر منقول ماندن. بنابراین، پس از دریافت پادشاهی که نمی توان متزلزل شد، محکم بمانیم لطفی که به موجب آن خداوند را به طور مقبول و با تقوا و تقوا بندگی می کنیم.» عبری -12:1
29.

پس از آموختن چگونگی زندگی در قدوسیت از طریق مسیح، برای ما باقی می ماند که بدانیم هدف آن برای ما و سایر شرکت کنندگان در همان تجربه است. O
در فصل بعدی متوجه خواهیم شد.

کار مسیح در کلیسا -پیش نیاز برای آمدن دوم او

«عیسی مسیح... مرگ را لغو کرد و حیات و جاودانگی را از طریق انجیل آشکار ساخت» دوم تیموتائوس 1:10

کتاب مقدس اعلام می کند که عیسی با نواختن هفتمین و آخرین شیپور باز خواهد گشت مکاشفه: «زیرا خداوند خود با فریاد و با صدای فرشته از آسمان فرود خواهد آمد، و با شیپور خدا؛ و کسانی که در مسیح مردند، اول برخواهند خاست. بعد از، ما که زنده ایم و میمانیم، رستگار خواهیم شد.» اول تز. 17. 4:16 «اینک، من به شما می گویم رمز و راز: در واقع، همه ما نخواهیم خوابید، اما همه ما تبدیل خواهیم شد، در یک لحظه ای، در یک چشم به هم زدن، قبل از آخرین شیپور. زیرا شیپور به صدا در خواهد آمد و مردگان فسادناپذیر زنده خواهند شد و ما دگرگون خواهیم شد.» اول قرنتیان 15:51، 52، «اما در ایام صدای فرشته هفتم، هنگامی که می خواهد در شیپور بنواخت، آنگاه راز خدا برآورده خواهد شد.» Apoc. 10:7 پل روشن می کند که یک راز از خدا مکاشفه مسیح در شخصیت اعضای کلیسا است: «که خدا می خواست به آنها بدهد بدانیم که غنای جلال این راز در میان غیریهودیان چیست، یعنی مسیح در تو ای امید جلال» کول. 1:27 هنگامی که مسیح باشد، شیپور هفتم به صدا در خواهد آمد در کلیسای او آشکار شد. و در طنین لمس او مسیح باز خواهد گشت. ابتدا شخصیت مسیح باید در کلیسای او آشکار شود و سپس او خواهد آمد دنبالش بگردد. «مسیح کلیسا را دوست داشت و خود را برای او سپرد تا او را تقدیس کند. آن را با شستن آب، با کلام، تطهیر می کند تا آن را به کلیسا تقدیم خود کند

باشکوه، بدون لک و چروک یا هر چیز دیگری، اما مقدس و بی عیب». اف.

5:25-27.

شخصیت مسیح زمانی شکل می گیرد که او بر اساس تجربه در انسان زندگی می کند

که در فصل قبل دیدیم. و این بعد از برخورد مرد با او و

او را بپذیر می توان از طریق خواندن کلام خدا این تجربه را داشت

مسیح «کلام» است (یوحنا 1:14) ما باید عهد عتیق و جدید را با هم مطالعه کنیم

تنها هدف یافتن او، شناختن او - که او چه کسی بود و هست، و برای چه کاری انجام داد و انجام می دهد.

ما «شما کتابهای مقدس را جستجو می کنید، زیرا فکر می کنید که در آنها حیات جاودانی دارید، و آنها هستند

درباره من شهادت دهید» یوحنا 5:39 بنابراین «به ما اطلاع دهید و به ما ادامه دهید تا بدانیم

آقا! خروج او مانند طلوع فجر مسلم است؛ و او مانند باران، مانند باران، نزد ما خواهد آمد

روز آخری که زمین را سیراب می کند.» هوشع 3:6 در مقایسه، او روح خود را بر ما خواهد ریخت

با باران، و بنابراین او در ما زندگی خواهد کرد. سپس آنچه فرموده تحقق می یابد: «در آن روز

خواهید دانست که من در پدرم هستم و شما در من و من در شما.» یوحنا 14:20 که این

کتاب به عنوان یک انگیزه اولیه در این سفر عمل می کند و شما همچنان به دنبال مسیح و

از یادگیری او

می توان با اطمینان کامل گفت که اگر همه مردم روی زمین

کلام را صمیمانه مطالعه کنید تنها با نیت یافتن مسیح، همه

آنها می توانستند روح او را یافته و دریافت کنند، «زیرا هر که می جوید، می یابد» متی 7:8

سپس، او در هر یک از آنها زندگی می کرد، و کلیسا آماده پذیرایی از او بود. او قبلاً

من برمی گشتم و نوشتن این کتاب کاملاً غیر ضروری بود. اما چگونه این نیست

اتفاق افتاده است، بسیاری می توانند از آن بهره مند شوند و برکت داشته باشند، زیرا می توانند

از طریق خواندن، او را پیدا کنید، همانطور که شاید شما او را دارید.

عیسی گفت: «و من وقتی از زمین بلند شوم، همه مردم را به سوی خود خواهم کشید.» جان

12:32 مکاشفه مسیح بر روی صلیب، قربانی او و تمام حقایقی که

درگیر، قلب همه کسانی را که تحت تأثیر آن قرار می گیرند جذب می کند. بنابراین، اگر این

کتابی که برای جذب چشمان و قلب شما به سوی مسیح خدمت کرده است، به دیگران این حق را بدهد

فرصتی برای دریافت همان نعمت: آن را به اشتراک بگذارید. به هر کسی که هستی هدیه بده

با یک نسخه عشق بورزید، یا آن را قرض دهید تا خوانده شود و به زندگی دیگران برکت دهید. آ

مکاشفه مسیح انجیل است. و خداوند این مأموریت را به ما داد: «به همه بروید

دنیا، انجیل را به همه مخلوقات موعظه کن» (مرقس 16:15) «و این انجیل ملکوت خواهد بود

در سراسر جهان به عنوان شاهی برای همه ملتها موعظه کرد و آنگاه پایان خواهد آمد.» مت.

24:14 بنابراین، به هر طریقی این کتاب و پیام را ترویج و نشر می کنیم

در معرض آن قرار می گیریم، ما «به آمدن روز خدا را تسریع می کنیم» 2 Pet. 3:12 عیسی گفت:

«پس آن بنده امین و حکیم که ارباب او را بر خانه اش گماشته است، کیست؟

در زمان خود روزی می دهد؟ خوشا به حال آن بنده ای که اربابش وقتی

بیا، خودت را بیاب که اینطوری خدمت می کنی.» متی. 46، 24:45 ما بندگان وفادار و دانا خواهیم بود و گسترش می دهیم
برای دیگران این غذای روحانی واقعی، مکاشفه مسیح است؟ بهشت منتظر است
آره. و همینطور باشد! خدا تو را حفظ کند.